

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۸

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ بهار ۳۰۰ ریال

همروز انقلابی!

ضمن تبریک سال نوبه تو وتوده های انقلابی ایران
آرزو میکنیم سال جدید سال پیروزی های هرچه
درخشان تر برای کارگران و زحمتکشان ما و سال شکست
برای ارتجاع و امپریالیسم باشد.

به امید پیروزی راه سرخمان!

پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به کارگران، زحمتکشان و خلفهای قهرمان ایران بمناسبت آغاز نوروزی دیگر

به مناسبت آغاز سال جدید، از طرف تمامی رفقای سازمان، درودهای آتشین خود را نشان شما میکنیم و بدین مناسبت مبارکبادها و تحکیمات خود را با کارگران و زحمتکشان تحکیم میکنیم. امیدواریم سال جدید، سال هرچه فشرده تر شدن صفوف توده ها، سال هرچه آگاه تر شدن زحمتکشان، سال بیونگ آگاهتری طبقه کارگر باشد. سال پیروزیهای درخشان برای توده ها، و سال زبونی، انفراد، رسوائی و شکستهای بی دربی برای ارتجاع و امپریالیسم باشد.

نقشه در صفحه ۱۸



بیاد آموزگار کبیر پرولتاریا کارل مارکس



صفحه ۱۳

لوح افتخار کمونیستهای پیکارگر

صفحه ۲۸

گزارش مقاله

سال ۵۹ سال برآمد انقلاب و شکستهای ضد انقلاب

اینک آخرین روزهای سال ۵۹ را پشت سر میگذاریم. سالی که رژیم جمهوری اسلامی آنرا سال امنیت نامیدند و برای تامین این امنیت یعنی امنیت سرمایه ارضگرونده کوششی سرعظم زحمتکشان وتوده های تحت ستم فروگذازیدند. اما ما سون انکارنا پذیریم بارز طبقه کارگر نمایی اوهام رژیم حاکم را در ایجاد این امنیت از همان روز اول نقش بر آب کرد و توده های زحمتکش و قهرمان ما علیه ستم تمامی توهنات خویش، خشم طبقه کارگر را علیه ما حاکمان سرمایه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی به اشکال مختلف به نمایش گذاشتند و سربازان ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، عرضنامه مبارزات خونین کارگران و زحمتکشان و خلفهای تحت ستم ما علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم کردند.

نقشه در صفحه ۲

لاهیجان: توده ها در صحنه پیکار

صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

سال ۵۹ را بحق میتوان سال اعتلاء و رشد مبارزات توده‌ها نامید. این مبارزات در ادامه مبارزات گذشته، چه قبل و چه بعد از قیام بوده و ریشه در فقر و فلاکت میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و نادیده گرفتن اساسی ترین حقوق سیاسی و اقتصادی آنها از سوی رژیم حاکم و حفظ و حراست منافع امپریالیسم و تلاش همه جا نبر برای بازاری سیستم سرمایه‌داری وابسته توسط این رژیم دارد. واقعیت این است که توده‌ها در طول سالین در از مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم و با تقدیم دهها هزار شهید در این راه، در پی نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته و استقرار حاکمیت خویش بودند، اما بدلیل ضعف پرولتاریا و نیروهای کمونیستی امکان تحقق چنین حاکمیتی در قیام مهمن ماه میسر نگردد و بورژوازی متوسط به اتفاق خرده بورژوازی مرفه سنتی، با خیانت به انقلاب و اهداف آن و در سایه سازش با امپریالیسم قدرت سیاسی را غصب نمود. رژیم حاکم بنا بر ما هیئت طبقاتی خود نه میخواست و نه میتوانست به خواستها و مطالبات اساسی توده‌ها پاسخ دهد و هر روز که میگذشت توده‌ها شاخه فقر و فلاکت بیشتر خود را نادیده گرفته شدن اساسی ترین حقوق سیاسی و اقتصادی خود از یک سو و توسعه و بازاری سیستم سرمایه‌داری وابسته و حفظ و حراست منافع امپریالیسم توسط رژیم حاکم از سوی دیگر بودند از این بیرون و تصادفی نیست که ما از همان فترت قیام شاهد دادها و بدیها مبارزه توده‌ها به درجات و اشکال مختلف در گوشه و کنار ایران علیه رژیم جدید هستیم. سال ۵۹ شاهد جنگ ارتجاعی ایران و عراق بود. این جنگ که نتیجه سیاستهای ارتجاعی و جنگ افروزیانه دو بورژوازی ایران و عراق بود بیش از یک و نیم میلیون نفر از زحمتکشان جامعه ما را آواره ساخت و هزاران نفر را گوشت دم‌توب بورژوازی ساخت. این جنگ اگرچه در ابتدا افکار و شوونیستی را در میان توده‌ها افزایش داد اما در پی آمد خود فقر و فلاکت توده‌ها را با بهم‌بیشتر شدن من و موجب رشد بیشتر مبارزات توده‌ها گردید بنا بر این در طول این دو سال، روند مبارزاتی توده‌ها در ارتباط با تشدید بحران جامعه و افزایش فقر و فلاکت توده‌ها، همواره سیری روبه بالا داشته و در سال ۵۹، ما شاهد واگیری هر چه بیشتر این مبارزات چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی در مقایسه با سال پیش از آن بوده ایم. نگاه اجمالی به برجسته ترین نمونه‌های جنبش کارگری در این سال که در زیر بدان اشاره میکنیم، بنحوقاطمی این ادعای ما را تأیید میکند:

اعتصابات گسترده کارگران کوره پزخانه‌های تهران، مبارزات وسیع کارگران شرکت

نفت و راه‌پیمایی و اجتماعات متعدد آنسان بویژه پس از جنگ در آبادان، شیراز و تهران، مبارزات و اجتماعات وسیع کارگران بیگار در تهران و شهرستانها، مبارزات و اعتصابات کارگران کارخانه سیمان اصفهان، مجتمع صنعتی فولاد اوزار، کارخانه کشف کارگران، کارخانه فیلکو، پارس متال، کمپیدور، ووزیبه، دغانیات تهران، اعتصاب مبارزات کارگران کارخانجات کفش ملی تهران، اعتصاب رانندگان و کارکنان شرکت واحد تهران، اعتصاب تاکسیرانسان در تهران، همدان، زنجان، مشهد و کرج و دهها اعتصاب و تحصن دیگر که در اینجا مجال ذکر آنها نیست.

کافی است در کنار جنبش کارگری، به جنبش خلقهای تحت ستم بویژه خلق کرد و مقل و مسلمانان در قبال یورشهای وحشیانه ارتش و سپاه پاسداران و همچنین به مبارزات گسترده دهقانان و زحمتکشان شهری در سراسر ایران و با لاف به جنبش سراسری و رشدیابنده دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و معلمین و کارمندان مترقی و انقلابی در گوشه و کنار ایران... تنها نیمنگاهی میکنیم تا معلوم شود که مبارزات توده‌های در سال ۵۹ از چه سطح و چه کیفیت نسبتا بالایی برخوردار بوده و تا چه اندازه بیان کننده اعتلاء جنبش توده‌ها است.

سال ۵۹ همچنین سال سرکوب و کشتار توده‌ها و نیروهای انقلابی بدست ارتش، سپاه پاسداران و دیگر ارگانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بود، سرکوب کارگران اعتصابی در تهران و شهرستانها، بخون کشیدن تظاهرات کارگران بیگار، حمله وحشیانه به شهرها و روستاهای کردستان و قتل عام هزاران نفر از توده‌ها و مبارزین خلق کرد، حمله و کشتار دهقانانی که در مدد تصرف زمینهای ملاکان بودند، حمله به دانشگاه و کشتار دانشجویان کمونیست و انقلابی و تعطیل دانشگاه، سرکوب مبارزات صنفی و سیاسی دانش آموزان و معلمین انقلابی و کمونیست و اخراج آنها از مدارس، اخراج کارمندان آگاه و انقلابی از ادارات و بجا دجوخقان و سرکوب در ادارات، اعدام، ترور، زندانی و شکنجه کردن هزاران نفر از عناصر کمونیست و انقلابی بجرم مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم... تمامی اینها نمونه‌های بارز از سیاست سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را در عرصه‌های مختلف و در سراسر ایران به نمایش میگذارد.

سال ۵۹ همچنین سال تشدید تظاهرات درونی هیات حاکمه و اروپا روشی و مقابل هر چه حاکم دتر جناحهای حاکم یعنی حزب جمهوری و لیبرالها بود. این تضاد که خود ریشه در اختلاف شیوه‌ها و تاکتیکهای دو بخش از بورژوازی در برخورد به مسائل مختلف دارد، بر اثر تشدید بحران اقتصادی سیاسی جامعه و رشد و گسترش جنبش توده‌ها، در

سال اخیر بویژه در ماه آخرا آن به اوج خود رسید و همانطور که قبلا از این در تحلیل‌های سیاسی خود متذکر شدیم، امکان وحدت و کنار آمدن دو جناح حاکم را با یکدیگر بعد از اقل رسانده و آنها را بیشتر از هر موقع دیگر برای حفظ موقعیت خود دست یابی به مواضع کلیدی قدرت، در برابر هم قرار داده است. بدون تردید شکاف در "بالا" موجبات تضعیف رژیم را فراهم کرده و از تمرکززدایی در سازماندهی ارگانهای دولتی و تشکیلات و سرکوب مبارزات توده‌های جلوخواهد گرفت. و این بنوبه خود زمینه را برای تهاجم و تعرض هر چه بیشتر توده‌ها از حاکمیت آگاه و انقلابی و موضع گیری در برابر رژیم آماده میکند. سال ۵۹ همچنین سال قدرت گیری روز افزون حزب جمهوری و در مقابل حریف نیرومند خود لیبرالها و بدستمال آن سیر روبه نزول و انزوای سیاسی آن در سطح جامعه و متقابلا سیر روبه نزول لیبرالها ط

بگذرد و قدرت گیری مجدد آنان طی ماههای اخیر بود. و حزب جمهوری اسلامی که پس از واقعه سفارت بتدریج توانسته بوده مواضع کلیدی قدرت دست یابد، بویژه در ماههای اخیر با روشن شدن ماهیت آن برای توده‌های وسیعی از مردم نفوذ خود را در میان آنها از دست داد و هر روز که میگذرد به انزوا و انزوا دبیشتی کشیده میشود. متقابلا لیبرالها که در دوره اخیر، در موضع ضعیف تری در قدرت سیاسی و در مقابل سپاه حزب جمهوری قرار داشتند، با توسل به شیوه‌های عوام فریبانه، تظاهرات، آذینخواهی و استفاده از آگاهان توده‌ها و نفرت بحق آنها از حزب جمهوری و در شرایط نبود آلت رناتیسو قدرت مند انقلابی کمونیستی و در سایه همکاری بیدریغ دمکراتهای ناپیگیری چون مجاهدین با آنها، موفق شدند، توده‌های وسیعی را بسوی خود جذب کنند. در این بنمورد ما دانه‌ها در ۱۴ اسفند را میتوان نقطه عطف بارزی در انزوا

سیاسی حزب جمهوری و پیاگیری و قدرت یابی لیبرالها بحساب آورد.

سال ۵۹ همچنین سال رشد و افزایش آگاهی سیاسی توده‌ها و در همین رابطه رشد و تقویت نیروهای انقلابی و کمونیستی از یک سو و پلاریزه شدن این نیروها بر اساس مواضع طبقاتی - ایدئولوژیک خود از سوی دیگر بود. تا آنجا که این مسئله به جنبش کمونیستی بر میگردد، ما شاهد ارتداد و خیانت بخش مهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق و پیوستن آن به رویزیونیسم بودیم. این واقعه در عین حال که برای جنبش کمونیستی ایران یک ضربه اساسی تلقی میشد، معذایمان و انگاس این حقیقت نیز بود که جریان‌های سائریستی نمیتوانند در دراز مدت و بویژه در شرایط حدت یابی مبارزه طبقاتی و اعتلاء انقلابی به مواضع بینا بینی و سائریستی - بقیه در صفحه ۱۴

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

جنبش کارگری



کارگران زندانی شرکت واحد آزاد باید گردند!

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!
در جریان اعتصاب حق طلبانه شرکت واحد در روز ۳/۱۲/۵۹ عده ای از رانندگان و کمک رانندگان مبارز دستگیر و به زندانهای رژیم جمهوری اسلامی برده شده اند زندانیانی که شکنجه آن دیگر معروف خاص و عام شده است! اینک حداقل ۱۸ تن از رانندگان و کمک رانندگان مبارز تهرانی در بندهای رژیم اسپرند. صدای اعتراض خود را به این عمل ارتجاعی بلند کنید و اجازه ندهید زحمتکشان را به جرم حق طلبی به بند بکشند.

رانندگان، کمک رانندگان و کارگران مبارز حرکت واحد!

شما نیز باید برای آزادی همکاران شریف خود مبارزه کنید! در مسیرهایی که ما فرین را حمل و نقل میکنید حتما خواهی و دردهای خود را با مردم در میان بگذارید و بدینوسیله ضمن جلب حمایت آنان از خواستههای برحق خود، تبلیغات عوامفریبانه شهردار و روسای مربوط دولت را که علیه شما موضع میگیرند، بی اثر سازید.

برای پیروزی در این مبارزه باید "شورای نمایندگان واقعی مناطق ۴ گانه" را تشکیل داده و بدینوسیله مبارزات خود را متحد و هماهنگ سازید. بدون متشکل شدن پیروزی امکان ندارد. پیش بسوی تشکیل "شورای نمایندگان واقعی ۴ گانه" شرکت واحد! پیش بسوی جلب پشتیبانی توده های زحمتکش از خواسته های برحقمان از طریق افشای عوامفریبی های رژیم! زندانی سیاسی مبارز، کارگر زندانی مبارز آزاد باید بگردد! گسترده تر مبارزات حق طلبانه کارگران بر علیه سرمایه داران برقرار باشد جمهوری دمکراتیک خلقی ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات تهران) ۵۹/۱۲/۱۳

انحراف کشانده میشوند. بعد از جنگ ویرانه افتادن امواج تبلیغات شوینستی از جانب رژیم، شورای فدکا رگبری کارخانه موفق میشود حدود ۸۰ نفر از کارگران را به کلاسهای آموزش نظامی بفرستد. ولی در اثر فروریختن توهم کارگران در رابطه با جنگ ارتجاعی سرمایه داران، نفرات این کلاس به ۳۰ نفر تنزل می باید. بطور کلی کارگران این

اعتصاب کارخانه سایپا: زبونی کارفرما و عدم تشکل کارگران

پشت میکرفون رفته و به وراجی بر علیه مبارزات کارگران میپردازد. این سخنان وی با اعتراض کارگران مواجه میشود. بخصوص زمانیکه این مزدور انگل اعمال خود را به کارگران نسبت داده و آنها را به چماقداری متهم میکند خشم کارگران به نهایت رسیده و چیزی نمانده بود که سزایش را کف دستش بگذارد. اما این مزدور که خشم انقلابی کارگران را میبیند تغییر چهره داده و به کرش و چابلوسی در مقابل کارگران میافتد. مجمع عمومی به نتیجه نرسیده و در پایان آن یکی از اعضای شورای فدکا رگبری از کارگران ناچار شنبه ۵۹/۱۲/۱۳ مهلت میخواهد بعد از ظهر کارگران بعلت عدم تشکل و رهبری خرد خرد بزرگوار میروند و بدین ترتیب اعتصاب موقتا پایان مییابد. آنچه که در این حرکت مانع از تشکل و نظایرش در سایر کارخانجات، برجسته است، ضعف تشکل کارگران میباشند که علیرغم آنکه تعرض کارگران کارفرما را به عجز و ناتوانی میکشاند، حرکت کارگران از هم پاشیده و نتیجه ای نمیدهد. با ایداع طمینان داشته باشم تا زمانیکه دشواریهای واقعی خود متشکل شده و آگاهی طبقاتی کسب نکنیم نتیجه مبارزاتمان چیزی جز این نخواهد بود

کارگران کارخانه سایپا همانند اغلب کارگران بانایاوری نسبت به طرح فدکا رگبری دولت در مورد پرداخت ۲ ماهه عیدی و پاداش به جای چهار ماه سودویزه، مینگریستند. اما زمانیکه روز ۶/۱۲/۵۹ اکثر کارگران مبلغی کمتر از هزار تومان بعنوان مابقی سودویزه دریافت کردند (چرا که در تابستان ۳ هزار تومان بعنوان علی الحساب گرفته بودند)، ناچار و ریشان تبدیل به خشم انقلابی شد. زمزمه اعتراض با شروع اعتصاب در سالن شماره ۳ در روز ۹/۱۲/۵۹ به اعتصاب عمومی در روز ۱۰/۱۲/۵۹ منجر گردید. علیرغم تهدید به اخراج کردن، "ضد انقلاب" خواندن کارگران و تماشای فشارهای دیگری که از جانب انجمن اسلامی، شورا و مدیریت، این عمل سرمایه داران، به کارگران وارد آمد بجز عده قلیلی ناآگاه، کارگران بصورت متحد به اعتصاب خود ادامه دادند. مجمع عمومی کارخانه نیز تشکل میشود و طی آن کارگران مبارزه افشای عملکردهای دولت و عواملش در کارخانه میپردازد زندگانه چگونه به بها نه جنگ حقوق کارگران را با اعمال میکنند. مدیر کارخانه نیز

از شروع جنگ تاکنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۴)

شورای زرد و فدکا رگبری است و به همراه مدیرعامل سرکوب و استثمای هر چه بیشتر کارگران میپردازد. در این کارخانه، بعد از قیام خواسته های اقتصادی کارگران (از بدای حقوق، گرفتن حقوق پایداری شده و...)، در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل تبلور مییابد. روز ۳۱/۶/۵۹ در پی تهدید کارگران مبنی بر انجام اعتصاب، مدیر کارخانه به کارگران قول میدهد که تا چهار ماه دیگر طرح را پایا کند و تا آن موقع هم کارگران میتوانند. حهای پنجشنبه بعنوان اگاه فکری کارکنان کنند و علاوه بر آن مقرر میدارد که تا به کلیه کارکنانی که بیش از ۴ ساعت غیبت غیرموجه نداشته باشند ما هانه ۱۵۰ تومان، تعلق گیرد. بدین ترتیب کارگران از خواست اصلی شان به

الف - رشته انومبیل سازی ۴ - کارخانه لیلاند مونور:

این کارخانه نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر و کارمند دارد و تولید آن اتوبوس دو طبقه، کامیون کمبری آتش نشانی، زباله کشی و لجن کشی میباشند و بتازگی قرار است که بجای "دو طبقه" اتوبوس یک طبقه تولید کنند. کارخانه قبلا توسط هیئت مدیره ای اداره میشد ولی در حال حاضر بسویله مدیرعامل قبلی کارخانه که از عوامل حزب جمهوری است با تأیید وزیر صنایع و معادن، اداره میشود. شورای کارخانه وابسته به کارکنان شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) میباشند که یک

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کارخانه نسبت به بنی صدور ارتش توهم دارند. این امر بخصوص در دیدستان با دارودسته "حزب" میباشد.

کارگران در اوایل آذربایجان طرکسما لیسات از حق اولاد، حق مسکن، حق خوار و بار و..... خواهان تشکیل مجمع عمومی میشوند. اما مدیریت به بهانه جنگ و اینکه کارهای مقدما تی طرح طبقه بندی انجام گرفته، بررسی مسئله را به بعد موکول میکنند. مجدداً روز ۱۰/۲/۱۰ بدنبال

کارگران و کارمندان را بر سر مایه داران، گواه این واقعیت است. بنا بر این خواست انحلال شورای قلبی و ایجاد شورای واقعی میبایست یکی از خواستههای محوری کارگران باشد.

کارگران آگاه و کمونیست کارخانه میبایست ضمن بردن شعار مذکور برون کارگران، میبایست در ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی همکاران خود کوشیده و بخصوص کارگران را از افتادن به دام عوام فریبیهای لیبرالها و سنی صدر، برحذر دارند. با بدتلاش نمودن خواستههای منقوسی کارگران را با خواستههای سیاسی طبقه کارگر پیوند زده و به ارتقاء مبارزات خود بخودی آنها پرداخت.

دادن اضافه کاری به قسمتهای "پرس" و "آتش" - نشانی، کارگران سابقه آنها عصر همین روز دست از کار کشیده و خواستار اضافه کاری میشوند. کمبود حقوق کارگران که کفاف تا مین حداقل مخرج شان را نمیکند، به علاوه گرانی سرآورد علت این نیازشان به اضافه کاری است. این خواست کارگران با تهدید "شورا" و مدیریت به تعطیل کارخانه و اینکه این کارخانه هیچ سودی برای دولت ندارد (!) به جای نمیبرد. به نتیجه نرسیدن خواستههای کارگران باعث عدم وجود یک شورای واقعی کارگری میباید. پراکندگی کارگران در طرح خواستههایشان و موثر واقع شدن عوام فریبیهای ارگانهای ضد

اداره کار بر علیه کارگران

و بنفع امپریالیستهای ژاپنی "رای" میدهد!

شرکت "فوروکا و الکتریک" یک شرکت معظم ژاپنی است که چه قبل از قیام و چه بعد از آن قراردادهایی در رابطه با انتقال نیروی برق با دولتهای ایران بسته و طبعاً سودهای کلانی نیز به جیب امپریالیستهای ژاپنی ریخته است. این شرکت اکنون در شهرهای تهران، کرج، آبیگ، ساری دفترها را در آنجا در آورده است. با این تفاهل کارگران شرکت از حقوق اولیه خود محروم و مندوبان خیرا از پرداخت دوماه عیدی و با دایم موبه رئیس

نیز به آنها خودداری شده است. این عمل موجب اعتراض شدید کارگران گردید تا اینکه تصمیم به اخراج کارفرمای ژاپنی خود میگیرند اما نماینده کارفرما به کارگران میگویی: ما نمیخواهیم عیدی شما را ندیم فقط منتظر بخشنامه قانونی وزارت کار هستیم. بالاخره کارگران به اداره کار ریزش مراجع کرده و خواهان پرداخت عیدی

میشوند. اداره کار هم بعد از یک هفته رای زیرا بنفع کارفرما صادر میکند. لازم به تذکر است که یکی از دلایل عدم پرداخت توسط کارفرما "تولیدی و صنعتی نبودن" شرکت بود. اما اداره کار علیرغم رد این ادعای کارفرما، بنفع رای میدهد!

شماره: _____
تاریخ: ۲۵ اسفند ۱۳۵۹
پرست: _____

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی
اداره کل کار و امور اجتماعی تهران

شماره دعوی	۳۵ و ۳۶ خا نو ادسی	محل کار یا محل اقامت
کارفرما		
کارگر	آقای قنبر صالحی و سایرین	
کارگاه	شرکت فوروکا و الکتریک	

دایره: هر از استماع اظهارات کارگران دانش و همچنین اظهارات آقای ماکوکو و نماینده شرکت فوروکا و الکتریک و بررسی محتویات پرونده، بطریقه جن کارگاه مذکور تأسیسات بوده و کارکنان و انتقال عیدی به آنها نشده و کارگاه تولیدی شرکت میباشند لذا جهت شکایت کارگران را در مورد پرداخت عیدی حق التعمیر و عیدی یارانه ایها به سال برابر با عیدی تأمین منابع کارگران برود. اما عیدی و غیره به اینست که شرکت همه کارگران را برابر سال گذشته پرداخت نمائید.

نماینده کارگران دولت
تیمار: دکتران کارفرمایان
نماینده کارگران
نشانی کارفرما
تاریخ: _____
گواهی: مأمور ابلاغ

توجه: برای امضاء



منتشر شد

روزنامه «میل» از کارگری
تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰ ریال

روزنامه «میل» از کارگری
تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰ ریال

روزنامه «میل» از کارگری
تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰ ریال

روزنامه «میل» از کارگری
تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰ ریال

روزنامه «میل» از کارگری
تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰ ریال

فان، مسکن، آزادی

خمپاره باران مداوم روستاهای میاندوآب همچنان ادامه دارد

۵۹/۱۱/۲۹ - بدستال خمپاره باران بی -
وقفه روستاهای اطراف میاندوآب توسط
با ساران وارثش جمهوری اسلامی در این روز
روستای زیبا لکندی نیز که دهی کردنشین است
آماج خمپاره های مزدوران ترار گرفت که در
آنرا نیکفر شهید و سه نفر زخمی گردیدند.

۵۹/۱۲/۳ - عمران روز مزدوران رژیم
جمهوری اسلامی تعداد ۱۳ د خمپاره بدستال
روستای قبا غکندی (واقع در چهار کیلومتری
میاندوآب) برتاب نمودند که چون مردم قبلا
آنجا را تخلیه کرده بودند تلفات جانی نداشت.
دشمن بعد از آن یک قایق جوسی خالی را که
وسيله ارتباط ساکنان روستا بود با آربی جی
منهدم کرد!

جالب توجه است که خبر انهدام این "قایق"
جوسی روستائیان را رادیو جمهوری اسلامی در
چند بخش خبری خود با آب و تاب نقل کرد و گفت
که: "با ساران با عملیات جریکی قایق ضد
انقلاب را منهدم کرده اند."

مردم این منطقه در نقاط مختلف رودخانه
با تکه های از جوب و خنجه جنین قایق های سی
درست کرده اند که با پول یک گلوله آربی جی
دهها عدد از آنها را میتوان ساخت. اینهم از
شاهکارهای با ساران جهل و سرمایه.

در همین روز روستای کوخان و خویری آوا
نیز خمپاره باران شد. لازم به تذکر است که اکثر
روستاهای کردنشین و ترک نشین اطراف
میاندوآب خالی از سکنه شده و ساکنان در
دهات اطراف آواره شده اند.

(خبرنامه ۱۱۵ کومله)

باز هم تربیت مزدور!

طبق گزارشات رسیده از بهادگان "ابوذر"
در سریل دها، رژیم عشایری را که حاضر به
همکاری و پشتیبانی از وی شده اند، با حقوق
۳۰۰۰ تومان در ماه و عشا بر "قیاده موقت"
خائن را با حقوق ۴۰۰۰ تومان در ماه، آموزش
میدهد. رژیم ضد خلقی، در حالیکه کردستان
قهرمان را در محاصره اقتصادی قرار داده و
مبارزات برحق آنها را شدیداً سرکوب میکند،
با حمایت از نیروهای خائنی چون "قیاده موقت"
و یکارگیری آنان، به نمونه دیگری از خیانت
خلقهای ایران دست میازد.



هشدار در مورد حمله نظامی وسیع رژیم به ۴۰ روستای سنقر

با خاک یکسان خواهند کرد. در این عملیات
جنا بیگانه نیروهای زیر شرکت خواهد کرد.

- ۱ - گروهان گلاده قرمز
- ۲ - سبج
- ۳ - جوانمردان ژاندارمری
- ۴ - ارتش پیرانشهر
- ۵ - گروهان نانک ابودریشید
- ۶ - نیروهای هوایی جمهوری اسلامی
- ۷ - توپخانه سنقر

این شواهد، هشدار است به تمام کمونیست
ها، نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان
و خلقهای ستمدیده ایران تا با حمایت همه جانبه
نظامی - سیاسی از خلق کردتولشهای کشتار
و سرکوب خلق قهرمان کرد توسط جمهوری اسلامی
را خنثی کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که در هر قدم از اقدامات
سرکوبگرانه خود با گسترش و تعمیق هر چه بیشتر
حنسش مقابلت خلق قهرمان کرد و مقابلت
نظامی پیشمرگان انقلابی مواجه شده است
پس از آزمون کلبه شیوه های حنایت و
سرکوب، با ردیگر خود را برای کشتار وحشیانه
بخش وسیعی از زحمتکشان کردستان آماده کرده
است.

طبق اطلاعات موشق رسیده، نیروهای سر -
کوبگر رژیم، جهت خلع سلاح اهالی ۴۰ روستای
اطراف سنقر به طرف کردستان حرکت کرده اند.
قرا است که برنا به کشتار روستائیان زحمتکش
سنقر از ۱۸ تا ۲۵ اسفند ۵۹ انجام گیرد و اگر
اهالی دهات اطراف سنقر مقاومت نکنند، نیروی
هوایی جمهوری اسلامی و توپخانه سنقر، آنجا را

پیرامون "اندرزها" و "هشدارها"ی حزب دمکرات به کمونیستها در کردستان!

حزب دمکرات کردستان - تشکیلات بوکان
در محله وحشیانهای که به مقر ما زمان در
بوکان نمود و طی آن سه تن از رفقای ما را به
شهادت رسانید، اعلامیه هایی به تاریخ ۸ و ۹
اسفند منتشر نمود که در آن درباره "واقعیه
اسفبار" بوکان (منظور جنایت حزب دمکرات است)
توضیحاتی داده است و ضمن ابراز همبستگی
با سا زمان مجاهدین خلق، گه گاهای مثبت و
شمر بخشی "در جهت نزدیکی با آن برداشته است!
"تحریکات" ما را (منظور افشای گریبهای ما درباره
حزب دمکرات است) در جهت انتقاد به مجاهدین
در حمایت از حزب دمکرات، مورد نکوهش قرار
داده و مدعی شده که چنین "تحریکات" با عسرت
چنین درگیریهای "ناخواسته" و "اسفبار" گشته
است و باز هم خواسته است که نیروهای کمونیست
در کردستان از طرفی نباید به "تفاق افکنی"
دست زنند و از طرف دیگر نباید در امور اجرایی
کردستان دخالت نمایند. بلافاصله بعد از این

اعلامیه، تشکیلات بوکان حزب دمکرات اعلامیه
دیگری صادر میکنند که در آن به "پند و اندرز" و
"خط و نشان کشیدن" برای کمونیستها ی فعال در
کردستان می بردارد. و مبراً ادا میکند که حزب
دمکرات محبوب خلق کرد است! و خلق کرد را جز
نخواهد داد و گروههای خط خ در کردستان به حزب
دمکرات اها نت نموده و خلق کرد حزب دمکرات را
برای مقابله با این اعمال تحت فشار قرار
داده است! و بالاخره یورش وحشیانه ای که به مقر
سا زمان ما در بوکان صورت گرفت، گویا نشانه
علاقتمندی خلق کرد به حزب دمکرات است. سپس
حزب حقایق واقع "اسفبار بوکان" را بر می شمرد و از
جمله تهدید میکند که همانطور که این واقع نشان
داد، ضمن آنکه حزب دمکرات، خواهان "دمکراسی"
است، لیکن اها نت و مخالفت و تنهت های ناروا
از جانب دیگران را تحمل نخواهد کرد! (و در صورت
لزوم همچون واقع بوکان آنان را به خاک و خون
بقیه در صفحه ۱۲

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



میتینگ افشای حزب دمکرات بدعوت پیشمرگان سازمان

کامیاران، آبادی «طا» ۵۹/۱۲/۱۱ - در این روز در رابطه با حمله و حشیا نه حزب دمکرات به مقر سازمان ما در بوکان میتینگ افشاگرانه ای بدعوت پیشمرگان سازمان در منطقه کامیاران و با شرکت مدها تن از زحمتکشان آبادی و پیشمرگان انقلابی کومله و رزمندگان برگزار شد. استقبال پر شور مردم محل از میتینگ حماسیت فوق العاده توده های زحمتکش در برابر وقایع سیاسی و همچنین همبستگی آنها با سازمان نهی انقلابی را نشان میداد. در ابتدای مراسم، سرود "ای شهیدان" توسط جمعیت حاضر اجرا شد و بعد یکی از پیشمرگان انقلابی سازمان واقعه حمله افراد مسلح حزب به مقر سازمان و شهادت و زخمی شدن چندین تن از پیشمرگان سازمان را بطور مشروح توضیح داد. رفیق پیشمرگه طی سخنان خود حمله و حشیا نه حزب را امری غیرمنتظره ندانسته و نشان داد که این اقدام حزب از مجموعه عملکردهای ضد انقلابی آن در طول جنبش مقاومت جدا نیست. افشای رفیق پیشمرگه با تائید همگانی روبرو گردید.

سپس یکی دیگر از پیشمرگان سازمان ضمن شرح اوضاع سیاسی ایران و مشخص کردن سیاست حزب توضیح داد که چگونه حزب در برابر برنارنای زحمتکشان کردستان ایستاده و چشم میدخود را بسوی قدرتمندان فدخلقی جمهوری اسلامی بویژه جناح بنی صدر خاشاک دوخته است. رفیق پیشمرگه طی سخنان خود در گرفتن انواع مالیات های اربابی، دفاع از زمینداران و سرمایه داران، جلوگیری از تقسیم زمینهای فئودالها و غلب سلاح نیروهای انقلابی توسط حزب دمکرات را با ارائه شواهد افشاگرانه مورد تائید کاملاً زحمتکشان آبادی "طا" قرار گرفت. رفیق پیشمرگه در خاتمه سخنان خود، سیاست سازمان در برابر هرگونه تها و ضد انقلابی یعنی استادگی تا آخرین نفس در سنگرزحمتکشان را بیگانه پاشی اصولی و انقلابی به اینگونه حملات اعلام نمود. در این میتینگ نمایندگان پیشمرگان انقلابی کومله و رزمندگان نیز ضمن محکوم نمودن شدیداً این اقدام ضد مردمی حزب، ایستادگی خود در دفاع انقلاب و دفاع از سازمان های انقلابی و منافع زحمتکشان کردستان را اعلام کرده و حمله و حشیا نه حزب را در رابطه با سیاستهای کلی آن، خیانت به زحمتکشان کردستان و منافع خلق کرده اند و محکوم کردند.

یادی از یاران بخون خفته در بوکان

عاطره رفقای شهید باقی، خیا طی، طاها، ابراهیمیان و محمود (رضا) -
ابلاخیان درد لهای زحمتکشان کرد جاودان خواهد ماند.

شهادت رفقا با گلوله های مزه یوان "حزب دمکرات" سند دیگری از خیانتهای این حزب ضد انقلابی به آرمان خلق قهرمان کرد است.

● کاک باقی خیا طی از اهالی مهاباد و دانشجوی دانشگاه تبریز بود. رفیق شهید زروز - های پرشور قبا ماز هواداران سازمان شما رفیق، با یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در سال ۵۸ به کردستان کاک باقی فعالانه در فعالیتهای تشکیلات دانشجویان و دانش آموزان بیکار شرکت میکرد. در تابستان ۵۹ رفیق باقی با عشق به آرمان طبقه کارگر و برای خدمت انقلابی به زحمتکشان کردستان عازم مهاباد شد و در پانزده سال در صفوف رزمندگان پیشمرگان قهرمان سازمان قرار گرفت و پس از مدتی در مقر سازمان در بوکان عهده دار وظایف انقلابی و تشکیلاتی گردید و تا منبر و توانش را در خدمت رها نشی خلق کرد و مبارزه به خاطر انقلاب و سوسیالیسم قرار داد. رفیق باقی در ۷ اسفند ۵۹ در جریان یورش وحشیانه و جنایتکارانه حزب دمکرات به کاک روان شهیدان جنبش مقاومت خلق کرد پیوست. با دای -
بیکار که کمونیست را گرامی داشته و راهش را بر -
شور و پرتوان دنبال خواهیم کرد.

● کاک طاها ابراهیمیان در سال ۱۳۳۶ در

بقیه در صفحه ۸



هشاری خود را حفظ نمایند و بدین سبب آن پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی با دادن شعارهای کوبنده در افشای این اقدام خاشاکه و جنایتکارانه حزب، بطرف مقر سازمان حرکت کردند.

آما دگی خود را برای مقابله با این گونه تحولات ضد انقلابی اعلام نمودند. در پایان مراسم شورای آبادی "طا" ضمن محکوم نمودن عمل جنایتکارانه حزب دمکرات از مردم محل خواست تا در برابر اینگونه اقدامات

گوشه‌ای از مبارزات دانشجویان کمونست و انقلابی در اروپا :

وین (اتریش): تظاهرات سلطنت - طلبان ارتجاعی در هم کوبیده شد

سلطنت طلبان فراری و مزدوران رژیم شاه صبح روز ۲۲ بهمن برای "دفاع از حقوق بشر" تظاهراتی در مقابل ایستگاه راه آهن وین ترتیب داده بودند. شورای هماهنگی دانشجویان انقلابی و مبارزان از رفقای سازمان و دیگر نیروهای کمونیست و انقلابی با اینکه فقط یک روز قبل از تلاش مذبوحانه سلطنت طلبان مزدور اطلاع یافته بودند با سازماندهی بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان ایرانیان مبارز مقیم وین بمقابله با تظاهرات ارتجاعی مزدوران رژیم شاه جلاد که اینک قصد عوام فریبی و ادعای دروغین پشتیبانی از "حقوق بشر" (همان بشرهایی که در زندانهای ساواک شکنجه میشدند و شهید میگشتند) داشتند پرداخته. سلطنت طلبان که در حدود ۴۰ نفر بودند و در سوگ ارتجاع محمد رضا شاه، سیاه پوش شده بودند، شدت از طرف پلیس وین محافظت میشدند. این مزدوران نتوانستند مسیر تعیین شده خود را طی کنند و در بنا به پلیس امیریا لیستی اتریش از کوچک پس کوچ بیطرف دفتر "حقوق بشر" راه افتادند. پلیس وین به دانشجویان انقلابی حمله کرد و غیرا دستگیر کرد (که غروب همان روز آزاد شدند). در این مقابله افشاگران، چند تن از فالانژهای سفارت با در دست داشتن عکس آیت الله خمینی آمده بودند ولی محیط به آنها اجازه "خودنمایی" نداد و عکسها را جمع کردند.

"باهنر" مترجم در وین افشا شد

بدنبال درهم شکستن تظاهرات سلطنت طلبان، برای افشا سفر باهنر به اتریش و ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، بهنگام سخنرانی با هنر مترجم دانشجویان انقلابی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی گرد آمدند ولی با درهای بسته رو شدند بطوری که حتی فالانژها نیز نتوانستند داخل شوند. مزدوران رژیم پلیس اتریش کمک خواستند ولی پلیس وین تجربه تظاهرات سلطنت طلبان و مقاومت دلاورانه دانشجویان مبارز ایرانی را بیاد داشت و لذا موفق به پراکنده ساختن رفقا نگردید و نتیجه رفقا و دانشجویان انقلابی تا پاسی از شب گذشته، با شعارهای انقلابی به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند و جلسه با هنر با ناکامی مواجه شد.

روز ۲۷ بهمن دانشجویان انقلابی با اطلاع از ماهیه مطبوعاتی با هنر در مقابل سفارت



تجمع کردند تنها سه نفر خبرنگار به سفارت مراجعه کرده هنگام ترک آنجا با دانشجویان مبارز نیز مواجه گردیدند این فعالیت افشاگران چند نفر هواداران جریان ضد انقلابی رنجبریا شعار "نه آمریکا، نه روسیه، ایران مال ایرانیه" به مقابل سفارت آمده بودند و قدم خرابکاری در مبارزه دانشجویان رزمنده داشتند که زوزه شان در فریادهای رسای دانشجویان انقلابی خفه شد.



پلیس وین به مقابله دانشجویان
کمونست آمده است

نیس (فرانسه): رفقای هوادار خمیه شب بازی سلطنت طلبان مترجم را برهم زدند!

چندی پیش عناصر مزدور سلطنت طلب بویژه طرفداران اشرف پهلوی فاسدیناسبت "سال - روز ۱۷ دی" (روز با صلاح "آزادی" زن بدست رضا خان قلندر) مراسمی با شرکت دختر اشرف (آزاده شفیق) در هتل "مریدین" نیس ترتیب دادند. رفقای سازمان دانشجویان ایرانی در نیس (عضو اتحادیه جهانی هواداران سازمان) پس اطلاع از برگزاری از چنین برنامه‌ای با همکساری عناصر دمکرات و مترقی شهر با تشکیل یک کمیته هماهنگی فعالیت‌های افشاگران برای برهم زدن تجمع آنان سازماندهی میکنند. با وجود اینکه سالن برگزاری مراسم از طرف پلیس فرانس و مزدوران سلطنت طلبان شدت محافظت میشد رفقا موفق شدند در سالن نفوذ کنند و ما

برخی از آنان توسط مرتجعین شناخته شده و با همکاری پلیس از ورودشان جلوگیری بعمل آمد هنگام شروع برنامه که توسط عزت الله متوجه مزدور (ازگردانندگان تلویزیون ثابت - پاسال) اداره میشد، رفقا با بهره‌گیری از عکسها و پاشین کشیدن با ندرولها و درهم ریختن تزئینات و دادن شعارها سر را بهم میزنند. در اثر مداخله پلیس و جا قوکان اشرف پهلوی یکی از رفقای هوادار مجروح و به بیمارستان منتقل میگردد. پلیس نیس اقدام دستگیری و ضبط کارت اقامت یکی دیگر از دانشجویان انقلابی مینماید اما در مقابل اعتراضها و فریادهای افشاگران رفقای راه می‌کنند.

رفقای هوادار فردای برهم زدن خیمه شب بازی مرتجعین فراری، در یکی از ستورانهای دانشگاه افشاگری خود را ادامه میدهند و مزدوران سلطنت طلب را به محاکمه میکشند که منجر به دستگیری با آنان میشود.

دانشجویان انقلابی و کمونیست با مبارزه خود در مرکز تفریح و عیاشی پولداران مفتخور جهان در ساحل مدیترانه نیز، خواب راحت را بر مزدوران فراری حرام میکنند و ما تسخیر از برگزاری خیمه شب بازیهای مفتضانه‌ای که با غارت دسترنج زحمتکشان ایران میسرگشته میگردد.

حمله پاسداران مزدور به خوابگاه دانشجویان خدمات اجتماعی

بدنبال حملات مکرر و باستان و پاسداران مسلح رژیم به خوابگاه‌های دانشجویان، در بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ بهمن، خوابگاه دانشجویان "خدمات اجتماعی و آموزشی" واقع در خیابان استادانجات الهی مورد حمله قرار میگردد. ابتدا چاقوچران رژیم با قسه و چاقو به دانشجویان حمله ور میشوند. یکی از فالانژها با نوشتن "مرگ بر پیکاری و منافق" بر روی یکی از شیشه‌ها، دانشجویان را تهدید به کشتار میکنند. فالانژ دیگری برای ارساب دانشجویان نارنجکی آموزشی را بسوی آنها پرتاب میکند. عده زیادی از مردم در محل جمع شده بودند و زدا دانشجویان حمایت میکردند. فالانژهای رژیم در پیش چشم مردم کوکتل مولوتف درست کرده و به میان خوابگاه می‌انداختند اما دانشجویان همچنان مقاومت میکردند. پاسداران ارتجاع که دیدند دانشجویان همچنان مقاومت میکنند، با رگبار مسلسل به همسراهِ فالانژها به ساختمان حمله ور میشوند. دونفر از دانشجویان مورد اصابت گلوله قرار گرفته و بقیه شدت مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. مزدوران بقیه از صفحه ۲۶

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



بقیه از صفحه ۶
یاد...
کرد رفیق طاهر مدتی بعد در جاده نیکان تپه بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی اسیر شد ولی پس از یکماه آزاد شد و بعد از تصرف شهرها بدستان پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت همراهِ رفقای همزمش به صف هواداران سازمان ما پیوست. رفیق کمونیست دلاوری بود که بخاطر خلعتهای ممتازش در دل زحمتکشان بوکان جای گرفته بود. او با صبر و حوصله انقلابی پای صحبت نوده های زحمتکش شهری نشست و برایشان به زیبایی ساد، مقاله های بیکار را نقل میکرد و کینه و عشق طبقاتی را در دل آنها میکاشت. رفیق طاهر که در ۷ اسفند با گلوله های مسز دوران حزب دمکرات در خون سرخ خود غلطید، اما بذری که او و دیگر رانانش کاشته اند نهال انقلاب و سوسیالیسم را در میهن ما با رورخا همتا خت. ● کمونیست ها همیشه به نوده های زحمتکش فکر میکنند و هر قدمی که بر میدارند در جهت آزادی زحمتکشان از قید استعمار استوار است. آنها حتی در نامه های خود ادگی نیز از نوده ها و زحمتکشان صحبت میکنند و به راهی که میروند که راه انقلاب و سوسیالیسم است می بالند. در زیر بخشی از نامه رفیق رضا را که در تاریخ ۲۵ آذر ۵۹ به خانواده اش نوشته است نقل می - کنیم رفیق رضا روز ۷ اسفند بدست جنایتکاران حزب دمکرات در بوکان شهید شد

"... اکنون که جنگ بین دور رژیم ارتجاعی شروع شده و نوده های سگناه و زحمتکش شهرهای خوزستان گوشت دم توب شده اند و در حال حاضر وضعیت برای تمام زحمتکشان ایران روز بروز سخت تر میگردد، این بدتر شدن اوضاع همچنان ادامه خواهد داشت تا اینکه با لایحه مردم به آن آگاهی لازم دست یافته و در مدد ریشه کن ساختن عامل بدبختیشان بآیند. اما تا آن موقع فاصله ای گرچه کوتاه ولی کوشش بسیار میطلبند و هر که در این راه گام نهادن دخدمتی بزرگ و حتماً اجرایی گرانبها در پیشگاه توده ها و تارخ خواهد داشت. با این تفصیل من همانطور که قبلاً با رها گفته ام بیکار را خودم علاقمند، معتقد و راضی و خوشحال هستم و شما نیز این حق را میبدهم که از بابت من خوشحال باشید و نه نگران...".
رضا ۵۹/۹/۲۵

بسوی آنها آتش میگشا بدوما شین پیشمرگان را از کار می اندازد. پیشمرگان کومه له این فرد را خلع سلاح میکنند ولی در حین بردن وی افراد مسلح حزب دمکرات که از قبل به کمین پیشمرگان کومه له نشسته بودند آنها را به رگبار گلوله سیبندند. در نتیجه درگیری یکی از پیشمرگان کومه له و یک کودک خردسال زخمی میشوند. این عمل حزب دمکرات باعث خشم و ناراحتی مردم شهر میگردد و عده کثیری از مردم برای پشتیبانی از حرکت انقلابی کومه له و در مخالفت با عمل حزب با تظاهرات به جلومقرابین سازمان میآیند و به سخنرانی یکی از مسئولین کومه له گوش میدهند. بعد از مدتی حدود ۱۰۰ نفر از هواداران حزب دمکرات به خیابان ریخته و به هواداران نیرو - های انقلابی و مردم کناریا بان حمله کرده و عده ای را مضر و چندین نفر را دستگیر و با خود به زندان حزب میبرند که در آنجا مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. بعد از آن هواداران حزب در خیابانها برآه افتاده و هر چه علامه و پوستر و نوشته از نیروهای انقلابی بردیوارهای شهر بود با ره میکنند. حزب دمکرات با این حرکت خود یکبار دیگر نشان داد که مدافع مالکین و سرمایه داران است. حزب دمکرات نشان داد که حاضر است برای حفظ منافع یک سرمایه دار ریشخمرگان جنبش مقاومت را با گلوله ببندد و به سرکوب هواداران نیروهای انقلابی و توده ها دست بزند. ما اتحادات حزب دمکرات علیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی را شدت محکوم میکنیم.
(بیکار کردستان شماره ۶)

چگونه حزب دمکرات از سرمایه داران و مالکین دفاع میکنند؟

بوکان در تاریخ ۲۴ بهمن ماه عده ای از پیشمرگان کومه له به قصد جلب فردی بنام "مصطفی قاضی" به خانه وی میروند تا به شکایت عده ای از کارگران نیکه شخص مذکور حقوق چند ماهشان را بپردازند و بگردیدگی نمایند. شخص مذکور ضمن امتناع از رفتن با پیشمرگان

سه کمونیست دلاور سه بیکارگری که در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران می جنگیدند توسط عوامل جنایتکار حزب دمکرات "بمباران کهنه" شدند. آنان به شهادت رسیدند و ما راه ناتمام آنان توسط همه کمونیستهای صدیق پیروده خواهد شد. ما نیز سوگواری می کنیم به آرمان آنان که همان سوسیالیسم و کمونیسم است همچنان وفادار بمانیم و با تمام قدرت به مبارزه طبقاتی علیه دشمن طبقاتی ادامه دهیم!



رفیق طاهر ابراهیمیان



رفیق باقی خیاطی



رفیق محمود ابلاغیان

اخبار مبارزات توده‌ها



در لاهیجان چه میگذرد؟

حمله مزدوران رژیم به نیروهای انقلابی
ومرگ تهران لاهیجان

اکنون لاهیجان بیکبار چه درآتش مبارزه و مقاومت خلق و کمونیستها، از خیابانتهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میسوزد. رژیم که از لحظه روی کار آمدنش یک لحظه از سرکوب مبارزات توده‌ها و ترور و دستگیری انقلابیون غفلت نکرده است، اینبار هم در لاهیجان یک بار - دیگر چهره فاشیستی خود را بنماش گذاشت.

از حدود یک ماه پیش با شدت یابی فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست (پیکار، رزمندگان و...) و فروش عسلی نشریات انقلابی، رژیم از وحشت گسترش آگاهی و ایده‌های انقلابی در بین توده‌ها، حملات خود را به پیک های انقلابی و افزایش میدهد که هر بار با مقاومت انقلابیون و مردم روبرو میگردد. و با اواخر در روز ۱۲ اسفند با حمله متمرکز خود علیه خشم انقلابی توده‌ها را فروزان ترمیکند. رژیم در این روز به انقلابیون حمله ور شده و کمونیست رزمنده‌ای را بشدت مجروح و دستگیر میسازد. مردمی که شا هدایسین بورش بودند تحمل نکرده و در حالیکه شعار "مرگ - برپا ساز رژیم" میدادند به ما شین مزدوران هجوم برده و انقلابی اسیر را آزاد میکنند، و با کتک مفعلی که به پا سازان میزنند، آنان را فراری میدهند. بدینال فرار آنها، چماقداران رژیم که مسلح به چماق و قداره و کلت بودند، وارد صحنه شده که با مقاومت یکبار چه مردم و انقلابیون و کمونیستها، آنها هم مجبور به فرار میشوند. سپس مردم منازهای را که در حقیقت دفتر با سداران مزدور بود به آتش میکشند. مزدوران رژیم به تلافی مقاومت انقلابی توده‌ها، شبانه ما ننند سا و اکبهای، به منازهای شهر حمله کرده و ۴۰ منازره را ویران میکنند.

در روز بعد، منازره‌ها را با تعطیل دکانهای بطرف فرمانداری راهبیمائی میکنند. فرماندار مرتجع با عوامفریبی از آنان میخواهد که برای تا مین امنست! فروشندهگان نشریات انقلابی را دستگیر! و تحویل سپاه پاسداران بدهند. اما نظار هرکنندگان با گفتن اینکه "فرزندان خود را تحویل نمیدهم" مشت محکمی بدهان فرماندار رژیم زده و با افشاکاری حول سیاستهای ارتجاعی رژیم، قطعنا مه خود را بشرح زیر میخوانند:

- ۱ - عوامل چماقدار را بدینسانائی و محاکمه کردند.
- ۲ - خسارات وارده تا مین بایدگردد.
- ۳ - شورای شهر منحل گشته و شورای اوقوسی ایجاد بایدگردد.

در پایان نظار هرکنندگان اعلام میکنند که

لاهیجان: توده‌ها در صحنه پیکار

است که هیچکس نمیتواند آنرا بحساب نیاورد، هیچ قدرتی (حتی بزور اسلحه و تهدید و عوامفریبی و...) نمیتواند آنرا مهار نماید. در هفته گذشته لاهیجان یکی از نمونه‌های تعرض انقلاب علیه ضد انقلاب بود. نیروهای انقلابی و کمونیست علیه فرقه دستگیرها و شکنجه‌های آنی از پیش و فروش عسلی و افشاکاری دست بر - نمیدارند. توده‌ها که از گران و بیگاری، از قحطی، از جنگ! ارتجاعی، سرکوب و کشتار به تنگ آمده - اند چون مردمک چشم از نیروهای انقلابی و کمونیست این بیام‌آوران و پیکهای واقعی انقلاب حفاظت میکنند.

زمانیکه یکی از فروشندهگان نشریات انقلابی توسط سپاه دستگیر و مورد ضرب و شتم و حشیا نه قرار میگردد، توده‌ها سپاه را محاصره نموده و با حمله و شکنستن ما شین سپاه فرزند انقلابی خود را آزاد میکنند. سپاه زور و سرمایه فراری میشود و چماقداران و قداره‌بندان حزب چماق (حزب جمهوری) وارد میشوند ولی توده - های خشمگین آنچنان درسی به این اراذل و - اوباش میدهند که آنان نیز با بجای گذاردن زخمیهای زیبا در برابر قرار ترجیح میدهند و بقیه در صفحه ۱۰

۳ - ارتجاع از شدت خشم و یاس به خود می پیچد و دندان قروچه میکند.
۴ - پاسداران زور و سرما به همراه قداره‌بندان جمهوری "عدل و داد" چون گاردیهای مزدور آریا مهری و چماقداران رژیم شاه حدود ۴۰ منازره شهر را نیمه شب تخریب میکنند.
۵ - مردم بخاطر این اعمال وحشیانه شهر را به حالت تعطیل درآورده و تحمن و راهبیمائی کردند.
۶ - مردم قداره‌بندان و پاسداران را ادب میکنند
۷ - در اثر هجوم مسلحانه پاسداران به مفسوف دلوران مردم، در حدود چندین شهید و زخمی بجای گذارد.
۸ - مقاومت و تعرض توده‌ای همچنان ادامه دارد.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز و انقلابی!

مقاومت و تعرض توده‌ای در شرایط کنونی بر علیه گران، بیگاری، این جنگ ارتجاعی فلاکت عمومی، سرکوب و کشتار، و بیک کلام بر علیه جمهوری اسلامی که عدل و داد نکذائی اش سرکوب و کشتار توده‌ها است، آنچنان شتابی بخود گرفته

عزای هیئت حاکمه در بند عباس!

سرما به میبرند. هم اکنون تعداد زیادی از فرزندان خلق در زندان بسر میبرند. صبح روز بعد پاسداران به خانه بگردی و حمله به خانه بعضی از فرزندان انقلابی خلق میبرند! زندان آزادبوی ارتجاعی خود تعطیل عمومی (در حقیقت عزای هیئت حاکمه) را در بندر عباس اعلام میکنند.

با حمایت از فرزندان انقلابی خود و افشای سیاستهای وحشیانه رژیم، مشت محکمی بر دهان این بقدرت خریدگان بزنییم به نقل از اعلامیه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - هرمزگان با اندکی تغییر و تلخیص

روز ۲۹ بهمن از طرف نیروهای انقلابی و کمونیست برای افشای سیاستهای هیئت حاکمه نما یشگاهها شیبی برگزار شده بود. عوامل رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با برنامهای از قبیل تعیین شده جلوی نما یشگاه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر جمع شده و به لجن - پراکنی میپرداختند. نیروهای انقلابی جهت افشای رژیم با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" دست به راهبیمائی میزنند. پاسداران و فاندازه‌های چماق بدست صف را تعقیب کرده و بعد از پایان راهبیمائی به شرکت کنندگان و حشیانه حمله کرده و هرکس را در خیابان و کوچه میدبندند، با کتک و زخمی کردن دستگیر و به سپاه پاسداران

به استقبال جنبش او جگیننده توده‌ها بشه تسلیم

رژیم: بازهم سرکوب زحمتکشان خاک سفید: بازهم مبارزه و مقاومت

در قسمتی از "خاک سفید" چندین خانه ویلایی وجود دارد. مقامات مرتجع که میدهند در صورت قطع برق زحمتکشان منطقه، ویلایشانها هم برق نخواهد داشت، ابتدا برای وایلاها کابل های زمینی کشیده و بعد برای چندمین بار رسیمهای هوایی را بکلی قطع میکنند. بازهم زحمتکشان به مقابله برخاسته و این بار با خرید سیم و کابل بیشتر، آنها را به پست های ترا نسفور-ما تور وصل منما بند. اما بعلمت نا وارد بودن و عدم داشتن امکانات اولیه، سیم کشی صورت غیرقانونی بوده و مرتب برقها برای اتمام قطع ویا ضعیف میشوند. زحمتکشان "خاک سفید" برای مقابله با توطئه های رژیم، دست به تشکیل شورا - های محلی زده و تصمیم میگیرند برای هر دو با سه خیابان یک اطاق جهت پست ترا نسفور-ما تور بسازند. رژیم که مقابله با این زحمتکشان را میسیند و برای اینکه از این جا هم مبالغی به جیب بزنند، ما مورین خود را برای نصب کنتورها میفرستد. البته هر خانوار را بستی در ازای این کار ۱۴۰۰ تومان بپردازند که ۴۰۰ تومان آن بابت "جریمه استفاده غیرقانونی" از برق و ما - بقی مخارج "واقعی" برق کشی میباشد.

رژیم همراه با هر قشیش با نکی که به هر خانه بقیه در صفحه ۱۸

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که با زور اسلحه نتوانست زحمتکشان "خاک سفید" را از خانه با زور، اننگ به طرق مختلف آنها را از داشتن اولیه ترین حقوق از جمله برق محروم نمیدارد. چندی پیش زحمتکشان "خاک سفید" با مراجعات مکرر به اداره برق، تقاضای برق کردند. جواب روشن بود: شما ها زمین مردم را غصب کرده اید و حالا آب و برق هم میخواهید؟ کارتان غیرقانونی است و هیچگونه حقوقی ندارید! مردم زحمتکشان که طبق معمول از دولت ارتجاعی جواب برداشتند، خود با رسیم گذاشتن مقداری پول، سیم و کابل خریده و آنها را به تیرهای برق وصل کرده و نتوانستند به بخشی از منطقه برق برسانند. مقامات مرتجع اداره برق و شهرداری از این ابتکار انقلابی زحمتکشان به خشم آمده و با گسیل پنا سداران مزدور سیمها را قطع میکنند. چندین سیمار زحمتکشان عمل انقلابی خود را تکرار میکنند و مزدوران سرما به نیز عمل ارتجاعی خود را اداره برق حتی با گذاشتن ما مور تمام وقت بر سر پست های ترا نسفور ما تور منطقه کوشید زحمتکشان را وادار به عقب نشینی نماید، اما سیم ما مورین هم کتک خانانهای از زحمتکشان "خاک سفید" نوش جان کردند.



سراسری کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران بر علیه رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میتوانیم پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خود را به پیروزی رسانیم.

علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد پیکار رسوده ها! دستهای آتش افروز سیا و زور سوما به از سر زحمتکشان لاهیجان کوتاه! زندانی سیاسی انقلابی به همت رسوده ها آزاد باید گردد! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر تشکیلات گیلان (با کمی اختصار) ★★

دفاع از فرزندان انقلابی و کمونیست خود بر - خیزید. با تشکیل کمیته های حفاظت در محلات و با زارتاده مقابله با هجوم احتمالی پاسداران و قداره بندان رژیم شویم.

در اتحاد عمل، نیروهای انقلابی و کمونیست و دانش آموزان مبارز و انقلابی باید با ادامه فعالیت های انقلابی کمونیستی خود پیش از پیش به دامن افشارگریها، بخش و فروش غلنی، بحث و سخنرانیهای افشارگران خود افزوده و به سازماندهی مقاومت و تعرض توده ای دست زنند. خیانت های اکثریتی ها و توده ایهای خائن و سازشکاری های نیروهای منزلق را در نزد توده های زحمتکشان شهری افشا سازند. فراموش نکنیم که تنها در اتحاد و همبستگی با مبارزات

تاریخ به وضع آنان، تعطیلی مغازه ها همچنان ادامه دارد. در حال حاضر به خاطر جو مبارزاتی در شهر، رژیم ارتجاعی عقب نشینی کرده و کمونیستها به کار آگاه هکرا نه خود و فروش نشریات انقلابی مشغولند و مغازه های شهر همچنان بسته است.

مجاهدین و راه کارگر با برخوردی سازش - کارانه فروش نشریه را تعطیل کرده اند و فقط نیروهای کمونیست (پیکار، رزمندگان، انقلابت نبرد) به فعالیت خود ادامه میدهند.

رویز یونینستهای خائن توده ای و اکثریت نیز با آمریکا شای خواندن کمونیستها، پیکار - دیگر به با بوسی سوزواری شناخته و ما هیت ضد خلقی خود را بنمایش گذاردند. (۵۹/۱۲/۱۴)

بقیه در صفحه ۹
لاهیجان

از فرمان شهادت حزب جماعت رومی بر میماند نیمه شب پاسداران و جماعت داران به مغازه های شهر هجوم برده و با تخریب و شکستن اموال آنها به غارت میروند. آبا فرقی بین حرکات ضد انقلابی کار دهبیهای مزدور و جماعت داران رژیم شاه با سیا و قداره بندان رژیم جمهوری اسلامی هست؟ نمود بار نه!

مردم شهردلیل اعتراض به این حرکت وحشیانه دست از کار کشیده و با بستن مغازه ها به طرف فرمانداری راهپیمایی کرده و خواستار انحلال شورای فرمانی شهر، ایجاد شورای واقعی، دستگیری محاکمه و اخراج مسیبن واقعه میشوند.

روز جمعه ۵۹/۱۲/۱۶ جنا پیکاران رژیم جمهوری اسلامی با ردیگر با یورش ملحانه و وحشیانه خود در استان آتش افروز خود را بخون زحمتکشان و انقلابیون آلوده ساختند. این جنا پیکار هولناک ۴ کشته و چندین زخمی بجای میگذازد.

توده های مبارز و انقلابی لاهیجان، نیروهای انقلابی و کمونیست!

وقایع اخیر لاهیجان با ردیگر ما هیت ضد مردمی و ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش میکشاند. نشان میدهد که در میان دسته بندیهای لیبرال و حزب خوب و بد وجود ندارد.

نشان میدهد که آنان همگی شان خواهان سرکوب جنبش و انقلاب توده ها هستند. پس باید هر چه آگاهانه تر و فشرده تر مبارزات انقلابی خود را بی وقفه به پیش ببریم.

باید خود را برای برگزاری هر چه باشکوهتر مراسم سومین و هفتمین روز شهادت انقلابی شهدای اخیر که اسناد جنا پیکار رژیم هستند، آماده نمائیم. با راهپیمایی ها، تحصنات و عتصابات خواستار اخراج سیا همان زور سوما به، دستگیری و محاکمه مسیبن واقعه اخیر از کمی مرتجع گرفته تا... بشویم. با بسیج و هوشیاری خود به

جنبش دهقانی

بروند کارگران



نها و ندا ز طرف اهالی زحمتکش روستا، نامه‌ای براسمان ارسال کرده و در آن از سیکاری گسنگی و ظلم و ستم مزدوران رژیم سخن گفته اند آنچه که میخوانید نامه مردم روستای گیان "نهاوند میباید: " درود سربازان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - مرگ بر ارتجاع و امیربالیسم آمریکا ضمن درود سی با بان بر شما رفیقان متحد خدا رتجاع و امیربالیسم

ما مردم روستای گیان نهاوند که جمعا ۱۲ هزار نفر جمعیت این روستا را تشکیل میدهم و با دادن چند شهید در راه انقلاب و آزادی دلمان را به انقلاب خوش گردیم و به خودمان امید می - دادیم که وضع زندگیمان رو برآه میشود اما دزددهای ضد خلق ، ما را به بدبخت تر از زمان شاه خاش و توتوسی خورتر کردند. در اوایل انقلاب به ما وعده داده اند که زمین مالکین را بین روستا تقسیم و زندگی شما را تا زمین خواهیم کرد و حالا که زمین مالکین خونخوار را گرفته اند، زمینها را به یک نفر نمایند خودشان که در زمان شاه غلام شاه خاش بود و حالا غلام... و دارودسته اش میباید داده اند. در صورتی که نصف بیشتر جمعیت این روستا در اثر بی کاری نمی توانند خرج زندگی روزانه خودشان را تا زمین کنند آخر همه بی کاری، نه زمین دارند نه کار، هر وقت که حرف میزنیم و چیزی که حقمان میباید از آنها میخوایم به ما میگویند خدا انقلاب، راستی این است رسماً انقلاب!؟

مرگ بر ارتجاع، درود بر خلقهای زحمتکش و سا زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر به امید پیروزی خلقها از طرف عده ای از جوانان بیکار گیان نهاوند"

اقدام کنند. هیئت به اصطلاح و گذاری پس از مراجع به روستا و با زرسی زمینها هیچ اقدامی بنفع روستا شان انجام نداده و اهالی بوشکان پس از مراجعات مکرر به ما هیئت فریبکارانه و ارتجاعی هیئت مذکور می برده و خود به تقسیم زمینها اقدام نمودند. بدنبال این اقدام انقلابی اهالی روستای بوشکان، هیئت و گذاری که و زوشب در بیوت و کرنا های رژیم سنگ حمایت ز "محرمان" و "مستضعفین" را به سینه میزنند، حرکت انقلابی روستا شان را "غیرقانونی" اعلام کرده و چند نفر از دهقانان مبارزان دستگیر و به زندان انداخت. بدنبال این واقعه علیرغم چندین بار حمله عمال ارباب به خانه های روستا شان، مبارزه دهقانان روستای بوشکان بر علیه مالکین ادامه دارد.

تقسیم زمینهای اربابی توسط دهقانان و دستگیری چند نفر از دهقانان مبارز

روستای "بوشکان" (بوشکان) در نزدیکی جنوب کا زرون قرار دارد. شغل اکثر اهالی این روستا کشاورزی است. روستا شان این محل نیز مانند دهقانان سراسر ایران به امید بودند که با سقوط رژیم خونخوار و ضد خلقی شاه اوضاع تغییر کرده و زمینهای اربابان به دهقانان واگذار میشود. اما طولی نکشید که دهقانان بوشکان به تجربه دریا فتنده رژیم ارتجاعی جدیدند آنها زمینهای مالکین را به آنها واگذار نمی کنند بلکه در سرکوب مبارزان دهقانان بر علیه مالکین و اربابان از هیچ جناحی فروگذار نیست. دهقانان بوشکان چندین بار به "داگاه" کا زرون شکایت کردند تا شاید از طریق هیئت به اصطلاح و گذاری زمین

نامه اهالی روستای گیان نهاوند به پیکار

عده ای از جوانان بیکار روستای گیان "

خاطره ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، روز ملی شدن صنعت نفت گرامی باد!

تاریخی بیوز و آملی و توانی طبقاتی اش در تداوم و پیگیری مبارزات ضد امیربالیستی ناشی میشد، خدا انقلاب مسلح با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، تمام دستاوردهای نهضت ملی و مبارزات مردم را لگدمال کرد. ضروری است که به سیاستهای سازشکارانه و خاشانه رهبری حزب توده که با طرح ملی شدن صنایع نفت "جنوب" و برخورد های بظاهر "چپ" به جنبش مردم و دکترا مصدق ضربات جدی بر جنبش مردم وارد کرد، اشاره نمود. رهبری حزب توده با اقدامات خرابکارانه خود ضربات جدی به نهضت دمکراتیک - ضد امیربالیستی خلق وارد آورده و در زمان کودتای امیربالیستی ۲۸ مرداد با فراخشان خود خیانت بزرگی را مرتکب گردید.

سی سال از ملی شدن صنعت نفت و کوتاهی کردن دست امیربالیسم انگلیس از منابع نفتی میهن ما میگذرد. در روز ۲۹ اسفند ۲۹ بدنبال مبارزات پرشور مردم ایران برای کوتاه کردن دست غارتگران انگلیسی از منابع ملی زحمتکشان ایران و تلاشهای دکتر محمد مصدق صنایع نفت ایران ملی اعلام شد. به یقین ملی شدن نفت ایران یکی از دستاوردهای گرانبهای مبارزات ضد امیربالیستی مردم زحمتکش ایران بود اما از آنجا شیکه رهبری این مبارزات پرشور نه در دست سرنوشت ساز طبقه کارگر بلکه با رهبری بیوز و آملی ملی بود. این مبارزات به سبب حاکمیت مشی فرمیستی نتوانست تعمیق پیدا کرده و به پیروزی سرگشت ناپذیر زحمتکشان خاشمه یا بدویا طرضع های جنبش که از ضعف

بقیه از صفحه ۲۳ راه کارگر... چگونه برای توجیه انحرافات خویش و ترویج آنها دست بدمان تحریف، او رونه سازی و تعمیق "ما رکسیسم میشود. اما همچون به گرداب افتاده ای که هر چه بیشتر تقلایم کند، بیشتر فرو میرود" راه - کارگر نیز هر چه بیشتر بر مواضع انحرافی خویش پای میفشرد، بیشتر در گرداب انحرافات رویز بیونستی فرو میرود. حال هر چه "راه کارگر" خوش خیالانه بپندارد که با "راست" مرزبندی دارد و ارتجاعی دانستن رژیم را نا اهدا و رد، نمیتوانند تا شیرشید رویز بیونسم را بر خویش ببوشاند. با توجه به حدت مبارزه طبقاتی در جامعه که موجب قطعی شدن سریع نیروها می- گردد. اگر "راه کارگر" مبارزه ای ریشه ای با رویز بیونسم (بخصوص رویز بیونسم خروشچی) را آغاز نکنند، دیر نخواهد بود آن زمان که شاهد تغییر موضع "راه کارگر" در قبال رژیم نبینیم!

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



بقیه از صفحه ۵ پیرامون ...

خواهد کشید! و پيروان از گروههای خط ۲ (کومله پیکار، رزمندگان) میخواهد که دست از عساکر و دشمنی با حزب برداشته و در مشی خود تجدید نظر کنند. و به حزب دمکرات، خائن، ضد انقلابی و سازشکار رنگوبند! و بالاخره حزب دمکرات "رسماً اعلامی شما بده که هرگونه رویداد سو و تلخی که بر این مردم از ناحیه این گروهها روی دهد، باید مسئولیت عواقب وخیم آن را نیز بعهده گیرند" (بنقل از اعلامیه اندرز تاریخی - انقلابی ما به رهبران خط ۲ - تشکیلات بوکان حزب دمکرات) آنچه در دو اعلامیه حزب دمکرات به چشم میخورد، از یکسو ترس و وحشت حزب دمکرات از رسوایی اش در نزد توده ها و از سوی دیگر مصمم گشتن حزب دمکرات برای ادامه این حرکات ضد انقلابی است. ببینیم این واقعیت چگونه است؟

حزب دمکرات مذبحخانه تلاش میکند خود را نماینده محبوب ۹۰ درصد خلق کرد جا بزنند! با بداند از حزب پرسید اگر ۹۰ درصد خلق کرد پشتیبان و باورشما هستند، پس چگونه است که از افشاکری اعمال ضد خلقی شان توسط نیروهای کمونیستی مبهرا سید و جواب آنرا با آر، بی، جی، ۷، و مسلسل میدهد؟ کسی که نماینده ۹۰ درصد خلق کرد باشد چه هراسی از افشاشدنش میتواند انداخته باشد؟ یا جز این است که حزب دمکرات بر اثر رشد نیروهای انقلابی و کمونیست و افشاکریهای آنان، بسرعت در نزد توده های خلق کرد رسوا شده و برآی نجات خود از این وضع به مقابله با سلاح و کشتار می بردارد؟ حزب دمکرات چگونه میتواند "محبوب خلق کرد و حامی آنها" باشد، در حالیکه به سرکوب دهقانان و حمایت از فئودالها می - بردارد، شوراهای مردمی را سرکوب میکند، در خبا با آنها بروی مردم مسلحه میکشد و به کتک کاری افراد بی دفاع می بردارد و به باج گیری علنی و اخاذی از زحمتکشان و کسبه دست میزند؟ این حزب چگونه میتواند "انقلابی و حامی منافع خلق زحمتکش کرد" باشد در حالیکه بجای طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگی خلق کرد (علیرغم شما می انتقادات و ایراداتی که ببدان وارد است) طرح ۶ ماده ای را ارائه میدهد که هدفش سازش با رژیم جمهوری اسلامی و سوز و جنساح بنی مدلولیبرالهاست، در حالیکه ستونهای ضد خلقی ارتش را در طول مدت آتش بس اسکورت نموده و بداخل کردستان هدایت نموده است، در حالیکه از سپاه زرگاری عامل مزدور بیعت عراق حمایت میکند، در حالیکه به میتینگ نیروهای کمونیست نظیر کومله حمله میکند، در حالیکه در کمین پیشمرگان کومله می نشیند و به قصد کشتن آنها تیراندازی میکند، در حالیکه به خلع سلاح پیشمرگان راه کارگر، کومله و سا زمان ما اقدام میکند و بالاخره جنایت وحشیانه بوکان

را مرتکب میشود؟ آخرا این حزب چگونه "دمکراتی" است که همان استدلال احماقانه تمام حکومتیهای ضد انقلابی را تکرار میکند که هر کس بر علیه او چیزی بنویسد، نفاق افکنی میکند؟ که دیگران حق ندارند در افشای اعمال ضد انقلابی او چیزی بنویسند؟ که نباید به او اهانته شود؟ مگر این همان استدلالهای رژیم مرتجع جمهوری اسلامی نیست که در سرکوب مخالفان خود از آن استفاده میکند؟ آیا این سخنان بدان معنی نیست که حزب خیالدار دیکتاتوری ضد انقلابی خود را در کردستان اعمال کند؟ واقعیت این است که حزب "دمکرات" قصد دمکرات است، ضد خلق کرد است، سازشکار و خیانت پیشه است، دشمن زحمتکشان خلق کرد و همدست فئودالها است. حزب دمکرات در همان حالی که به دشمنی با نیروهای کمونیست می - پردازد، با نیروهای ضد انقلابی دیگر در مساز می دارد، یکروز با سوسال امیر با لیم شوروی و دا رودسته غنی بلوریا (ستون پنجم سابق حزب خائن توده در حزب دمکرات) همکاری میکند، روز دیگر با رژیم بیعت عراق و ستون پنجم آن، سپاه زرگاری همکاری می نماید و بالاخره روز دیگر دیگر سازش و همکاری با بنی مدروا ارتش یافتند. تمامی این واقعیتها نشان میدهد که حزب دمکرات، یک نیروی ضد انقلابی و سازشکار است و بتدریج در نزد توده ها رسوا میشود. مخالفتیهای روز افزون توده های خلق کرد با سیاستهای حزب دمکرات که با رها به درگیری نیز انجام میدهد است، شعرا انقلابی "در جنبش خلق کرد، سازشکاری محکوم است" که از طرف خلق کرد مطرح میگردد. رشد روز افزون و چشمگیر نیروهای کمونیست در کردستان... همه و همه حکایت از رسوایی حزب دمکرات و انزوای نسبی آن در جنبش خلق کرد دارد. از اینروست که حزب دمکرات میکوشد با سرکوب کمونیستها در کردستان و برقراری دیکتاتوری ضد انقلابی، از رشد آنها جلوگیری نموده و از انزوای رسوایی خود جلوگیری کند. اما امروزه حزب در شرایطی نیست که بتواند با خیال آسوده دست به چنین اعمالی بزند. چرا که خلق قهرمان کرد، در مقابل او در دفاع از کمونیستها مقاومت خواهد نمود. از اینرو حزب

دمکرات با جنس بورشهای وحشیانه ای که بسبب از آن "اظهارتاً" میکند و با انتساب دروغهای نظیر اینکه نیروهای خط ۲ (کومله، پیکار، رزمندگان) با دارو دسته ضد انقلابی که خود را "اتحادیه کمونیستها" میخواهند، مخفیانه جلسه تشکیل داده، او را در حمله به حزب دمکرات را تهیه میدهند، او دروغهای دیگری نظیر اینکه بر اثر تحریک و تیراندازی پیشمرگان پیکار، درگیری رخ داد، و بالاخره با هندارها و "اندزها" و تهدیدها می که طی آن نیروهای کمونیست را دعوت میکنند که در مشی و روش خود تجدید نظر کنند و به تبعیت از حزب بپردازند و اگر نه به عواقب وخیمی دچار خواهند شد... میکوشد بتدریج زمینه های سرکوب کمونیستها در کردستان را مهیا نماید اما حزب دمکرات با بداند که اگر رژیم شاه خائن و رژیم جمهوری اسلامی و کلیه مرتجعین توانستند کمونیستها را سرکوب کنند و آنان را وادار به تجدید نظر در مشی خود و تبعیت از خود بنمایند، حزب دمکرات نیز خواهد توانست. حزب دمکرات و کلیه مرتجعین با بداند این خواست خود را به گور بزنند. کمونیستها با بداند راه آزادی طبقه کارگر و خلقیهای دستمیده، اندوهیج نیروی نخواهد توانست آنان را از راهی که رفته اند، با زدارد. این حکمتا ریخ است. خون شهیدای کمونیست که از هر قطره آن هزاران دلار کمونیست روئیده است گواه ما است. ما از آنجا که با خلق خود عهد بسته ایم که دمی از آرمسان انقلابیمان با زنا بستیم، هرگز تسلیم خواسته های ضد انقلابی حزب دمکرات نخواهیم شد. مصلحتاً و قاطعانه بدفاع از خلق کرد و آرمسان والای طبقه کارگر خواهیم پرداخت و در هر حرکتی که حزب دمکرات صورت دهد، اهداف ضد انقلابی آنرا افشا خواهیم نمود. و به توده ها نشان خواهیم داد که نمایندگان واقعی خلق کرد تنها کمونیستها و انقلابیون هستند و نه نیروهای نظیر حزب دمکرات که همواره از فئودالها، سرمایه داران و ضد انقلاب حمایت میکنند. بگذار در این راه رفقا یمان توسط عمال جنایتکار حزب دمکرات به شهادت برسند. مگر رژیم جمهوری اسلامی نیز برای خفه نمودن ما، جنایاتی گسترده تر از آنچه حزب دمکرات انجام داده است، نکرده است. مگر رفقای ما را در سراسر ایران دستگیر، شکنجه و اعدام میکنند؟ ما ما هرگز دست از مبارزه نخواهیم کشید. خلق کرد نمایندگان واقعی خود می - شناسد و از همین روست که حزب همه روزه در نزد توده ها افشا میشود. ما به خلق کرد و به تمام نیروهای انقلابی هتار میدهم که حزب دمکرات برای حفظ منافع ضد انقلابی خود، روز بروز به درگیری بیشتری با کمونیستها خواهد پرداخت. ما از تمام نیروهای انقلابی و کمونیست می - خواهیم که به افشای توطئه های حزب دمکرات بپردازند و با اتحاد و همکاری با یکدیگر مدحمتکی را در مقابل حزب دمکرات بوجود آورند. تنها افشای سازشکاران و خیانتکاران میتوان مبارزهای پیگیر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی را پیش برد

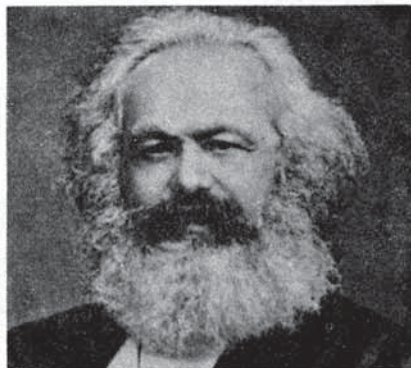
اقدام انقلابی پیشمرگان پیکار

مربوان - در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۹ پیشمرگان انقلابی پیکار برای انجام موریستی وارد آبادی "دانکش" شدند. در این آبادی مبارزانی که فردی ستمگروظالم میباشند. با توسل به زور و اسلحه مردم زحمتکش را بشدت تحت فشار قرار می داد. به همین خاطر پیشمرگان انقلابی این فرد را خلع سلاح کرده و یک قبیضه تفنگ امیک با ۸۰ تیر فشنگ او را مصادره نمودند. همچنین بنا به درخواست اهالی زحمتکش آبادی، پیشمرگان قهرمان کردوهای آریاب که حامل دسترنج زحمتکشان محل بود، مصادره کرده و تحویل شورای آبادی دادند تا ترتیب تقسیم آنها داده شود

روز درگذشت

کارل مارکس

بنیانگذار سوسیالیسم علمی و پرچمدار علم رهاشی طبقه کارگر



۹۸ سال از درگذشت کارل مارکس آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان ورهگشای زندگی نوین بروی بشریت میگذرد. او در سن ۶۷ سالگی با برجای گذاشتن انبوهی از آثار ارزشمند که هرکدام مدرسی بزرگ برای طبقه کارگر برای نجات بشریت از ستوا ستما طبقاتی و دست یابی به زندگی نوین و سرشار از زندگی و نشاط بود در لندن درگذشت و درگورستان "های گیت" خاک سپرده شد. مارکس در شهر "تیر" آلمان متولد شد و پس از ورود به دانشگاه آموزش حقوق و تاریخ و بیژ فلسفه را پیشه کرد و جزو جوانان "هگل گرای چپ" درآمد. او و بسا رزودیسوی ما تریا لیسیم فویر - باخ جهت گیری کرد و در همان زمان (۱۸۴۲) در "روزنامه رایین" بکار پرداخت و در جهت انقلابی کردن مواضع آن کوشید. پس از تعطیلی این نشریه مارکس همچنان به نوشتن مقاله های انقلابی در روزنامه های مختلف پرداخت و در سال ۱۸۴۳ به پاریس رفت و در همانجا با انگلس آشنا شد. مارکس در پاریس با تدوین سوسیالیسم علمی بر علیه بورژوازی و تمام گرایشها و مکتب خرد - بورژوازی که به تبلیغ سوسیالیسم از او به غیر علمی و فکتگالی می پرداختند قیاسم برخاست. او در ۱۸۴۷ در پاریس کتاب "فلسفه فقر" پرودن، سوسیالیست خرد بورژوازی فرانسیوی نقد و ما تریا لیستی آن، رساله "فقر فلسفه" را منتشر نمود و تئوری و تاکتیک مارکسیسم را تدوین ساخت. در سال ۱۸۴۵ بخاطر فعالیت های انقلابی از پاریس تبعید شد و به بروکل رفت. در سال بعدا و همراه با همرزوم و همفکرش فردریش - انگلس به "اتحادیه کمونیست ها" پیوست و همرا اندیشه خود را در دو مجله کنگره این اتحادیه در لندن برپا نمود. آن زمان (نوامبر ۱۸۴۷) مارکس و انگلس مشترکا از طرف اتحادیه ما موریست یا فتنده که برنا ما آنرا تدوین کنند و نتیجه تلاش - های آن دو را شرفنا نا پذیر "مانیفست حزب کمونیست" متبلور شد. لنین در مورد این کتاب مینویسد:

"در این اثر جهان بینی، یعنی ما تریا لیسیم پیگیری که زندگی اجتماعی را نیز فرا میگیرد، دنیا لکتیک بمناسبت همه جا نه ترین و عمیق ترین آموزش در پاره تکامل، تئوری مبارزه طبقاتی و نقش انقلابی تاریخی - جهانی پرولتاریا، آفریننده جامعه نوین کمونیستی، با روشنی و درخشندگی دایمانای ترسیم شده است."

در جریان انقلاب آلمان (۱۸۴۹ - ۱۸۴۸) مارکس سردبیر روزنامه "راین جدید" بود و به همراه انگلس با مقالات انقلابی علیه "امپراطوری" با بهای انقلاب پیش میرفتند. در بهار ۱۸۴۹ او در

روزهای گرم نبرد، او را روزنامه به دژ میبرد شده بود که علیه سرپازان امپراطوری با قلم و اسلحه پیکار میکرد. "سیر رویدادها" انقلابی ۱۸۴۹ - ۱۸۴۸ درستی تئوری نوین را بطرز درخشانی ثابت کرد، همچنانکه از آن پس نیز همه جنبشهای پروولتری و دمکراتیک در همه کشور - های جهان آن را ثابت کرده اند. خدا انقلاب که پیروز شد، نخست مارکس را به محاکمه کشید (در ۹ فوریه ۱۸۴۹ تبرئه شد) و پس از آلمان تبعید نمود (۱۶ مه ۱۸۴۹). مارکس به پاریس رفت و پس از نظاهرات ۱۳ ژوئن ۱۸۴۹ از آنجا نیز تبعید شد و به لندن رفت و تا پایان عمر خویش در همانجا زیست.

مارکس علیرغم شرایط بسیار بد زندگی در لندن با مبارزه ایی امان علیه جریا نیسا و مکتب های سوسیالیسم خرد بورژوازی، به تدوین و تکامل مارکسیسم و فلسفه علمی پرداخت. او در حالیکه با آثار فلسفی - تاریخی خود ما تریا لیسیم را شرح و بسط میداد با مطالعه اقتصاد دبه نوشتن آثار پر ارزش خود "نقد اقتصاد سیاسی" (۱۸۵۹) و سرمایه (کاپیتال) (از سال ۱۸۶۷) پرداخت. در سال ۱۸۶۴ مارکس و انگلس "جمعیت دوستی بین المللی کارگران" را در لندن بنیسان گذا ردند که به "انترناسیونال اول" معروف گشت بقول لنین "مارکس روح و جان این سازمان بود."

در چارچوب "انترناسیونال اول" مارکس با اسلحه ما تریا لیسیم دنیا لکتیک که خود تدوین کننده آن بود به جنگ پیشهای غیر پروولتری و خرد بورژوازی "با کمونیست ها"، "الاسالی" ها، اتحادیه گرایان (تزدیونیستها) انگلیسی و... رفته و به متحد کردن سازمانهای کارگری در اروپا و آمریکا پرداخت.

مارکس هرواقعه تاریخی را بیزیر نقد تیز - بینانه خود میکشید و نکات ضعف و مثبت آنها را بیرون میکشید و بصورت درسهای تاریخی برای

طبقه کارگر تدوین میکرد. او در آثار خود "مبارزات طبقاتی در فرانسه"، "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان"، "مجموعه بیروملی بناپارت" به تجزیه و تحلیل انقلابات بورژوازی در فرانسه و آلمان پرداخته و نقش هرکدام از طبقات اجتماعی و بویژه نقش طبقه کارگر را در این حوادث بزرگ تاریخی بقلم آورد. و نگرش تاریخی ما تریا لیسیم را به بهترین وجهی عرضه کرد. مارکس قبل از قیام کارگران پاریس (کمون پاریس) در ۱۸ مارس ۱۸۷۱، شرایط را آماده انقلاب پروولتاریا نمیدید، اما بمحض شروع قیام با تمام قوا بدفاع از کمون پاریس و دلالت های کارگران قهرمان پاریس برخاست. پس از شکست کمون، مارکس در کتاب "جنگ داخلی در فرانسه" به ارزیابی از درسهای کمون پرداخت و آنرا بعنوان یک واقعه بزرگ و تاریخی برای طبقه کارگر و آموزش در جهت کسب قدرت پروولتاریا و برقراری دیکتاتوری پروولتاریا مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

آموزشهای مارکس، سرچرمان مهم فکری قرن نوزدهم را مورد تخصص قرار داده و آنها را به سرانجام رسانید. مارکس با تکامل بخشیدن به فلسفه کلاسیک آلمان و اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلستان و سوسیالیسم فرانسیوی سوسیالیسم علمی را تدوین ساخت و راه ورسم مبارزه و پیروزی طبقه کارگر همه کشورها را بر علیه سرمایه داران تئوریزه کرده و آنچه را که بعدا از او مارکسیسم نامیده شد بنیان گذاشت.

در زمینه فلسفه، مارکس با بنیای ایده آلیسم هگل و درگیری از "ما تریا لیسیم" فویرباخ و تکامل بخشیدن آن، ما تریا لیسیم دنیا لکتیک را تئوریزه کرد ("خانواده مقدس"، "ایدئولوژی آلمان" و...). مارکس نه تنها ایده آلیسم را که همواره بنحوی از آنجا، با مذهب پیوند دارد، رد میکرد بلکه نظریه هیوم و کانت و مورگوناگون ندانم گراشی (آگنوستیسیسم)، سنجش گراشی (کریتیسیسم) او مثبت گراشی (پوزیتیویسم) را که بویژه در زمان ما رواج یافته اند، نیز رد میکرد و چنین فلسفه ای را گذشت "ارتجاعی" به ایده آلیسم میسرود و آنرا در بهترین حالت "طرده ماتریالیسم درملا" ما موبدیرش سرشارانه اش از درخلوت" تلقی میکرد. (لنین). مارکس فرمولبندی تمام و کمالی از احکام بنیادی ما تریا لیسیم را که جامعه بشری و تاریخ آنرا نیز فرا میگیرد در مقدمه کتاب "نقد اقتصاد سیاسی" توضیح میدهد.

مارکسیسم، قانومندی مبارزه طبقاتی را کشف کرده و توضیح میدهد که پس از جامعه اولیه اشتراکی "تاریخ همه جوامع، تاریخ مبارزه طبقاتی است." مارکس میگوید "مرد آزاد و برده، پارتیسیپان و سلبین، مالک و سرف، استادکار و شاگرد - خلاصه ستمگر و ستمکش با یکدیگر در تضاد دائمی بوده و به مبارزه ای بلاانقطاع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه ای که هر بار با به تحسول انقلابی سازمان سراسر جامعه و بایه فنانی مشترک طبقات متخاصم ختم میگردد، دست زده اند"



(ما نیفت) اما ما رکیسم به مبارزه طبقاتی فقط محدود نمی‌شود، ما رکیسم مبارزه طبقاتی را تا قدرت گیری طبقه کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا برای یک دوره طولانی تاریخی تداوم می‌بخشد. ما رکیسم دیکتاتوری پرولتاریا را دوران گذار میان سرمایه داری و کمونیسم (جامعه بدون طبقات) ارزیابی می‌نماید.

لنین میگوید "زرفترین، همه جا نه ترسین و موشکافانه ترین کاربرد تئوری مارکس و لنین درستی آن آموزش اقتصادی اوست." "مسئله ما رکن در آغاز زکتاب پرارزش خودکار پیتسال (سرمايه) می نویسد، هدف نهایی این اثر عبارت است از کشف قانون اقتصادی حرکت جامعه معاصر" (یعنی جامعه سرمایه داری) ما رکن با توضیح روابط حاکم بر جامعه سرمایه داری و بسط و توضیح مکانیسم اقتصاد سرمایه داری، بررسی پیدایش، تکامل و زوال آن، راهی ژرف پیش پای پرولتاریا، سرانجام آن را قرار میدهد.

ما رکن در آثار رگرا نیهای خودناگزیری زوال و نابودی سرمایه داری و برقراری کمونیسم را با ثبات میرساند. یکی از موشهای تاریخی مارکس ناگزیری گذار به جامعه سوسیالیستی برای رسیدن از سرمایه داری به کمونیسم میباشد. ما رکن با کشیدن خط بطلان بر سوسیالیسم تخیلی که فقط به "انتقاد" از جامعه سرمایه داری میپردازد و با توضیح آموزشهای مربوط به مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر را بعنوان تنها نیروی اجتماعی که میتواند سوسیالیسم واقعی را بنیادگذار معرفی کرده و روشن میآورد که پرولتاریا در هر گذار مبارزه طبقاتی خویش تربیت یافته و با فشرده تر کردن صفوف خود، خود را از ایندهای بورژوازی جامعه سرمایه داری رها ننیده و بنا بر بودی جامعه سرمایه داری برمیگزیند.

در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ (۲۳ اسفند) زندگی پر-افتخار رهبر جادوانه طبقه کارگر جهان خا موشی گرفت. اما آخرت بناگذا موشهای تاریخنازش اینک ستاره ای است بر فراز سراجها، که راه سوسیالیسم، راه رهایی و سعادت زحمتکشان را نشان میدهد. برآستی در تاریخ جهان هیچکس را چون کارل مارکس نمیتوان یافت که نظام کهنه و پوسیده طبقاتی را با آموزشهای دوران - سازش، این چنین بسوی مرگی محتوم پیش برده باشد، او به همه کارگران جهان آموخت که چگونه سرمایه داری را درهم کوبند و دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار سازند و جهان را بسوی سوسیالیسم و کمونیسم به پیش رانند.

انگلس همزبزرگ ما رکن بر مزار رفیق کبیرش چنین گفت:

"اومرد، درحالیکه میلیونها کارگر انقلابی از معادن سیبری تا کالیفرنیا، و سراسر اروپا و آمریکا (وما می افزائیم در سراجها ن- پیکار) دوستش میدارند و به او احترام میگذارند و

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله

بستی خود دادا مه دهند و دیرباز زود شرایط عینی مبارزه طبقاتی تا شیربلا واسطه خود را بر روی نمایندگان سیاسی آن باقی خواهد گذاشت و آنها را بناگزیر به این یا آن اردوگاه (انقلاب و فساد انقلاب) خواهد راند.

تحوالات در مورد رفقای رزمندگان نیز با شدت کمتری مصادف پیدا کرده و بطوریکه شاهد بودیم، مواضع سانسریستی رفقا در طول یک دوره و در عرصه های مختلف ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلات، سرانجام با تندبج جنگ و برخورد تاکتیکی با آن، سراز مواضع اپورتونیستی در-آورد و منجر به تجزیه و جدائی دوبخش انقلابی و اپورتونیستی از یکدیگر گردید.

در یکسال اخیر، رویزونیسم، همچون گذشته بعنوان خطر عمده جنبش کمونیستی نه تنها موفق گردید نیروهای وسیعی از جنبش کمونیستی را از آن جدا نموده و بسوی خود جذب کند، بلکه همچنین تا ثیرات خود را بصورت انحراف در موضع گیری نسبت به سوسیال امپریالیسم شوروی، در برخورد به تئوری ساخت جامعه به مرحله انقلاب، برنا همه حداقل و استراتژی، برخورد به قدرت سیاسی و میانی تاکتیکی و شمارها و وظایف عملی و بالاخره مساله تشکیلات و ایجاد حزب طبقه کارگر در میان نیروهای جنبش کمونیستی و مشخصا بخش نا پیگیر آن باقی گذاشت که این خود بر خورد فعال و همه جا نه این نیروها و بخصوص بخش پیگیر آن و از جمله ما زمان ما را در مبارزه با این انحرافات و تقویت هر چه بیشتر مواضع انقلابی بخش پیگیر جنبش کمونیستی ایجاد مینماید.

سال ۵۹، در عین حال و علیرغم تمام ضعفها و نارسائیها، سال رشد نیروهای کمونیستی و بویژه بخش پیگیر آن و از جمله ما زمان ما بود. این رشد محصول وجود شرایط عینی مبارزه، رشد و افزایش آگاهی توده ها و بطور خاص پرولتاریا کارگاهها که کمونیستها و افشای هیئت حاکمه و آلترناتیوا رجائی و سازماندهی مبارزات توده ای بود. جنبش کمونیستی، بدون دیگر نه بعنوان یک جریان روشنگری، بلکه بعنوان یک جریان اجتماعی در سطح جامعه مطرح است. با در نظر داشت دو آلترناتیوا رجائی حزب (جمهوری (در کارکنان رویزونیستها (خوشحالی)

برایش میگیرند... تا مدت دره ها اما رزننده خواهد بود... زیرا ما رکن در درجه اول یک انقلابی بود.

ما موریت تاریخی او در زندگی بنحوی از انحاء کمک به سرنگون سازی جامعه سرمایه داری و موسسات دولتی ناشی از آن، کمک به راهائی طبقه کارگر معاصر بود و خودی نخستین اندیشمندی بود که این طبقه را از موضع و نیازها بیترگانه اند و با شرایط آزادی خویش آشنا کرد.

ما رکن آموزگار رور هم بزرگ کارگران جهان

ولبرالها و با در نظر داشت مشی لیبرالیستی مجاهدین و دنباله روی وسیع آنها از لیبرالها و عدم امکان عرض وجود آنها بعنوان یک اکثریت مستقل جنبش کمونیستی تنها آلترناتیوا انقلابی بالقوه و بالفعل در برابر آلترناتیواهای ارتجاعی نامبرده است. رشد مبارزه طبقاتی و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و ناتوانی هر دو جناح از پاسخگویی به اساسی ترین خواست توده ها، در کارکنان کارگاهها و کارخانه نیروهای کمونیستی و سازماندهی مبارزات توده ها و مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات درون این جنبش و بویژه با رویزونیسم و سمومات حاصله از آن، چشم انداز مبارزه در رخا نی را برای کمونیستها چه از نظر وحدت آنها و چه از نظر تقویت پایه توده ای آنها و مطرح شدنشان بصورت یک آلترناتیو نسبتا قدرتمند ترسیم می نماید.

خلاصه کنیم: سال ۵۹، سال تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، سال تشدید فقر و فلاکت توده ها سال تشدید مبارزه طبقاتی و رشد گسترش جنبش توده ای، سال تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه سال تشدید سرکوب مبارزات توده ها و نیروهای انقلابی از سوی رژیم حاکم در عین حال سال تشدید ناتوانی و عجز رژیم از تثبیت قدرت سیاسی خود و در پاسخگویی به اساسی ترین خواست توده ها، سال افزایش آگاهی توده ها و فروریختن توهم آنها نسبت به هیئت حاکمه، سال رشد نیروهای کمونیستی و مطرح شدن هر چه بیشتر آنان برای توده ها، سال تشدید مبارزه ایدئولوژیک و مرز بندیهای روشن و قاطع میان نیروهای کمونیستی و برداشته شدن کامهای اولیه تئوریک و عملی جهت وحدت جنبش کمونیستی بود. شرایط بحرانی جامعه، اعتلاء جنبش توده ای و بویژه جنبش کارگری و چشم انداز رشد هر چه بیشتر آن، گوش بسیار زیبا دی را در ابعا دی گسترده تر و عظیم تر از آنچه در سال ۵۹ از سوی ما کمونیستها صورت گرفت می طلبد. بکوشیم تا با درس گیری از تجربیات سال ۵۹ و در عرصه های مختلف آن، با آگاهی هر چه بیشتر به استقبال سال جدید یعنی به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها در روزها و ماههای آینده برویم و پرولتاریا را ناما بندگانی راستین و بلشویک و ارباشیم! به امید تحقق عید واقعی زحمتکشان یعنی نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم!

تا آخرین لحظات عمرش پیگیر و قاطع به مبارزه ادامه داد. سالروز مرگ او، روز تجدید عهد همه کارگران جهان از جمله طبقه کارگر قهرمان ایران با رهبر و معلم کبیرشان در ادامه مبارزه طبقاتی برای پیروزی انقلاب، برقراری سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و تلاش در جهت ایجاد کمونیسم میباشد.

آموزشهای تاریخناز ما رکن، ایدئولوژی رها تبیخ طبقه کارگر همیشه جاودان خواهد ماند!

شیوع امراض در پادگانها از "خبرات" جنگ ارتجاعی

اخیرا در پادگان نیروی هوایی پایگاه "انقلاب" و پادگان سلطنت آباد سابق بیماری آئزین شایع شده و حتی در پادگان اخیر موجب مرگ دو تن از سربازان گردیده است. سربازان پادگان پایگاه "انقلاب" نسبت به وضع بهداشتی اعتراض میکنند، اما فرماندهان مزدور ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی که از این سربازان بعنوان "گوشت دم توپ" سرما به داران بهره میجویند، به این خواست بحق سربازان اعتنائی نداشته و جریبان را مسکوت میگذاردند و فقط در اشرار سربازان و در تلاش برای خاموش ساختن اعتراض آنها، هر روز ۱۵ نفر از ۱۵۲ سرباز هرآسا بیگانه را به بهداری فرستاده و سربازان همگی بدون معاینه، قرضهای یک شکلی دریافت میدارند. در پادگان مهرآباد جنوبی نیز بیماری جزا م شایع شده و وعده ای از سربازان این پادگان در قریب نطقه بسر میبرند گفته میشود دو تن از سربازان براثر این بیماری جان خود را از دست داده اند، آری برای رژیم حاکم منافع سرما به داران جان سربازان زحمتکش ا همیتی ندارد، و این در حالیکه فرماندهان مزدور از بالاترین حقوقها و بهترین امکانات درمانی برخوردار هستند. ★★★

پیام کانون مستقل معلمان تهران به معلمان جنگنده

همکاران مبارز!
"حدود پنج ماه است که شما نیز همچون سایر مردم زحمتکش میهنمان با عوارض و نتایج شوم جنگ ارتجاعی مواجه هستید. خواستهای برحق شما که تا مین مسکن، حقوق و کار راست، از جمله اساسی ترین خواستهها - بی است که هراسانی نمیتواند و بایسد در جریان زندگی اجتماعی مطرح سازد و در راه تحقق آنها تلاش ورزد. اما پاسخ مسئولان امر به این خواستهها، چیزی جز سرکوب و اعمال فشار رنوده است. سیاستهای مسئولان امر در زمینه آموزش و پرورش، گوشه ای از سیاستهای است که اینک در کل جامعه ما و در سایر زمینه ها نیز حاکم است از این رو همه ما اینک خواست مشترک، مبارزه مشترک و موانع مشترک داریم. بنا بر این تنها راه تحقق خواستههایمان و پیروزی مبارزاتمان تشکیل هر چه بیشتر و محکمتر است. کانون مستقل

اخبار جنگ

معلمان تهران با پشتیبانی کامل از خواستههای برحق شما، تا مین مسکن، حقوق و کار، و با محکوم کردن رژیم، در حد توان و امکان خود در راه شکل هر چه وسیعتر معلمان تلاش میورزد. به نقل از اعلامیه "کانون مستقل معلمان تهران ۱۳۵۹/۱۱/۲۷" با اندکی تلخیص

سربازان حاضر به رفتن به جبهه جنگ ارتجاعی نیستند

طبق برنامهای که فرماندهان مزدور ارتش و فرمانده کلشان بنی صدر خائن، برای نقل و انتقال نیروها تهیه دیده اند و آتراضی بخشنامه - ای به پادگانها اعلام کرده اند، میبایستی در اول اسفند نیروهای خط اول جبهه پس از ۴ ماه با نیروهای پشت جبهه تعویض شوند، که در پادگان "ابوذر" در سربل ذهاب به علت امتناع سربازان پشت جبهه از رفتن به خط اول، اینکار یک هفته عقب افتاده و بعد از یک هفته، واحدهای مرکب از سربازان تازه به خدمت آمده را که اطلاع چندانی از وضع جبهه ها ندارند و آموزش کافی نیز ندیده بودند، روانه خط اول جبهه جنگ ارتجاعی می - سازند. توده های سرباز ارتش با پی بردن به ماهیت جنگ ارتجاعی رژیم و سیستم پوسیده ارتش، از رفتن به جبهه های جنگ سرباز میزنند

شیراز: مرگ یک زن حامله در خوابگاه ۱۰

شیراز: زحمتکشان جنگ زده بیش از پیش زیر فشار فلاتکتها و بدبختیهای ارمغان جنگ ارتجاعی رژیم، قرار دارند. نمونه زیرگویی بخشی از "خبرات جنگ" رژیم ارتجاعی برای زحمتکشان جنگ زده است. در خوابگاه ۱۰ دانشگاه شیراز زن جوانی که ۴ ماهه حامله بوده است پس از مراجعات مکرر به بیمارستان و جواب سربالا شنیدن و نبود تخت خالی برای بستری شدن در میگذرد. زن زحمتکش قبل از مرگ میگفته است که "مسکن میدانم این تخت خالی نشدن فقط برای مساکم فقیر و فرستادن که بولی در بساط نداریم." او علت نبود تخت را بخوبی درک کرده بود. آیا اگر زن "رفسنجانی" یا "بنی صدر" یا "میر می - شدند" اعلام ساله ای بنام "بی تختی" معنی پیدا

میگردد؟

توده ها بخوبی میدانند و بی میبرند که رژیم ضد خلقی عامل اصلی تمام فلاتکتها و بدبختیهای آنان است.

پای صحبت آوارگان

زحمتکش آوارهای میگفت: پس از آنکه خانه پدری شرحنگ خراب شد، دست زن و بچه مرا گرفتند و آمدن تهران، ابتدا پیش یکی از فامیلهای زندگی میگردیم اما مسکن راضی نبودم. بالاخره چند نفر از آشناها را پیدا کردم و به پیشنهاد چند تن از آنان قرار شد پیش رفسنجانی برویم. آنها تصور میکردند که رفسنجانی میتواند کمبودهای ما را برطرف سازد. بعد از اینکه با هوا رید بختی و منت ما را قبول کرد به ما گفت:

"شما اصلا خجالت نمی کشید؟ جوانها در جنوب شهید! میشوند ولی شما از من خانه و زندگی و معاش میخواهید. شما هنوز نمیدانید چه خطایی کرده اید که به تهران آمده اید." خلاصه اینکه هیچ کدام از این مسئولین مملکتی کاری برای ما نخواهند کرد و تنها جوی که به ما میدهند اینست که: برو به جنوب و خودت را برای ما که حاکمی سرما به داران هستیم به کشتن بده و با به اصطلاح بهتر "شهید" بشو. اینهم "سرکت" جنگ برای ما بدبختها.

نمایندگان جنگنده آزاد باید گردد

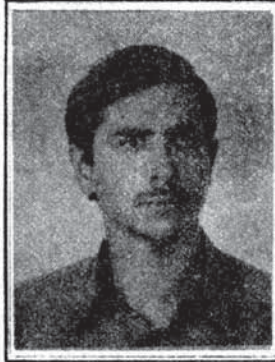
بوشهر - ۵۹/۱۲/۵ - در اعتراض به کاهش مقرری آوارگان از ۳۰۰ تومان به ۱۰۰ تومان، در روز سه شنبه ۵۹/۱۲/۵، آوارگان زحمتکش در استاننداری بوشهر اجتماع می نمایند. آنها نمایندگان از میان خود انتخاب میکنند.

فرماندها را به نمایندگان میگوید که باید صبر نمایند! آوارگان معترض به راه نمایندگان خود تصمیم به راه هیما می میگیرند. پاسداران با حمله به جمع آنها، میادرت به دستگیری نمایندگان مینمایند. مبارزه آوارگان زحمتکش ادامه دارد. آنها تا آخرین لحظه از نمایندگان خود حمایت میکنند و تا آزادی آنان و گرفتن خواستههای برحقشان از پای نمی ایستند. از اعلامیه ها و اداران سازمان در بوشهر با اندکی تغییر و تلخیص

بقیه در صفحه ۲۰

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

رفیق محسن فاضل آزاد باید گردد!



دستگیری رفیق فاضل که برای عدم
به انقلاب فلسطین طرز خارج بود، یکبار دیگر براد ما هادی
مواظفیان رژیم جمهوری اسلامی در حمایت از خلق فلسطین،
مهربان زد .
* - آیا رژیم با دستگیری یک انقلابی کمونیست، که برای مبارزه
با صهیونیسم و امپریالیسم طرز جبهه های نبرد خلق قهرمان
فلسطین بود، با زهم میتوانه ادای "ضد امپریالیست - ضد
صهیونیست بودن بنهاده؟!
* - رفیق محسن فاضل بجرم عشق به زحمتکشان و مبارزه
بخطراترمان خلق فلسطین در اسارت جمهوری اسلامی
بسربرد .

خدمت خلق مبارز فلسطین آماده سفر به خاور -
میانه میشد دست باسداران ارتجاع دستگیر
شده و در محل نامعلومی زندانی است و رژیم
تا به اکنون امکان هیچ ملاقاتی را به خانواده
ش نداده است. پشتیبانی از رفیق محسن
- فاضل دفاع از انقلاب فلسطین و پشتیبانی
از جنبش او و گیرنده توده های خلقهای ایران
است. هم اکنون سرنوشته رفیق فاضل در
هاله ای برآزبها مونا روشنی فرورفته و
جان این مبارز انقلابی قدیمی در خطر جدی
است. رژیم جمهوری اسلامی با اسارت رفیق
فاضل، آرزوهای گذشته رژیم شاه را که سالیان
در آرزوی راتحت تعقیب داشت عملی میسازد
و برای این مبارز قدیمی بجرم عشق به
زحمتکشان و سابقه مبارزات طولانی علیه
امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع، توطئه

میچیند و صحنه سازی میشما بد تا زمینه را برای
جنایت دیگری آماده سازد .
با تمام نیروی پشتیبانی از رفیق محسن
فاضل و دیگر مبارزین دربند در زندانهای
جمهوری اسلامی، بر خیزیم و توطئه های رژیم را
نقش برآب سازیم .
زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها
آزاد باید گردد!

**"کارکنان جنگزده جنوب
خواهان آزادی نمایندگان
خود شدند"**

در تاریخ پنجشنبه ۵۹/۱۱/۳۰ مجمع عمومی
کارکنان جنگ زده آبادان و خونین شهر با شرکت
۷۰۰ نفر در یادگانه نفت شیرا تشکیل شد. کارگران
برای گرفتن خواسته های برحقشان و آزادی نماینده
- گان دستگیر شده خود، استقبال زیادی از مجمع
نمودند. ابتدا نمایندگان اقداماتشان در مورد
آزادی نمایندگان را به اطلاع حاضرین رسانده
و سازشکاری یکی از نمایندگان را افشا کردند.
کارکنان با روحیه انقلابی فرد سازشکار را
از شورا طرد کرده و کارگرمبارزی را به جانشینی
وی برای نمایندگی انتخاب نمودند.

کارکنان خواهان برخورد قاطع تریا رژیم
برای آزادی نمایندگان بوده و پیشنهاد برپا شدن
را هیما شای در صورت عدم آزادی آنان را میدهند
که مورد قبول شورا قرار میگردد. کارکنان مبارزه
قاطع و بیگیر خود به همراه شورای واقعیشان را
تنها راه رسیدن به خواسته های برحقشان میدانند

رژیم از مبارز و مواضع انقلابی و کمونیستی
سازمان ما و سازشنا پذیری انقلابیون کمونیست،
رژیم جمهوری اسلامی میبندد که سازمان ما بدون
کوچکترین تنزل کلی سیستم حاکم رژیم
ارتجاعی و جناحهای "خیا نت کارآرترا قاطعانه
افشا کرده و به مبارزه او و گیرنده توده ها در جسد
توان خودمان میزند. رژیم میبندد که روز به
روز توهم توده ها در اثر رشد توده های درون جامعه
و نیز فعالیه های روبرو شد و آگاهگران کمونیست
- ها و انقلابیون و از جمله سازمان ما میریزد و
آنان به مبارزه علیه جمهوری اسلامی برمیخیزد
بدون اینکه سرکوب و کشتار کوچکترین خللی در
اراده استوار آنان پدید آرد و از اینرو ابلهان
دست به توطئه های جدید میزنند و مانند ساواک
جناینکا ر محمد را با شای با ربودن و دستگیری
کمونیست ها و انقلابیونی که زندگیشان در مبارزه
با امپریالیسم و ارتجاع مفهوم پیدا میکند،
اقدام به تبلیغات دروغین و گویبازی مینمایند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

رفیق محسن فاضل کمونیست مبارزی است
که سالها بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه
مبارزه انقلابی کرده و در حالیکه تحت تعقیب
گشتی های مزدوران ساواک و شهربانی قرار
داشت در عملیات انقلابی از جمله اقدام انقلابی
مستشاران آمریکا شای و پیشبرد مبارزه ضد
امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران
معالانه شرکت میکرد. رفیق فاضل پس از پیوستن
به بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق در صفوف
انقلابی خلق قهرمان فلسطین و دوش بسدوش
توده های مبارز فلسطینی علیه امپریالیسم،
صهیونیسم و ارتجاع عرب مبارزه کرده و پس از
قبایم بر شکوه بهمن نیز در شرایط با سازمان ما
نیرو و توانش را در خدمت انقلاب قرار داده است
وی در شرایطی که برای خدمت به انقلاب فلسطین
و قرار دادن توان علمی و مبارزاتی اش در

شش از یک ماه از دستگیری رفیق محسن
فانقلابی با سابقه میگردد. رفیق محسن
در حالیکه با داشتن معرفی نامه از سفارت
فلسطین برای عزیمت به خارج جهت خدمت
انقلابی به انقلاب فلسطین مقدمات سفرش را
فراهم میکرد، هنگام مراجعه به سفارت سوریه برای
دریافت ویزا، بدست باسداران ارتجاع دستگیر
شد و تاکنون کوچکترین اطلاعی از سرنوشته وی در
دست نیست. رژیم جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه
ای سرسرد روغ و فریب دستگیری رفیق فاضل را اعلام
کرد. در این اطلاعیه ارتجاعی ادعا شده است که
رفیق برای یک ماموریت سیاسی ساخته مازم خارج
بوده است. رژیم جمهوری اسلامی که با مبارزات
گسترده و سازشنا پذیر کمونیست ها و از جمله
سازمان ما روبرو است و نیز از روش خود را
توان از مقابله با جنبش او و گیرنده توده ها و در
بطن آن مبارزات کمونیست ها میبندد و عجز
از گنهای سرکوبگرش را در شکستن استقامت و
پاوری انقلابیون راستین تجربه کرده و
میگند، بناچار دست به توطئه های جدید و صحنه -
سازیهای مبتذل و ارتجاعی میزند.

رژیمی که زیوانه ها سوان امپریالیسم
آمریکا و کشتان جاسوس انگلیسی را آزاد می-
کند و میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان ما را
بر باد میدهد. و قیانه سازمان ما و کمونیست -
های مبارزی را که سرا سر زندگیشان مبارزه علیه
امپریالیسم و سوبزه آمریکا چنانحوه ربوده و
هست، "آمریکاشی" و "عامل سیا" می نامد.
رژیم جمهوری اسلامی برای فریفتن توده -
ها چهره دروغین پشتیبانی از انقلاب فلسطین را
بخود میکشد، دم آزادی سرزمین های اشغال
شده توسط صهیونیستهای اسرائیلی میزند
اما ما موریت یک انقلابی کمونیست را برای
بیشتر اهداف جنبش خلق فلسطین "ما موریت
سیا ساخته" قلنداد میبندد. این صحنه سازیهای
عوامفربانه دلیلی ندارد مگر بغلطرو حشمت

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد باید گردد

بقیه از صفحه ۱ پیام ...

میدانیم که عبدوا قعی زحمتکشان در نابودی سرمایه داری است و میدانیم که در چنین شرایطی زحمتکشان ما چگونه به استقبال نوروز میروند. - کارگران کشور ما زیرستم و استعمار روسکوب سرمایه داری وابسته دلاوران میروند و مودویزه قطع شده است. دستمزدها بسیار پایین تر از رفع نیازهای یک خانواده کارگزار است و تورم، گرانتری جیره بندی و... شدیداً آنها را تحت فشار قرار داده است و جمهوری اسلامی همچنان که تاکنون نشان داده است، درقبال مبارزات کارگران گلونه به آنها هدیه میکند.

- دهقانان، نیز در کنار زحمتکشان شهری، جز استعمار روسکوب، نمیبینند و اند و جمهوری اسلامی فقر، فلاکت، و استعمار را با سرنیزه به آنها هدیه میکند...

- در کردستان، قهرمان، نوروز خلق کرده همچنان خونین است. رژیم جمهوری اسلامی بمب تا پالم و خمپاره و گلوله، کشتار، تیرباران، تحا و زبسه زنان و دختران، سوزاندن شهرها و روستاها و محاصره اقوام را همچنان برای خلق دلاور کرد به ارمغان میآورد. اما خلق کرده همچنان میروند و علیرغم خیا نتهای حزب دمکرات، از فرزندانش انقلابی علیه جمهوری اسلامی حمایت میکند.

- در خوزستان جنگ زده بسیاری از زحمتکشان میهن ما در آتش تنگی غیرعادلانه که دور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و بیعت عراق برافروخته اند، همچنان کشتار روسی خانمان و آواره می شوند. بیش از یک میلیون تن از زحمتکشان، اینک بر آتش جنگی که بسود سرمایه داران دو کشور برافروخته شده، در بر و آواره شده و در بدترین شرایط، بسر میبرند.

و اینهمه در شرایطی است که رژیم جمهوری

اسلامی راه را برای همه امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی و روسی و ژاپنی باز میگذارد تا به غارت زحمتکشان ما بپردازند.

آری سال جدید در این شرایط درجا معده طبقاتی ما که رژیم سرمایه داری بر آن حاکم است فرا میرسد. و سالی دیگر با بان میرسد، سالی که از یک طرف سال سرکوب و کشتار، استعمار و خفقان، زندان و شکنجه، فقر و فلاکت، بیکاری و آوارگی برای کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما بود و از طرف دیگر سال مبارزات کارگران، زحمتکشان خلق کرد، دانش آموزان و دانشجویان و... و سال اوچگیری بیش از پیش مبارزه طبقاتی و سال ریختن بیش از پیش نوحه توده ها به رژیم بود.

آری زحمتکشان ما در شرایطی به استقبال نوروز میروند، که سالی بس حیاتی و مهم در سرنوشت انقلاب ایران را در پیش دارند. لیبرالهای مرتجع به سر دبداری بنی صدمه و حمایت آشکار و پنهان تمامی لیبرالها، سرمایه داران وابسته هواداران بختیار و ورشو میباشند. جبهه ملی، نهضت آزادی و دادرستان ارتجاعی جزیرتجیران با حمایت دمکراتهای ناپیگیری چون مجاهدین میکوشند بر امواج توده ها سوار شوند و مبارزات توده ها را بر علیه ارتجاع و امپریالیسم به بند کشند. از طرف دیگر دادرستان ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی که عمده ابزارهای کلبه بندی حاکمیت را در دست دارد، در کنار آیت الله خمینی و همراه با خائنین توده های وفدائی اکثریتی قطب ارتجاعی دیگری را تشکیل میدهند. زحمتکشان ایران در سال آینده، با این دو قطب ارتجاعی رودر رو هستند و لزوماً راهی که قطب نیرومند زحمتکشان بیش از پیش احساس میشود، کمونیستها با ایدئولوژی رافضی و آوارند تا بتوان با انکار

به نیروی طبقه کارگر و زحمتکشان و جذب اقشار دمکرات تا بیکسر به انقلاب، صف نیرومند کارگران و زحمتکشان و خلقهای انقلابی ایران را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم تشکیل داد.

سال آینده، بیکمان، سال رشد بیش از پیش انقلاب، سال تجدید تقاضای درون حاکمیت (میان لیبرالها و حزبها) سال روی آوردن بیش از پیش توده ها به مبارزه سیاسی و سازماندهی انقلابی، سال فراز امواج اعتلائی خواهد بود.

زحمتکشان ایران طبیعی است که با آغوش باز به استقبال سال آینده خواهند رفت. سالی که بیکمان رشد مبارزات کارگران، زحمتکشان، خلقها، دانش آموزان و دانشجویان، صفحه نویسی در تاریخ خونبار مبارزه طبقاتی میآفریند.

برای شرکت هر چه فعالتر در مبارزات خونین طبقاتی سال آینده بر علیه امپریالیسم و ارتجاع آماده شویم. صفوف ما را متشکلتر کنیم، به سلاح آگاهی طبقاتی مجهز شویم و با پرچم سرخ طبقه کارگر بسوی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به پیش بتازیم. علیرغم سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی، پیروزی از آن خلقهای قهرمان ما است.

سال جدید را به سال شکل و آگاهی زحمتکشان بدل کنیم!
سال جدید را به سال پیروزیهای هر چه بیشتر زحمتکشان و شکستهای بی دریغ امپریالیسم و ارتجاع بدل سازیم!
سال جدید را به سال پیوند هر چه بیشتر کمونیستها با جنبش در حال اعتلا توده های بدل سازیم!
تا بود با امپریالیسم و ارتجاع ادا خلصی!

۵۹/۱۲/۲۵

بقیه از صفحه ۱ رژیم ...

میدهد، یک تمهدنا به هم میبندد آن میکند، که طبق آن اهالی زحمتکش خاک سفید" با بد متعهد شوند که اگر... مقامات قضائی انتظامی و با هر

شخصی اعمال تحقیقی و حقوقی معترض باشند شرکت برق شهران حق خواهان شدت با درخواست مراجع فوق الذکر برق را قطع کرده و انشعاب را جمع آوری نماید" و اما گفته شده "در این مورد حقوق اعتراض نداشته و مشخصاً در شما مراجع جوابگو خواهد بود". رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قصد دارد بوسیله این تمهدنا به زحمتکشان "خاک سفید" را تحت فشار قرار داده و دست خود را برای انجام هر سیاست ارتجاعی در مقابل زحمتکشان باز گذارد. اما زحمتکشان "خاک سفید" همچنانکه تاکنون نشان داده اند، سیاستهای ارتجاعی رژیم را ختنی کرده و با ادا مویبگیری مبارزات خود از خانه های خود که با تلاش و همبستگی خود بکف آورده اند، محافظت خواهند کرد.

تظاهرات دهکده داران ارومیه

در اعتراض به یورش شبانه ما مورین شهر - داری و کمیته جان به دهکده داران زحمتکش ارومیه که بدستور شهردار در روز ۱۶/۱۱/۵۹ صورت گرفته بود، دهکده داران و دستفروشان زحمتکش پس از اجتماع در مقابل شهرداری، دست به راهپیمائی زدند. در این راهپیمائی آنها شعار میدادند: "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد"، سرچیدن دهکده محکوم است"، "زحمتکش سیرا و لسون"، سرمایه داران را بودا و لسون" (زحمتکشان متحد شوید، تا بودا در سرمایه دار) و... بر اثر مبارزه دهکده داران شهردار محبوره به عقب نشینی شده است، ولی وی و سایر عمال رژیم در فکر توطئه - های دیگری بر علیه دهکده داران میباشند. دهکده داران و دستفروشان زحمتکش با ادا آگاهی و اتحاد خویش، از حق خودشان دفاع کرده و

تصحیح و پوزش:

■ - در خبر مربوط به تظاهرات موضوعی هواداران دربروجرد (پیکا ۹۶) آمده بود: "تظاهرات با شرکت بیش از هزار نفر ادامه یافت". صحیح آن اینست که "۰۰۰ بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر از مردم به حمایت از تظاهرات در اطراف آن حرکت می کردند"

■ - در گزارش مربوط به تظاهرات موضوعی ۲۱ بهمن در اصفهان (پیکا ۹۵) آمده است که مردم نگذاشتند فلانها حمله کنند در صورتیکه صحیح آن اینست که: فلانها میگفتند هر چه به مردم گفتیم بیا شیده با اینها حمله کنیم نیا مدند. با ادا فاه کنیم که زمان برگزاری این تظاهرات بسیار کوتاه بود.

توطئه های رژیم را ختنی نمایند. به نقل از: پیکا رگر (۲) نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ارومیه با اندکی تغییر و تلخیص.



با توجه به ضرورت آموزش خط مشی سازمان
و مبنای اصول مارکسیستی - لنینیستی برای
توده ها و هواداران سازمان، از این پس
مبنای سیاست جدید آموزشی، کمیته تعلیمات
سازمان از طریق نشریه پیکار دست به انتشار
رهنمودهای مطالعاتی و درسیه های آموزشی،
معرفی برخی کتب و انتشار ریکری مقالات
آموزشی خواهد زد.

در این شماره، با توجه به شرایط جامعه و
گسترش انقلاب انقلابی و روی آوری گسترده نیرو
های نوین به صحنه انقلاب، ضرورت طرح صریح
الترناتو کمونیستی متحد و متشکل کردن طبقه
کارگر و جنبش توده های اهمیت بسزائی میابد.
بدین لحاظ برای دستیابی به درکهای اولیه
از وظایف نوین کمونیستها در قبال جنبش اوج
- با بنده طبقه و توده ها، ما تشخیص دادیم که
درسیه ها و مقاله "وظایف نوین و نیروها"
نوین که در سال ۱۹۵۵ نویسه لنین برشته
تحریر کرده و درک عملی را از وظایف نیروهای
کمونیستی در قبال نیروهای نوین توضیح میدهد و
"مقاله تجدیدسازمان حزب" که در باره ضرورت
بازسازی حزب و تطبیق آن با شرایط متحول
روسیه است را تهیه و انتشار ریسرونی دهم. رفقا
با یادگیری آموزش این دو مقاله به نکات زیر
توجه کنید.

(۱) برویه کاربردین صورت باشد که اول دوم مقاله
مورد مطالعه قرار گیرد و سپس به سوالات پاسخ
گفته شود.

(۲) رفقا میتواند مقاله وظایف نوین و نیرو-
های نوین را در کتاب "۳ مقاله زلنین درباره
کار حزب در میان توده ها" از انتشارات سازمان
ویا در کتاب "ده نوشته درباره دوران انقلاب
۵۷-۱۹۵۵" ترجمه من - کارباز از انتشارات پژواک
و مقاله تجدیدسازمان حزب را در همین کتاب
"ده نوشته درباره دوران انقلاب ۵۷-۱۹۵۵" یا
در "راه اندازی شماره ۲" بیابند.

کمیته تعلیمات

سوالات راجع به مقاله

"وظایف نوین و نیروهای نوین"

(۱) - شرایط تاریخی زمان نگارش مقاله،
ضرورت و هدف آن چه بوده است؟ منظور از "نیرو
های نوین" و "وظایف نوین" چیست؟ از طرف
بلشویکها و منشویکها چگونه بدین وظایف برخورد
میشده است؟

(۲) - سه گذاری که جنبش توده های - کارگری
روسیه در ارتباط با رشد سوسیال - دمکراسی
طی کرده بودند؟ هر کدام از این گذارها نویسه
چه فاکتورهای ذهنی و عینی تدارک دیده می -
شدند؟ این گذارها چه تغییراتی در وظایف
سوسیال - دمکراسی ایجاد مینمود؟

(۳) - انحرافات اساسی دیدگاه اِبورتونیستی در
قبال وظایف جدید و تئوری های اِبورتونیستی
آنها چه بودند؟ ایده های اساسی سوسیال -
دمکراتهای انقلابی برای مبارزه با آنها چه

(۴) - اوضاع نوین چه نوع شکل تشکیلاتی (هسته
تشکیلاتی یا به حزب) را طلب میکرد؟ انحرافات
را که بعلمت تدبیر و وظایف نوین، در سازماندهی
پیش میادید شمرید.

(۷) - چرا صرف افزودن بر سازمانهای نوج قدیم
نمی توانست کافی باشد؟

(۸) - تفاوت بین انجمن های سیاسی و حزبی
با اشخاصها چیست؟

(۹) - با تغییر سازماندهی، چه تغییراتی در تقسیم
صیح کارها بعنوان یکی از اجزای مهم رهبری
سازمان بوجود میآید؟ انحرافات مختلف در این
زمینه چگونه میتوانست بروز کند؟

(۱۰) - شرایط نوین چه تغییراتی را در ترویج
و تبلیغ حزب باعث گردید؟

(۱۱) - هدف از ایجاد اصطلاح با یکاها محلی
اقتصادی چه بود؟

۳

(۱۲) - شرایط نوین چه اثراتی بر روی مسئله
وحدت حزب میگذاشت؟

(۱۳) - شرایط کنونی جامعه ما چه تغییراتی را
در شیوه سازماندهی، تبلیغ و ترویج مسئله
وحدت بوجود می آورد؟

آزادی جاسوسان انگلیسی،

قدیمی دیگر در

خدمت به امپریالیسم

"سه کشیش انگلیسی که به اتهام اقدام
علیه جمهوری اسلامی ایران متجاوزان ۲۰۰ روز
در ایران بازداشت بودند پس از رفع اتهام از
ایشان، دیروز خاک ایران را ترک کردند"

آزادگان ۵۹/۱۲/۷

بدینال آزادی گروگانهای جاسوس
آمریکائی، رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست
نزدیکی با امپریالیسم به "دلجوئی" از امپریا -
لیسم انگلیس پرداخته و سه جاسوس انگلیسی را
که ما همایش دستگیر شده بودند، آزاد نمود. در
هنگام دستگیری این کشیشهای جاسوس، بلندگو -
های تبلیغاتی رژیم با ارائه اسناد و مدارک
جاسوسی، سروصدای زیادی برامون فدا امپریا -
لیست نمائی دروغین رژیم جمهوری اسلامی تیره
انداخته و برای فریب توده ها به شعار ردهی بی
محتوی علیه امپریالیسم انگلیس پرداختند. در
آنزمان شرایط ایجاد میکرد که رژیم با انتشار
سند پشت سندر اشیاء جاسوسی این افراد، خود
را با اصطلاح دشمن امپریالیسم جا بزند و نسبت از
این جاسوسان بعنوان برگ برنده ای دزد و بسند
با امپریالیستهای انگلیسی استفاده نماید.

اما گذشت زمان و تدریجی که در نزدیکی
جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی
پدید آمد، و نیازی که رژیم حاکم برای حفظ و

بود؟

(۴) - جهت عمده کار انقلابی، و ماهیت وظایف
نوین سوسیال - دمکراتها چه بود؟ شرایط
کنونی ایران چه فرقی با روسیه دارد؟

(۵) - با توجه به شرایط آندوران روسیه، وظیفه
عمده عملی سوسیال - دمکراتها چه بود؟ شرایط
کنونی ایران چه فرقی با روسیه دارد؟

(۶) - چرا در این شرایط، ضرورت مبارزه با
نفوذ دمکراسی سوزوواشی در کارگران بیشتر
میگردد؟

(۷) - وظایف نوین تاکتیکی از نظر سازماندهی
و تعلیمات چه بود؟ آنرا با وظایف ارتش در حال
جنگ مقایسه کنید. چه انحرافات میتواند در
قبال این وظایف نوین بروز نماید؟

(۸) - با توجه به وظایف نوین نقش شاعر و متشکل
شوید "که از جانب طرفداران اکثریت کنگره
دوم تدوین شده بود را بررسی کنید.

(۹) - گفتار "افراد بسیاری هستند، و هنوز افراد
کم در رسم" حاکی از چه تفاوت تشکیلاتی و سیاسی نگرچه
سازمانهای تشکیلاتی سوسیال - دمکراسی بود و
چگونه میتوان به این تناقضات و نپایانها پاسخ
گفت؟

(۱۰) - با توجه به اوضاع فعلی ایران، وضعیت
نیروهای نوین را بررسی کرده و وظایف نوین
تاکتیکی (سازماندهی، وحدت و...) را بررسی
کنید.

سوالات مربوط به مقاله

"تجدیدسازمان حزب"

(۱) - اهمیت مقاله "تجدیدسازمان حزب" لنین
در چیست؟ بخشهای مختلف این مقاله را چه
چه مسائلی است؟

(۲) - شرایط نوین جامعه روسیه چه تغییراتی را
در وظایف تشکیلاتی حزب باعث شد؟ دیدگاههای
مختلف در این زمینه چه بود؟ (در این مورد
درباره جنبش ایران قبل و بعد از قیام بحث
کنید)

(۳) - شرایط نوین چه تغییراتی را در اصول
انتخابی بودن حزب سبب گردید؟

(۴) - ضرورتهای جدید سازماندهی چه بود و چه
نتایج را در برداشت؟ در صورت عدم درک این
ضرورتهای انحرافی حاصل میگشت؟ (در این
زمینه در مورد جنبش ایران قبل و بعد از قیام بحث
کنید)

(۵) - با وجود بیوستن ناگهانی تعداد زیادی
غیر سوسیال - دمکرات به حزب، تکیه به چه
اقدامات و اصولی مانع بروز انحرافات بر است
در حزب میگردد؟

پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به خانواده‌های شهدای کمونیست و انقلابی
بمناسبت عید نوروز

ان بسیارش. هر شهید را با زخا هم شناخت در هر تکان مبارزه طبقه‌ای، هر اعماب، نظاهرات، قسام انقلابی زحمتکشان و هر خیزش سوده‌ای انگار را و ما می‌بینیم که ایستاده و سرفراز، بسا لسخند می‌گوید: "آه‌های توده‌ها، بسوی انقلاب قاطع‌تر راه بسپارید که این خون ما با شما شد و کهبانی خون شهیدان تنها در ادا به‌را هسان بسوی انقلاب بسوی آزادی و بسوی سوسالیم است!"

خانواده‌های قهرمانی که فرزندان پاک
و انقلابی را در دامان خود پروردید!

شاه جلاد و رژیم جمهوری اسلامی، هزاران تن از پاکترین فرزندان توده‌های مبارخون‌کننده‌اند. آن‌ها برای حفظ سرما به و منافع امپریالیسم از هیچ جناحی مروکذا رنگرده‌اند. اما فرزندان را که بدست این جانبا ن، چون سرو ایستاده مردند هرگز مرده میندازد. مرده‌آنانند که سدره‌ها مبارزات توده‌ها می‌شوند و دیرباز زوده تعزیرباله - دان تاریخ رهسپار خواهند شد. فرزندان قهرمان شجاع و دانه‌شده اند و جاودانه در قلبهای زحمتکشان خواهد زیست. دیر نیست که توده‌های دلاور خلق با انقلاب خونین و عظیم خویش، طومار تمام طبقات ارتجاعی و استعمارگر را در هم نوردند و همچنان که رژیم‌ها خائن را بگورسیرند، انتقام خون شهیدان این دوساله پس از قبا می‌بیمن نیز از رژیم سرما به‌داری حاکم بگیرند.

خانواده‌های قهرمان شهدای
انقلابی و کمونیست!

ما سوگند می‌خوریم تا پای جان به آرمان فرزندان قهرمانان وفاداریم و هر چه سرخشان را همچنان در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع بدوش بکشیم. ما به شهیدان قهرمان سازمان خود و همه سازمانهای کمونیست و انقلابی که فرزندان دلاور شما بودند افتخار می‌کنیم و می‌کشیم تا تمام توان ما به شما سرخ فرزندان را بگوش همه زحمتکشان ایران برسانیم.

افتخار بر شهدای قهرمان کمونیست و انقلابی! سربلندی و افتخار بر خانواده‌های قهرمان شهدای کمونیست و انقلابی!

با دشه‌دان را با ادا به‌را هتان گرامی بدریم! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

۵۹/۱۲/۲۵

درودهای گرم و آتشین سازمان مسارا را بمناسبت آغاز سال جدید بپذیرید. امیدواریم سال نوی سال سرخ را زیر پرزبهای درخشان برای زحمتکشان و سال شکست، انفرادی و سوشالی هر چه بیشتر برای ارتجاع و امپریالیسم باشد.

بیگمان از اینکه فرزندان قهرمانان که در نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم جان باختند اینک در کنایه‌ها نیستند و این نوروزی آن‌ها می‌گذرد، دلها بهمان فشرده می‌گردد. آری جایشان خالی است. اما این یکسوی قضیه است. آنگاه که بسا دیرباز و رسم، این شهیدان قهرمان در راه چه آزادی عظیمی جان باختند. آنگاه که بسا ندیشیم چگونه به زحمتکشان و توده‌های خلق عشق می‌ورزیدند و آنگاه که به این حکمنا ریخ بسندیشیم که بدون پیکار جانبا زانه، هزاران و دهها هزار قهرمان چون فرزندان شهید شما، تاریخ نمی‌توانند مهر شکست و زبونی بر طبقات استعمارگر بزنند. آنگاه که بسا دیرباز و رسم، نابودی ارتجاع و امپریالیسم، سرما به‌داری و ستم و استعمار، تنها با پیکار دلاوران فرزندان زحمتکشان امکان پذیر خواهد بود. آنگاه که بسا طریبا و رسم، فرزندان قهرمان شما معماران جامعه فردای پیروز مند زحمتکشانند، احساس غرور و سربلندی ما را و امیدارد، که با گسردن افتراشته به زحمتکشان بگوئیم:

این شهیدان، رهروان راه سرخ توده‌ها هستند، بی‌هزاران شهید مبارزات خویش زحمتکشان هرگز با معاشناشی ره بسوی تکامل نخواهد پیمود و طبقات استعمارگر را بگورنخواهد سیرد. آن‌ها راهی را پیمودند که هر روز رهروان بیشتر و بیشتر خود می‌پذیرند و انبوه تر می‌شود، گوئی از خون هر شهید هزاران کمونیست و انقلابی متولد میشوند، سنگریدرا سرخشان اینک، سرتار از رهروان دلاور است!

رهروان بسیاری در این راه، راه مبارزه طبقاتی توده‌های تحت ستم و کارگران و زحمتکشان جان می‌بازند. اما راه همیشه زنده و جاوداست و هر شهید این راه خود ستاره سرخی می‌شود و بر فراز مبارزات توده‌ها که ما هم‌شادار می‌دهد: "هسی رهروان پرشور و بی‌انحراف رهسپارید!" و شهید خود پرچم سرخی می‌شود که استوار و مستحکم در انتهای خونین انقلاب به‌هتزاز در می‌آید. هر شهید خود نسیمی می‌شود که بر همه جای این کرانه‌خون گرفته‌یما م انقلاب را می‌سیرد: "هی توده‌ها، بسا خیزید و از بس راه سرخ ما رهسپارید." و آنگاه هر شهید را با زخا هم شناخت در قیام‌های هم‌زم-

تکسیم به‌های سرمایه‌داری وابسته، در نزدیکی بیشتر به امپریالیسم دارد، سردمداران جمهوری اسلامی را و ادا ر میسازد که یکبار به کلیه ادعاهای بوج گذشته را فراموش کرده و با اعلام "جلسی" بودن مدارک بگویند که: "... لذا این مدارک نمیتواند آنها را در زندان نگاه دارد و سزودی هر ۷ نفر آزاد می‌شوند" (از مباحثه قدوسی "دادستان انقلاب" - آزادگان ۵۹/۱۲/۵)

اما جاسوسی این کشیشان انگلیسی و همکار ایرانی آنها آنقدر روشن است که دکتر بهزاد دنیا با حرکت از تضادهای ارتجاعی که بین لیبرالهای خائن و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی وجود دارد ضمن پاسخگوئی به قدوسی به "جاسوس بودن آنها" اعتراف می‌کند. وی می‌گوید: "... بحضور ما مات رسیده و توضیحات لازم را دادیم با ادا خدائی ناکرده طوری وانمود شد که افراد گناهی ندارند با ادا داشته اند و با "علیه اسلام نبودن" محکوم شوند" (پاسخ دکتر بهزاد دنیا - میزان ۵۹/۱۲/۷)

رژیمی که در جهت گسترش سرمایه‌داری وابسته حرکت مینماید و بسا طریبا به هیئت ارتجاعی و ضد مردمی روز و شب به سرکوب کارگران، زحمتکشان، خلقهای مبارز، نیروهای انقلابی و کمونیست، جوانان مبارز و... می‌سپرد از دست نمیتواند (و ما؛ البته نمی‌خواهد) قدمی به جدی بر علیه امپریالیسم بردارد و برخی مخالفتهای موضعی سردمداران رژیم با امپریالیستها نیز در چارچوب حفظ منافع ارتجاعی جمهوری اسلامی و حفظ و حراست از سرمایه‌داری وابسته معنی و مفهوم دارند.

آری رژیم فدخلقی چون جمهوری اسلامی با تقضای طبیعت و ما هیت با ایدها انقلابیون دموکرات و کمونیست و زحمتکشان مبارزان به تیغ بکشد زندان و تیرباران نماید و... و در مقابل در خوش خدمتی به امپریالیستها جاسوسان و مزدوران امپریالیسم را با سلام و صلوات روانه کشورهایشان بنماید تا به جاسوسی علیه خلقهای دیگر در جایش دیگر ادا مدهند. از چنین رژیم جازین انتظاری نیست.

★★★

بقیه از صفحه ۱۶ اخبار جنگ...

بوشهر - ۵۹/۱۲/۶ - در این روز سه‌جهد و سرما به با آما دگی قبلی، به توده‌های زحمتکش آواره، که برای مطالبه خواست بحق خود، یعنی دریافت مقرری ۳۰۰ تومانی، در استان ساری بوشهر جمع شده بودند، حمله کرده و حتی بسا کودکان شیرخواره و ما دران نشان نیز و قیامه بیورش برده و آنها را جلاد و ریز بر ضربات خود قرار میدهند و سپس چند نفر از آنها را به مقربسپاه پاسداران می‌برند.

شاعر آواره، نان، مسکن، آزادی از علامه هوادان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بوشهر، با اندکسی تغییر و تلخیص

پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به دهها کمونیست پیکارگر در بند و زندانی سیاسی انقلابی بمناسبت نوروز جدید

یاران! عزیزان در بند!

بها رنوفرا میرسد و سالی دیگر آغا زمیشود. بدین مناسبت از طرف تمام رفقای سازمان و همه کارگران و زحمتکشان ایران، درودهای آتشین خود را نشا ر شما فرزندان قهرمان توده های رزمنده ایران میکنیم و میدوایم سال نو، سال پیروزیهای درخشانتر برای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و سال تکست برای ارتجاع و امپریالیسم باشد.

یاران!

سالهاست که در میهن ما، زندانی سیاسی بودن افتخار بزرگی محسوب میشود.

سالهاست که دلاورترین فرزندان زحمتکشان در پشت میله های زندان و در زیر شکنجه های مزدوران سرما به داری، استوار و مستحکم به آرمان سرخشان وفا دار مانده اند. توده های انقلابی ایران احترام و علاقه عظیمی به فرزندان در بندشان دارند آنها بخاطر درنده چگونه هزاران انقلابی در بند عاری از مهر جلد بخاطر دفاع از منافع زحمتکشان، سلول های زندان و شکنجه و تیرباران را استقبال کردند و از همین روی بودند که توده های قهرمان سیاسی ها لهای دژخیمان پهلوی را کشتند و سرگردان فرزندان در بندشان حلقه های گسل آویختند. اما دوباره سرما به داران حاکم شدند، هزاران نفر از فرزندان زحمتکشان را به اسارت در آورده اند. اینک با دیگر کجوتی ها، خلقالی ها، لاجوردی ها و... برجای حسینی ها و رسولی ها و غفدی ها تکیه زده اند. و با ردیگر بجای رضاشاهها، احمدزاده ها، دهقانی ها، گل سرخی ها، آخوندی ها و... شما هستید که شکنجه میشود و با زهم در زندانهای سرما به داران حماسه ای از وفاداری به توده ها میآفرینید و ایمن حکم مبارزه طبقه ای است. هیچ رژیم ارتجاعی نمی تواند بدون زندان، شکنجه و تیرباران انقلابیون و بخصوص کمونیستها به حیات نگهش ادا میدهد. زندان ارکان مهمی در سرکوب طبقه ای است و تا زمانی که طبقات استعماری رگبرگ به غارت و سرکوب توده ها مشغولند، تا زمانی که مبارزه خونین و تپای جان انقلابیون و بخصوص کمونیستها با این نظام ارتجاعی برجا است، هزاران و صدها هزار دلاور چون شما نیز هستید که در سایه لهای دژخیمان سرما به دلاوران



پرچم سرخ شمر در با سرما به دار هتزار نگهدارید. شما هم چنانکه تا کنون کوشیده اید، با یستی زندان را به دناشگا هی برای انقلاب بدل سازید که در آن وفاداری به زحمتکشان، ملامت و استواری در مقا بله با ارتجاع و نیز دانتی شورویستک پیرامون انقلاب آموخته میشود. همه بخاطر دارم که چگونه زندانها در فاصله سالهای

۵۲ - ۵۰ در حاکمیت شاه جلا داد خود دناشگا هی برای انقلاب بود، اینک شما گذشته آتکته دلبران با یستی در مقا بل ارتجاع و امپریالیسم با یستید و برای بهبود شرایط زندان مبارزه کنید با بدجوی سرشار از روحیه رزمی و استواری در زندان ایجاد کرده و سردانش انقلابی تان بیافزائید بخصوص رفقای پیکارگر و مظلوفند نه تنها فعالانه در این راه بکوشند، بلکه مواضع سازمان را در بین انقلابیون در بند

سرود سرخ پیروزی کارگران و زحمتکشان خلقهای تحت ستم در فردای آزادی و استقلال بسرایند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که حافظ و نگهبان سرما به داری و بسته و منافع امپریالیست است مجبور است زندانها را از شما فرزندان قهرمان توده ها بپر کند. شما پیام آوران آگاهی و انقلاب هستید شما پرستوهای قاصد فردای پیرو زحمتکشان بوده و هستید، شما بذر انقلاب پراکنده اید. پس با یست در قفس شوید، تا غول پیدا دگر سرما به دمی بیاید اما خلقهای قهرمان ما از شما انقلابیون جان برف هزاران هزار پیرو در دست هم اکنون بساران و رفیقان شما در عرصه سترگ مبارزه طبقه ای گلوگاه ارتجاع را میفشردند. توده ها با ملامت هر چه بیشتر در این مبارزه خونین، سرما به داری و بسته شرکت میکنند و بخصوص مدای گامهای استوار و مستحکم برون تار یای قهرمان ایران می آید. هر روز توده های بیشتری به میدان پیکار رگام میبندند. در همان زمان که سرود هایتان از زیر شکنجه های دژخیمان بگوش میرسد و شما دلاوران لب به سراسر نمی گشاید و به آرمان سرخشان وفا دارید و سلول و شکنجه ها را قهرمانانه استقبال میکنید، رفیقان تان میروند تا بسایند و بسایند توده ها، طوما را ارتجاع و امپریالیسم را در ایران خون گرفته در هم میسوزند. طبیعی است آرزوی ما این بوده و هست که شما بساران نیز در کنار توده ها و رها از غل و زنجیر زندان در مبارزه سرخ زحمتکشان شرکت میکردید، اما مبارزه طبقه ای عرصه های گوناگون دارد و هرگز کمان میرسد که از آن دورید. اینک شما در سنگر دیگری میروید. شما در اسارت تیرباریستی

فعالانه تبلیغ و ترویج کنند! در زندان نیز بکوشید تا هر چه بیشتر برای شرکت فعال در عرصه مبارزه طبقه ای خود و دیگر همزمان تان را آماده کنید. بیگمان خلقهای قهرمان ایران در جریان مبارزه انقلابی تان علیه ارتجاع و امپریالیسم اسارت فرزندان قهرمان تان را تحمل نخواهند کرد. آنها با ردیگر در سایه ها و شکنجه گاهها را خواهد گشود و شکنجه گران را با دنا رخوا هند و بیخت مبارزات شما در زندان و مقابله تان در مقا بل شکنجه های دژخیمان جمهوری اسلامی، خود گامی از همین رزم خونین توده ها است. فردا، فردای سرخ انقلاب، آن زمان که بیگم تیربومند کارگرایان اس برزگرو همرا هی زحمتکشان و توده های شهری در هم آمیزد، دیگر از سایه لهای سرما به خبری نخواهد بود و خلق ما با ردیگر شاه های گل نشا ر عزیزان در بندش خواهد کرد و پیروزیهای شکنجه آزان سوسه خواهد زد. آری در فردای پیروز - مندا انقلابان دیگر از شکنجه و زندان برای فرزندان زحمتکشان خبری نخواهد بود و زندان و سرکوب برای سرما به داران و نوکران امپریالیسم بیکار گرفته خواهد شد. دستانتان را بگرمی میفشاریم و سراسر وظایف خطیرتان در مقابل انقلاب در شرایط صعب و دشوار زندان، آرزوی موفقیت میکنیم. زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها آزاد بسا بدگردد! درود بر زندانیان انقلابی که در زندانهای جمهوری اسلامی پرچم مبارزه را پرافراشته نگاه داشته اند!

درد بر زندانیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه گاههای رژیم پرچم مقاومت را همچنان پرافراشته نگاه داشته اند



کنترل کارگری "راه کارگر": آمیخته‌ای از تناقض و تحریف

افتادن شعارهای واقعی طبقه کارگر گردد. ما در شماره‌های ۸۸ و ۸۹ پیکار به این موضع "راه کارگر" برخورد کرده و موضوع تحریف تاریخی

لنین از مضمون واقعه‌ها می‌باشد. چرا که اولاً لنین در شرایطی صحبت می‌کند که موقعیت انقلابی برجسته حکمفرماست، ثانیا شورا‌های لنینی کارگران، دهقانان و سرپازان بعنوان آلترنا تیبیونیسمی برای کسب قدرت سیاسی، بوجود آمده اند و لذا لنین رژیم بورژوازی حاکم بر روسیه در آن زمان را متحد با سرمایه داران توصیف می‌کند (برخلاف "راه کارگر" که سعی دارد سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار را متمایز از هم نشان دهد).

برای بهتری بردن به این واقعیت و اینکه ببینیم عجز "راه کارگر" در دفاع از نظریات انحرافیش تا چه حد او را بدامن اپورتونیزم افکنده است، همان نقل قولی را که راه کارگر از لنین آورده و در بالا ذکر کردیم، بشکل کاملش می‌آوریم. مقاله مذکور از لنین در سپتامبر ۱۹۱۷ یعنی حدود یک ماه و نیم قبل از انقلاب کبیر روسیالیستی نوشته و ضمن برشمردن توطئه‌های رژیم بورژوازی حاکم بر علیه کارگران و زحمتکشان می‌افزاید: "این حکومت فرصت یافت علیه انقلاب... مسئله ساختن ما حیان صنایع و فابریکها و کارخانه‌ها بپیدا زد که در زیر فشار کارگران مجبور به گذشتنهای بی دربی بودند ولی در عین حال شروع به کار شکنی در تولید کرده و زمینه می‌بخشدند تا در اولین فرصت مناسب، تولید را متوقف سازند." (صفحه ۴۸۵ مجموعه آثار - تاکید از ما است).

حال با زهم از "راه کارگر" با پدید می‌گردد ایران موقعیت انقلابی برقرار است؟ مگر در کارخانه‌های ایران شورا‌های مسلح لنینی وجود دارد که کسب قدرت سیاسی در دستورات قرار گرفته باشد و از این طریق سرمایه داران بورژوازی که هیچ امید به آینده‌شان ندارند بکشند تا توقف تولید، به مبارزه علیه کارگران (و نه دولت بورژوازی) برخیزند؟

براستی اگر طبقه سرمایه دار خواهان توقف تولید باشد، مگر نه آنکه از طریق رژیم بورژوازی حاکم دست به این عمل می‌زند همچنانکه در روسیه نه این یا آن سرمایه دار را بصورت انفرادی، بلکه سیاست کل طبقه سرمایه دار روسیه است که سرگ خویش را نزدیک می‌بیند و از طریق نمایندگان سیاسی خویش از رژیم حاکم به تلاش برای توقف تولید دست می‌زند.

اکنون چگونه است که بنظر راه کارگر طبقه سرمایه دار ایران خواهان توقف تولید است، اما رژیم حاکم خواهان افزایش تولید است. آیا بنی مدرونی بورژوازی لیبرال همواره از ضرورت افزایش تولید، ممنوعیت اعتصاب و کم کاری و... سخن نگفته اند؟ یا جناح حزب جمهوری اسلامی نیز همواره همین شعار را تکرار نکرده است؟ پس چگونه است که رژیم بورژوازی

آنها را از نقل قول لنین که اساس استدلالشان بود، نشان دادیم. اما ملاها "راه کارگر" مسئله را بروی مبارک خود نیاورده و اینبار تحت لوای برخورد به نظرات رفقای زرمندگان (که بر جنبه تئوریک مسئله و تحریف راه کارگر تا کید نگارده بودند)، سعی در تکرار همان تحریف و پیشبرد نظر خود مینمایند. این شوه برخورد نه تنها تلاش قابل تقدیر "راه کارگر" را در دفاع از این اصول اپورتونیزم نشان میدهد، بلکه بررسی برخورد جدیدشان، خیر از "تعمیق" ما رکسبم "خاص راه کارگر" را میدهد و بقول معروف هردم از این باغ سری میرسد...! او! ما ببینیم چگونه؟

ما در شماره‌های گذشته بیکار توضیح دادیم که در شرایط کنونی که رژیم فدا انقلابی حاکم با بهره گیری از جنگ ارتعاعی کنونی، که خود در برابر انداختن آن ذی نقش بوده است، سعی در به انحراف کشاندن مبارزات توده‌ها داشته و از جمله قعدا رد کارگران را به تولید بیشتر وادارد، شعار افزایش تولید چیزی جز بیگان خواست سرمایه داران و رژیم حاکم نبوده و لذا شعاری است در خدمت طبقه سرمایه دار. اما راه کارگر از غریبی‌ها ردنا و نمودا زد که ما می‌گوئیم "افزایش تولید بطور کلی در خدمت دشمنان طبقه کارگر است" (راه کارگر ۶۴ - تاکید از ما است) و از قرار معلوم راه کارگر با "تحلیل شخصی از شرایط مشخص به این نتیجه رسیده است که در شرایط کنونی افزایش تولید از طریق کنترل کارگری، راه نجات طبقه کارگر است! استدلال راه کارگر هم نقل قولهاش است از لنین مبنی بر اینکه "ما حیان صنایع و فابریکها و کارخانه‌ها... که در زیر فشار کارگران مجبور به گذشتنهای بی دربی بودند ولی در عین حال شروع به کار شکنی در تولید و زمینه می‌بخشدند تا در اولین فرصت مناسب، تولید را متوقف سازند." (همانجا به نقل از صفحه ۴۸۵ منتخب آثار لنین)

این نقل قول "راه کارگر" هم درست مانند نقل قولی که در شماره ۵۲ نشریه اش آورده بود ما تحریف آمیز بودن آن را در پیکار ۸۸ نشان دادیم، سراپا تحریف و تهی نمودن گفته‌های پیکار ۸۸ را مع افزایش تولید را به خوانندگان توصیه می‌کنیم.

با جاد شدن مبارزه طبقاتی در جامعه مضموف نیروهای انقلاب و فدا انقلاب شخص ترومنسجتمتر میگردند. انعکاس این روند قطعی شدن نیروها، در جنبش کارگری بوسیله شعارها و عملکرد نیروها مشخص میشود. در این رابطه است که رویزیونیستهای خائن با طرح شعارهای بنفع سرمایه داران و رژیم حاکم، دشمنی خویش را با طبقه کارگر بنمایانند و در اثر روند اعتلائی جامعه روز بروز مطرود تر میگردند. از سوی دیگر کمونیستهای پیگیر با طرح شعارهای طبقه کارگر و فعالیت سیاسی حول آنها می‌کوشند تا عقب ماندگیهای سالیان سال را جبران نمایند. اما آنچه که در این میان به جنبش طبقه کارگر لطمات بسیار میزند، مواضع و شعارهای متزلزلین و نیروهای ناپیگیری - باشد که به عبث می‌کوشند مسانح حرکت سریع طبقه شده و حتی در مواردی نقش پلی بسوی بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر را بازی میکنند. از جمله این نیروهای ناپیگیر "راه کارگر" میباشد که موضعش در رابطه با شعار "افزایش تولید و کنترل کارگری" در شرایط کنونی، منطبق با موضع رویزیونیستهای خائن و رژیم جمهوری اسلامی گشته است.

این انطباق مواضع نه تنها تصادفی نیست بلکه با تاکیدی که "راه کارگر" روی موضعش می‌کند (علیرغم عقب نشینی جزئی که ظاهراً انجام داده است) و برای اثبات آن از شیوه‌های اپورتونیزمی تحریف واقعه‌های تاریخی و نظرات سایر نیروها (از جمله ما) استفاده میکند خود گواه بارزی بر آن است که "راه کارگر" مضم گشته است با ایفای نقش "مرکز" مانع از جا

(۳) - "راه کارگر" ۶۴ مینویسد: "به نظر ما طرح مسئله بدین صورت (سرمایه دارانی که خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند اقداماتی علیه آنها صورت نخواهد گرفت) پیکار اشتباه است و با بداین مسئله را در چهارچوب بررسی لفظیها و... ما در مقطع آغاز جنگ مشخص بررسی کرد. از آنجا شیکه بررسی این مسئله برای ردت نتیجه گیریهای زرمندگان و پیکار نقض محوری و اساسی ندارد، از بحث در مورد آن در این مقاله خودداری میکنیم."

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

یادی از رفیق کم شده سعید اخوت فوده



الف - مشخصات حقیقی:

نام سعید شہرت اخوت خود نام پدر حسن
شماره شناسنامه ۲۰ صادره از اسفهان متولد ۱۳۲۸
شغل -

میزان تحصیلات دانشجویی سال سوم علوم اجتماعی دانشگاه تهران
با احتمال زیاد فارغ التحصیل شده است
محل سکونت - اسفهان چهار باغ پز، ست ایرج
محل کار -

ب - مشخصات ظاهری:

قد متوسط - رنگ چشم میخی - رنگ مو مشکی - علامت مشخصه -
اسامی مستعار با شناسنامه های جعلی که داشته:

پ - وضعیت فعلی:

از اسنای گروه د کمونیستی، میباشد
گمان از تاریخ ۱۳۵۲ متواری و اختیالا صلح به
محل کار - تاربیگ - سیانور - میباشد

همان ۱۲ هزار زندانی بود که بقول ببرک کارمل
جلاد توسط امین خاغن اعدام شدند آیا او جز
انقلابیونی بوده که در جنگهای داخلی افغانستان
توسط رژیم دست نشاندہ کامیونیا دا رودسته های
آمریکائی اسلامی به شهادت رسیده اند؟ یا
اینکه ممکنست هنوز هم در زندانهای قسرون
وسطائی افغانستان اسیر باشد؟

مادیر چندان امید آن نداریم که رفیق به
جمع انقلابیون ایرانی بازگردد، ولی او چه در
ایران گشته شده باشد چه در زندانهای افغانستان
بدون شک ترانه سرخ انترناسیونالیسم پرولتاری
را به لبیان داشته است و در راه آرمانهای والای
کمونیستی که برای آن مبارزه در راه آزادی
پرولتاریا دارای یک خلعت جهانی و فرا تر از
مرزهای ملی است شہید شده و یا هنوز اسیر است.
با این همه که امید چندان به زنده بودن
او نیست، از تمام کسانی که ممکن است خبری از
او داشته باشد نتقا میکنیم که مراتب را به ما و
با به پدرو ما درش اطلاع دهند. عکس و مشخصات
شنا سائی او را که در اینجا مٹا هده میکنید مربوط
است به دفترچه لیست "افراد فراری" که ساواک
جنابتکا در اختیار رسانده های گشتی خود در تمام
ایران میگذاشت و سعی میکرد به این وسیله آنها
را شناسایی و نتکا رکند.

میلیونها تومان، خرج تکبیر، گویی برای جمهوری اسلامی

توده های زحمتکش خوب بیا ددارند ده در روز -
های نحسی چون "۴ آبان"، "۲۵ شهریور"، "۹ آبان"
و... رژیم ضد خلقی شاه جلاد با صرف میلیونها
تومان از دسترنج زحمتکشان ما، هزاران نفر
را از نقاط مختلف گردآورده و به استادیوم ۱۰۰
هزار نفری و... میخاستندند تا برای شاه خاغن
"هورا" بکشند، و فریاد دوش خراش "جا وید شاه"
سردهند، و امروز ۳ سال سپه زرنگونی رژیم
شاه، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی با خرج
میلیونها تومان ۱۵۰۰۰ نفر را بعنوان "خانواده
شہدا" از شهرها و روستاهای مختلف به تهران
آورده اند تا در مراسم سالگرد "۲۲ بهمن" برای
رژیم "تکبیر" بگویند.

این افراد بدعت بنیاد شہید که مرتجعینی
بنام حجت الاسلام کروبى در اسان قرار داده
تهران آمده اند، این افراد را با وعده پرداخت ۵
هزار تومان به تهران گشاندند و بیشتر آنها
بخاطر نیاز مالی شدیداً خربه سفار شده اند. از
۱۵۰۰۰ نفر بیا شده ۳۰۰۰ نفر در هتل استقلال
(هتلتون سابق) بمدت ۴ روز اقامت کردند، که
هزینه اش ۳ میلیون تومان میباشد. همچنین
۸۰۰ نفر در هتل کنتیننتال با هزینه ۸۰۰
هزار تومان، ۹۰۰ نفر در هتل "ها بت" با هزینه
۹۰۰ هزار تومان بخربردند، از برنا مه های

رفقا به ما زماندهی جدید پرداختند، ولی ضربات
پلیس به آنها مان نداد و به دلایل مختلف اکثر
آنها توسط ساواک دستگیر شدند و معدودی نیز
چون سعید متواری گردیدند.

سعید در رعایت مسائل امنیتی بسیار حساس
و هوشیار بود. همین موضوع باعث شد که او زلسو
رفتن خود با خبر شده و کاملاً مخفی گردید. در طول
مدتی که از آن تا اردیبهشت ۵۳ رفیق سعید
کوشید تا به کارهای گروه سرومورتنی دهد. برای
مدتی در کارخانه سی اف گودریج بکار پرداخت
ولی از آنجا که مشی گروه مبارزه چریکی بود،
آنها سعی کردند تا خود را بصورت هسته های
چریکی متشکل سازند و در ضمن در پی تماس با
گروه های متشکل تر چریکی بودند. ضرباتی که
در طی این مدت به گروه وارد شد باعث تلاشی کامل
آن گردید. سعید و رفیق دیگر در اردیبهشت
۵۳ تصمیم به خروج از ایران گرفتند تا بلکه
بتوانند در خارج با شکلات چریکی موجود تماس
بگیرند. بدین منظور سعید با تحمل مٹا شیب
فراوان به افغانستان رفت. در آنجا پس از
مدتی بصورت یکی از کادرهای گروه های
کمونیستی درآ مدون فعالانه به مبارزه علیه رژیم -
دست نشاندہ سوسال امپریالیسم روسیه در
افغانستان پرداخت در طی سالهای بعد سعید با
برخی از رفقای باقی مانده در ایران تماس
داشت و میخواست به نحوی به ایران برگردد
آخرین خبری که از او در دست است نام هاشمی
است که در آبان ۵۷ برای یکی از رفقا در ایران
فرستاده و از اینکه اوضاع ایران انقلابی شده
و "روبا هاشمی که لباس شیری پوشیده بودند اکنون
مجبور شده اند جلده دروغین خود را تحت فشار شیری -
های واقعی از دست بدهند" ابراز خوشحالی
کرده و نوید با زکشت قریب الوقوع به ایران را
داده است. ولی متأسفانه پس از آن مدت، دیگر
خبری از رفیق سعید در دست نیست. آیا او جز

از آغاز اعتلای انقلابی در ایران چه قبل از
قیام بهمین وجه پس از آن، کم نیستند خا نواد ه -
ها ئی که عزیزان خود را از دست داده و از دست
میدهند. این از دست رفتگان فقط محدود به
عزیزانی نمیشود که جان خود را از دست داده اند
بلکه همچنین شامل کسانی نیز میشود که دیگر به
خانه های خود برنگشته و از سر نوشت آنها خبری
نیست علاوه بر این، در دوران دیکتاتوری رژیم
سلطنتی، بسیاری از جوانان انقلابی که
روابطشان با سازمانهای انقلابی برای پلیس
لورفته بود، دست به فرار از خانه میزدند. این
انقلابیون چنانچه امکان تماس با سازمانهای
چریکی را داشتند بصورت کادرهای مخفی درمی -
می آمدند ولی چنانچه امکان تماس برایشان
وجود نداشت با مشکلات بسیار روبرو میشدند.

یکی از این کمونیستهای مخفی شده رفیق
سعید اخوت فوده میباشد. این رفیق از آبان
۱۳۵۲ مخفی شد و از زمستان ۱۳۵۷ تا کنون از او
خبری نیست.

رفیق سعید اخوت در سال ۱۳۲۸ در سیبک
خانواده کارگری در شهر افغان بدنیا آمد. پدر
او که در مبارزات کارگری افغان بعنوان
نماینده کارگران با فئده از سابقه مبارزاتی
برخوردار بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد تحت
فشار شدیدا واک قرار گرفته بود، تا شیرمهمی در
سمت دادن به افکار سعید داشت. سعید از همان
سنین نوجوانی به سمت مبارزه روی آورد. او و
سایر رفقای پیشگرویی را در سالهای اول دهه ۵۰
بوجود آوردند که بخاطر تهیه یک مقاله تحلیلی
راجع به مبارزات روستائیان یکی از دهات
آذربایجان بنام "را زلیق"، بهمین نام شهرت
یافت. درون این گروه دو خط مشی متفاوت با
یکدیگر درستیز بود: یکی خط مشی توده ای -
انقلابی دیگری خط مشی چریکی. عاقبت خط -
مشی دوم در اوائل سال ۵۲ در گروه غلبه کسردو

بقیه از صفحه ۳۲ جنگ

ایران، از نیروهای نظامی رژیم بعث، آغا زشود قبل از این نیز، اولاف پالعه، با سفر به ایران و عراق، بی سرودا، مذاکراتی را با سردمداران دورژیم انجام داده بود که ظاهراً نتایج ملموسی در جهت آغا مذاکرات طرفین جنگ در بر نداشته بود.

علیرغم این بن بست، علیرغم اینکه هنوز نتیجه نهایی این فعالیت های دیپلماتیک و بویژه فعالیت "هیئت ملخ" روشن نشده است و به عبارتی دیگر تلاشهای دیپلماتیک جاری، بطور قطع به شکست نینجامیده است، لیکن نفس آغا زاین حرکات سیاسی و دیپلماتیک نشان میدهد که طرفین جنگ علیرغم تمام ماه به سوی تسلیفاتی خود، در پی گشودن گره کوری که به دست خود ایجاد کرده اند، میباشند. و بدینسان مجرانی مسالمت آمیز برای پایان دادن به جنگ، به بی دردترین شکل خود برای هر دورژیم میباشند. تا آنجا که به رژیم ایران مربوط می شود، واقع داخلی کشور و وضعیت رژیم درجه به جنگ با عراق، دلایل اساسی این تمایل به اتمام جنگ را بدست میدهد. رژیم جمهوری اسلامی پس از هیهوی تسلیفاتی در ابتدای جنگ مبنی بر آدامه جنگ تا سرنگونی صدام و "خواندن نماز در کربلا"، اکنون که بیش از پیش در بن بست تنگنای متعدد گرفتار آمده است، برده ریا - کاری را به کناری میزند و در جستجوی راه حل "برویندا نه ای" برای پایان دادن به جنگ، مذاکره با "صدام کافر" را جایز می شمارد. در اینکه همه جناح های رژیم، بر سر نفس مذاکره و تمایل به خاتمه جنگ، وحدت دارند، هیچ تردیدی نیست و همه شواهد این مسئله را نشان میدهد. اما اینکه آیا این جناحها، هر دو بر سر پیش شرط های مذاکره نیز وحدت نظر دارند یا نه، شواهد ضد و نقیضی نمی تواند تصویر روشنی از آن ارائه دهد. از یک سو فلاحی، قبل از ورود "هیئت مذکور" پیش کوتاه "قبل از مذاکره را تا شنیدمی - کند و متقابلاً به زادنوی در مخالفت با ایمن گفته فلاحی، آن را رد میکند (جمهوری اسلامی ۱۳ اسفند) و از سوی دیگر سردمداران حزب جمهوری

مانند خاتمه ای و نیز بنی صدر، در طول مذاکرات بروحد نظر میان خود در این زمینه تا کیدمی - کنند اما علیرغم این مسئله حداقل این نکته را میتوان گفت که لیبرالها، به زعمت بنی - صدر، اصرار و تمایل بیشتری در باز کردن هر چه سریعتر با مذاکره و پایان دادن به جنگ از خود نشان میدهند. لیبرالها، با شام طبقاتی تیزتر خود، صدای ترک برداشتن سقف نظام حاکم را زودتر از حریف کونود، به گوش می - شنوند.

آن دلایلی که رژیم جمهوری اسلامی را بر بستر مذاکرات دیپلماتیک، در جهت اتمام جنگ ارتجاعی کنونی، به پیش میراند، بقا رزیم می توان شمرد:

۱- رشد و اعتلای جنبش توده ای در سراسر

کشور، و حرکت شتاب آلود آن بر سبب ترس از انقراض - اجتماعی جامعه مهمترین دلیل واکنشها این تمایل رژیم را توضیح میدهد. وضعیت این است که هیئت حاکمه، جز میسان محدودی در آغا جنگ، نتوانست، از جنگ - ارتجاعی ایران و عراق، بسودا افزایش توهمات توده ها و تشبیب با بهای لرزان خویش بهره - گیری نماید. بالعکس با عیان شدن سریع آثار و نتایج مصیبت با جنگ بر توده های محروم، در همه ابعاد اقتصادی - سیاسی و اجتماعی آن، و با روشن تر شدن هر چه بیشتر ما هیت آن، جنگ به فذ خود تبدیل شد. نا رفا بی توده های محروم ایران، بر اثر نتایج این جنگ ارتجاعی و فخر و فلاکت بیسترونی آن، فزونی گرفت و بسبب نیروی محرکه جدیدی برای گسترش مبارزه آنها تبدیل شد. اکنون رژیم فذ خلقی حاکم، در میدانی به وسعت سرزمین پهنا و ایران، خویش را در برابر بحران سیاسی دم فزونی میباید که از بستر مبارزه اعتلا یافته توده ها بر میخیزد. جنگ، اکنون به سلاخی بر فذ رژیم حاکم تبدیل شده است. بنا بر این چگونه میتوان آن را ادامه داد؟

۲ - سربرو به گسترش تضادهای درونی هیئت حاکمه دلیل دیگری است که رژیم را به سمت خاتمه سریعتر جنگ میکشاند. وضعیت این است که تضادهای اوچگیز درونی رژیم، اکنون به بن بست نهایی خود نزدیک میشود. این تضادهای با دامن زدن بیشتر به بحران سیاسی جامعه، نظام سیاسی بورژوازی را دستخوش شدیدترین تکانها نموده است. این تضادها، بنا بر آرا دادن دوروش و سیاست کیفیتی متمایز، اما ما هیتا یکسان، رژیم را به افلیجی تبدیل کرده است که از راه رفتن محروم است. هیچ عرصه ای - مگر سرکوب انقلاب - نمی توان یافت، که یک سیاست واحد و معین از جانب مجموعه رژیم، امکان جاری شدن یافته باشد. با چنین بحرانی در درون خود، رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند، جنگی را ادامه دهد، که اکنون خود به بستری برای رشد این تضادها و بحران حکومتی، تبدیل شده است. آدامه جنگ، با تمام عوارض و آثارش، آشفتگی درونی رژیم را فزونی میبخشد، نهادهای بزرگ را پیش رابر - اکنده میبازد. علاوه بر این، آدامه جنگ - کیفیت موجود، بیش از پیش ارگانهای نظامی رژیم، بویژه ارتش را متلاشی میکند و رژیم را از مهمترین تکیه گاهایش محروم میبازد. سیمای کنونی ارتش، هم درجه به جنگ و هم در درون خود برونی میتواند بیانگر این آشفتگی و بی رمقی باشد.

۳ - سیمای جنگ در وضعیت کنونی پس از ۶ ماه درگیری برونی نشان میدهد که راه حل نظامی برای دورژیم، بویژه برای رژیم جمهوری اسلامی، بمنظور باز پس گرفتن امتیازات از دست داده در طول جنگ، به بن بست رسیده است جنگ هم اکنون به صورت فرسایشی

در آمده و در یک رکود نسبی فرو رفته است هیچیک از طرفین قادر به هیچگونه ابتکار عمل نظامی، در جهت تغییر توازن کنونی بنفع خود نمیباشند. بعلاوه اینکه وضعیت نظامی رژیم ایران بسیار نابسامان تر از وضع نظامی عراق است این برتری نظامی را صرف نظر از برخورداری ارتش رژیم بعث از انجم بیشتر نسبت به ارتش رژیم ایران، با بددرا مکانات تجهیزات و تدارکاتی نظامی رژیم عراق نسبت به رژیم ایران، جستجو نمود. رژیم عراق برای تهیه این امکانات، از شرایط بین المللی مساعدتری نسبت به رژیم ایران برخوردار است. در چنین شرایطی است که طرفین جنگ، با آگاهی به بن بست راه حل نظامی بتدریج به راه حل سیاسی از طریق مذاکره روی میآورند.

اما، رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم تمام مسایل فوق، مواضعی را نیز بر سر راه گذاشت با ب مذاکره میبیند. مواضعی که اکنون او را در بن بست تنگنای فزینی گرفتار ساخته است رژیم از یک سو در برابر افکار عمومی مردم ایران قرار دارد که هرگونه سازش وی را از موضع ضعف - تر با رژیم عراق بی از آن همه های تسلیفاتی مبنی بر عدم سازش "اسلام یا کفر"، دشوار میبازد. و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی در برابر موضع برتر نظامی و سیاسی عراق قرار گرفته است که هرگونه مذاکره ای را با حفظ وضع موجود، لزوماً به زیان رژیم ایران تمام خواهد کرد. سرسختی رژیم عراق در عدم خروج از مناطق جنوب و غرب قبل از آتش بس و مذاکره مانعی است که تلاشهای رژیم را برای آغا مذاکرات به شکست میکشاند. رژیم بخوبی میداند که رفتن به پای میز مذاکره با وضع موجود، به معنای رسوایی سیاسی کامل وی در افکار عمومی مردم ایران خواهد بود. و این بزرگترین مشکلی است که رژیم جمهوری اسلامی در پیش روی خود میبیند. بدین ترتیب نمی توان تصویر روشنی از آینده جنگ ارائه داد. و نیز نمی توان برنوشت بن بست را که در برابر جنگ ارتجاعی ایران و عراق پدید آمده است، از هم اکنون پیش بینی نمود. اما یک نکته را میتوان مورد تاکید قرار داد، که هر راه حلی برای جنگ کنونی، چه راه حل نظامی و چه راه حل سیاسی، برای رژیم جمهوری اسلامی امتیازی در بر نخواهد داشت و برعکس بر ابعا د بحران درونی آن خواهد افزود و تا شیرات مشخصی به زیان بورژوازی حاکم در مناسبات میان توده ها و رژیم جمهوری اسلامی نخواهد گذاشت. آدامه جنگ بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را تشدید خواهد کرد و جنبش توده ها را بیش از پیش به جلو خواهد راند. مذاکره صلح در شرایط موجود، نقطه پایانی بر تمام عوام - فریبی های رژیم در ذهن توده های خواهد بود که با راعلی این جنگ فلاکت بار را شش ماه تمام بردوش خود حمل نمودند آنچه که در این میان برای کمونیست ها مهم است، این است که نمی -

بقیه در صفحه ۳۱



- ۱- رفیق داریوش ماسر شهید قسام بیمن (۵۷/۱۱/۲۲ - تهران) از گروه "مبارزان راه آرمان" کارگر که در سال ۵۸ به سازمان بیوست.
- ۲- رفیق رضا براتوند شهید دستاویسان ارتجاع (۵۸/۴/۲۱) - در لالی مسجد سلیمان از "جوانان مبارزان" که بعداً به سازمان بیوست.
- ۳- رفیق جهانگیر یوریاقرانی (۵۸/۱۲/۲۵) - در حین انجام وظیفه - جاده نم.
- ۴- رفیق حجت الله خورشید کفاداش آموز هوادار، (۵۸/۱۲/۲۵) - در اندیمشک.
- ۵- رفیق میناز معتمدی شهید "مدانقلاب فرهنگی" (۵۹/۲/۴) - در اهواز.
- ۶- رفیق بیشمرکه کاک عبدالکریم شریستی (۵۹/۲/۶) - کردستان.
- ۷- رفیق بیشمرکه نجم الدین شیخی (۵۹/۲/۱۱) - کردستان.
- ۸- رفیق احمد مودن شهید "مدانقلاب فرهنگی" (تبریز) (۵۹/۲/۱۲) - در اهواز.
- ۹- رفیق بیشمرکه حسن فقیر (امیر) (۵۹/۲/۱۷) - کردستان.
- ۱۰- رفیق بیشمرکه مسعود دستاویش (۵۹/۳/۱۷) - کردستان.
- ۱۱- رفیق بیشمرکه کاک عطا طاطاشی (۵۹/۳/۲۵) - کردستان.
- ۱۲- رفیق محمود مسعودی (شهادت در حین انجام وظیفه تیرماه ۱۳۵۹ - با سوخ).
- ۱۳- رفیق مهدی علوی شوشتری شهید "مدانقلاب فرهنگی" (تبریز) (۵۹/۴/۶) - اهواز.
- ۱۴- رفیق مسعود مالمالی زاد (تروریدست عمال ارتجاع - در تبریز) (۵۹/۵/۱۳).
- ۱۵- رفیق طیب نجم الدینی (تروریدست عمال ارتجاع - در تبریز) (۵۹/۵/۱۳).
- ۱۶- رفیق مسلم خلیج (شهادت در حین انجام وظایف مرداد ۵۹ - تهران).
- ۱۷- رفیق بیشمرکه عطا الله برازنده (۵۹/۷/۱۲) - کردستان.
- ۱۸- رفیق مالک عماد عباسی (زخمی در اثر خمپاره ارتش عراق در هوز - ۵۹/۷/۲۱) - روز شهادت معلوم نیست.
- ۱۹- رفیق نکراله دانشا (تبریز) (۵۹/۷/۲۷) - خنک - خوزستان.
- ۲۰- رفیق بیشمرکه منصور حسینی (۵۹/۷/۲۷) - کردستان.
- ۲۱- رفیق منوچهر سیک اندام (تبریز) - در نتیجه افشاکری در جریان جنگ (۵۹/۸/۳) - آغاخاری.
- ۲۲- رفیق محمد اشرفی (تبریز) - در نتیجه افشاکری در جریان جنگ (۵۹/۸/۳) - آغاخاری.
- ۲۳- رفیق حمید رحمانیور (حین انجام وظیفه در جریان جنگ - ۵۹/۸/۶) - خوزستان.
- ۲۴- رفیق حسین نورانی (در جریان جنگ در خوزستان - ۵۹/۸/۷).
- ۲۵- رفیق بهرام شاهورانی (در جریان جنگ خوزستان - آبان - ۵۹).
- ۲۶- رفیق غلام سقا (در جریان جنگ در خوزستان - ۵۹/۸/۱۰).
- ۲۷- رفیق بیشمرکه صادق بیمنی (۵۹/۱۰/۱۷) - کردستان.
- ۲۸- رفیق محمود ممدی (در نتیجه افشاکری در بین آوارگان جنگ - ماه شهریور - تبریز) (۵۹/۱۱/۱۳).
- ۲۹- رفیق محمد طهماسب زاده زاد (در سالگرد قسام بیمن - آمل - ۵۹/۱۱/۲۲).
- ۳۰- رفیق محمود (رضا) ایلاغان (شهید دست حزب خائن "دمکرات" - کردستان - ۵۹/۱۲/۷) - بوکان.
- ۳۱- رفیق بیشمرکه طاها ابراهیمی (شهید دست حزب خائن "دمکرات" - کردستان - ۵۹/۱۲/۷) - بوکان.
- ۳۲- رفیق بیشمرکه باقی خیاط (شهید دست حزب خائن "دمکرات" - کردستان - ۵۹/۱۲/۷) - بوکان.

به کمونیستهای پیکارگری که در راه آزادی طبقه کارگران باخند!

صدای شما، فریاد تاریخ است!

در صحنه خونین در خون کشیده است.
اما چه ناک؟
این خون، خون مرگ نیست!
این خون، خون روشیدن!
خون شکوفائی!
خونی برای انقلاب کمپراست!

دشمن بخون کشید
آن عاشقان فردا را
و خون عاشقانه آنان
بر ما سرود بخواند:
با خون عاشقانه ما همیشه بخوانند
سرود خونین انقلاب!
سرود سوسیالیسم!
سرود عاشقانه کمونیسم!
با خون عاشقانه ما همیشه بخوانند!

۲۵ اسفند ۵۹
(ک)

دشمن بخون کشید
آن سینه های ستر
آن قلبهای مهربان
آن عاشقان راه سرخ فردا را.
دشمن بخون کشید
تکه های قلب مرا که در زمین اسارت خواندند
سرود سرخ شهادت را.

★
ای قلبهای مشک خونی
ای قلبهای اعدای
کاو از زبان سرود سرخ رهائی است،
خود دشمن زبون و حقیر است

وقتی که استوار میمیرید،
وقتی که کینه های رساتان
صدای استوار تاریخ است.
خود دشمن زبون و حقیر است
وقتی که میکوشد تا صدای شما را به گور سپارد،
صدای شما فریاد میلیونیست
صدای شما فریاد دکان روز حمت
صدای شما فریاد کمونیسم است.
و آیا مگر فریاد تاریخ میمیرد؟

★
دشمن چه دشمنانه
خورشدهای سرخ خلق را

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

به یاد رفیق کمونیست جهانگیر پوربافرانی



رفیق جهانگیر در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری در روستای بافران اربوای ناشناس متولد شد. از سال ۴۹ در دانشکده های علم و صنعت و فنی به تحصیل پرداخت در سال ۵۴ ماکریسم... لنینیسم را پذیرفت. در جریان کارهای نزدیک با کارگران معدن سرفراز و کرد و بصورت عنصری فعال، تمام زندگی خود را در خدمت مبارزه طبقاتی قرار داد. به موازات او همکاری مبارزات بوده ای و در جریان شرکت فعال در مبارزه بوده - ها با مانی جریکی مرزبندی کرد. در آبان ۵۸ به عنوان هوادار به سنگر سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگری بوسیله بدلیل ایمان راسخ به آرمان پرولتاریا و علاقه و اشتیاق به بیکاران و خلافت فراوان در اندک مدتی به مسئول آموزشی و سیاسی یکی از شهرستانهای استان کرمان ارتقا یافت. رفیق جهانگیر در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۵ طی تصادف اتومبیل به شهادت رسید.

بیست هفتمین سالگرد شهادت کریم پور شیرازی

۲۶ اسفندماه ۱۳۳۲ روزنامه بیکار مبارز کریم پور شیرازی مدیر روزنامه "شورش" به دستور آتش بیلوی هر رهبر پارتیزان قصر تهران به آتش کشیده شد. مرتجعین دربار بیلوی و مزدوران امپریالیسم برای باده گساری و سرخوش از شکست حشش خلق در کودتای ۲۸ مرداد، از این روزنامه بیکار مبارز و آزادسواها برای روشن کردن آتش "شورش" جهانرشنه سوری "خودا ستفاده کرده، دودنا نت و زوالت طبقاتی خود را بیکار دیگر نشان دادند. سادت گرامی بساد!



سفینتگی (دستگیری ۵۵/۹/۱۵ زیر شکنجه) حسن - سبحان اللیعی (۵۴/۹/۲۶ زیر شکنجه) صادق فرد - لغوی (۵۵/۹/۱۴) زیر شکنجه) اکرم صادق پور (۱۳۵۵) در درگیری فاطمه فراتوک زاده (نیمه آذر ۱۳۵۴)، احمد صادق قهاره (دستگیری نیمه آذر ۱۳۵۶) شهادت زیر شکنجه (۱۳۵۷) حوریه محسنیان (۵۵/۹/۲۸) در درگیری) و محبوبه افرازی (نیمه آذر ۵۷ خارج از کشور).

دی: رفیق محمدباقر عباسی (از مجاهدین خلق - تبریز) در آبان ۱۳۵۱، رفیق رضا تفکوری (۱۵/۹/۵۹) در درگیری با مزدوران شاه، لیلیا زمردیان (۵۵/۱۰/۴) در درگیری با مزدوران شاه (و مهدی - فتحی) (۱۳۵۵، زیر شکنجه)

بهمن: رفیق منیژه اشرف زاده کرمانی، محمدصادق - رحیمی و محسن بطاشی (تبریز) در آذر ۵۴/۱۱/۳۳) صدیقه رضاشی، (۱۳۵۴ - زیر شکنجه) و محبوبه - متحدین (۱۳۵۵/۱۱/۱۸) - درگیری، عبدالله امینی (تبریز) در آذر ۵۴/۱۱/۲۵)

اسفند: منیژه افشاری (۵۴/۱۲/۷) در آنفجار رحمتا حسن ما موریت انقلابی، رفیق حوریه بازرگان (۵۵/۱۲/۱۸)، مرتضی خاموشی (۱۳۵۵/۱۲/۱۸) احمدحلالی گوار (۱۳۵۵ - در درگیری)، علی اکبر - قائمی (۵۵/۱۲/۲۱) - در درگیری، با دشمنان زنده و آرمانشان جاوید!

اردیبهشت: رفقاها دی فرجادیزنگ (درگیری ۵۵/۲/۱۲) فاطمه (طاهره) میرزا جعفر علاف، جمال شریفزاده - شیرازی و مهدی موسوی قندی (۱۳۵۵) در درگیری مسلحانه با مزدوران شاه (و مطلق آفریده - ۱۳۵۶/۲/۲۴) زیر شکنجه جلادان رژیم شاه)

تیر: رفیق غلامحسین صاحب اختیار (۵۵/۴/۲) زیر شکنجه جلادان رژیم شاه)

مرداد: رفیق علی اصغر دوسر و محمدصادق کفایش - تهرانی (در درگیری - ۱۳۵۴/۴/۴)

شهریور: رفیق رفعت افرازی (۵۴/۶/۶) شهادت در عمان) حسن آلابوش (۵۵/۶/۱۱) در درگیری با مزدوران رژیم شاه.

مهر: رفیق نرگس قهرعلیانلو (۵۵/۷/۱۰) زیر شکنجه دژخیمان ساواک (سیمین جویری) (در درگیری - ۵۵/۷/۲۵) و محمدرضا آخوندی (۱۳۵۶/۷/۲۵) - باران.

آبان: رفیق محمدحاج شمعیا (آبان ۱۳۵۵) در درگیری، بهرام آرام (۵۵/۸/۲۵) در درگیری)

آذر: رفیق ابراهیم داوود (۱۳۵۴) زیر شکنجه، هاشم وثوق پور (۵۴/۹/۳۰) زیر شکنجه، فاطمه -

۴۰ روز از تیرباران رفیق شهید محمود صمدی میگذرد

با طر آزادی و استقلال بوده های تحت ستم و سرود در راه بیروزی انقلاب و بوسا لیم بود. رفیق محمود به این حقیقت زبا که تنها سزای سرخ کمونیستها و تحت رهبری تاریخ ساز طبقه کارگر میخوان و با بد انقلاب را به پیش برد و به بیروزی رساند. ایمان داشت و در راه تحقیق این آرمان بزرگ مرگ را سیرید برآکت. یادش گرامی و راهش جاوید باد! صحیح بود: دانشنامه های رفیق صمدی، وی به نادرست نمایند آوارگان ما شهر معرفی شده بود که بدینوسله صحیح میشود. رفیق - کارآکا هکرا نه در میان آوارگان جنگ مسیردخت

۲۳ اسفندماه، جهلم شهادت رفیق بیکار رگر محمود صمدی است. رفیق محمود با طر عشق به آرمان رهائی بخش طبقه کارگر و فعالیست آکا هکرا نه در میان زحمتکشان آواره جنگ پس از چند هفته با بداری و مقاومت در زیر شکنجه های مدعیان "عدل"، در روز ۱۳ بهمن ۵۹ بدست مزدوران ارتجاع شیرازان شد. رفیق محمود نمونه با ریک کمونیست انقلابی بود که درک مانی ماکریسم لنینیسم در جهت پیوند با طبقه کارگر بیکار کرد و برای زندگی سعادت بار زحمتکشان در فرودای پس از انقلاب زندگی خود را هدیه کرد. زندگی کوتاه از سر تا راه مبارزه

خاطره رفیق حمید مؤمنی، تئوریسین برجسته جنبش نوین کمونیستی ایران همیشه زنده است.

حائنین رویونیست اکثریت، چگونه بخود جرات میدهند، یکی از پیشتازان نبرد طبقه
رویونیسم خروشجفی و بیگانگان اعتقاد به احیای سرمایه داری در شوروی را به خود
منتسب نمایند.



روس مرزبندی دارند، کینه و دشمنی میورزند و با بیای جمهوری اسلامی در سرکوب آنها شرکت میکنند و در حالیکه نام از رفیق مومنی میآورند بزرگترین خیانتها را به راه مومنی انجام داده و حتی بخود جسارت میدهند، همفکران و پیروان راهی که مومنی از پیشتازان آن بود را ضد انقلاب و حتی وابسته به بیگانه میخوانند. آری خائنین اکثریت کاسیکارانه چون کرکس از شهدا و امثالان سود میجویند و راهشان را با بعال میکنند.

بدین ترتیب لازم است خلقهای ایران بدانند رفیق مومنی و دهها همزیم دلاور که در سازمان جریکهای فدائی خلق تا قبل از غلبه مئی جزئی در سال ۵۵ در سازمان فدائیان می-رزمیدند چگونه می اندیشیدند و با کدام ایدئولوژی مبارزه میکردند.

رفیق مومنی از پیشتازان اعلام و افشای احیای سرمایه داری در شوروی،

مبارزه با ترس جهانی و افشاکر تروئسکیسم

رفیق مومنی نیز مانند رفقا احمدزاده نابدل و... دارای مرزبندی قاطعی با رویونیسم خروشجفی است و بخصوص علیرغم نظرات بخش نایبگیر جنبش کمونیستی کنونی ایران ما هیت

رویونیسم را بورژواشی ارزیابی میکند. او میگوید:

رویونیسم در جامعه شوروی، ایدئولوژی یک بورژوازی مدرن است که از شدیدا بیای بورژوازی در درون نظام سوسیالیستی بوجود می آید و علت پیدایش آن رکود و توقف مبارزه طبقاتی است. این بورژوازی به شکل یک قشر ممتاز از روشنفکران (بوروکراتها، تکنوکراتها، هنرمندان دانشمندان و غیره) به افاضه تولیدکنندگان قاجاق و سوء استفاده جیها در دستگاه اداری حزب و جامعه هر میشود، رشد میکند و سبب بازگشت سرمایه داری میگردد. (کتاب چهارصالحه از رفیق مومنی، مقاله ملاحظاتی "در باره ی انقلاب" ص ۲۶) نه تنها رفیق مومنی در این کتاب به افشای تمام عیار رویونیسم خروشجفی می پردازد، بلکه به احیای سرمایه داری در شوروی می پردازد و میگوید:

"احیای بورژوازی در جامعه سوسیالیستی از نظر کل جامعه نامشایب و زیروزی بورژوازی سربرولتا را و از نظر خود پرولتاریا و حزب او نامش از نا هوشیاری دیکتاتوری پرولتاریا و در نتیجه همال در اشکال مختلف مبارزه طبقاتی است" (همانجا)

رفیق مومنی در این کتاب بیان میکند که در دوران سوسیالیسم، سرمایه داری از قدرت سرنگون میشود اما تا بودن میگرد و دورا نسبی طولانی و مبارزه ای سر سخت برای نابودی آن لازم است و در غیر این صورت سرمایه داری احیاء میگردد. رفیق مومنی بورژوازی را به چهار رنکل در دوران سوسیالیسم نشان میدهد:

۱ - تولیدکنندگان کوچک، ۲ - بنگاهها و تعاونیهای تولید (که در آن عده ای دهقان با بیشه و رعیعت و با بقایای بورژوازی وجود دارد) ۳ - قشر ممتاز (که بقول رفیق مومنی خطرناکترین عناصر سرمایه داری هستند) اینها بوروکراتها و تکنوکراتها هستند که چون حزب و دولت را در اختیار دارند و میتوانند با افزایش حقوق و امتیازات خویش سوسیالیسم را موبه تدریج به کاپیتالیسم دولتی تبدیل کنند و بورژوازی بوروکراتیک خلق را از طریق حقوقها و امتیازات عالی خویش استیلا نمایند. ۴ - دزدان و سوء استفاده چنان که در نتیجه تسلط قشر ممتاز بر ادارات و احزاب و دولست و تضعیف و نابود ساختن سازمانهای پرولتاریا و تکیه بر وجود آمد و دینتال خویش دزدی، رشوه گیری، سوء استفاده از اموال دولتی و... به صورت شکل جدیدی از بورژوازی بوجود می آورند.

رفیق مومنی می افزاید که "بورژوازی در صورتی که بوسیله پرولتاریا درهم کوبیده نشود و بر حزب و دولت تسلط یابد، در سیاست خارجی این دولت شروع به بندوبست با امپریالیستها

خائنین رویونیست اکثریت، چگونه به خود جرات میدهند یکی از پیشتازان نبرد طبقه رویونیسم خروشجفی و بیگانگان اعتقاد به احیای سرمایه داری در شوروی را به خود منتسب نمایند؟

رفیق حمید مؤمنی، تئوریسین برجسته جنبش نوین کمونیستی ایران و از اعضای برجسته سازمان جریکهای فدائی خلق در اسفند ۵۴ توسط رژیم شاه خائن دستگیر و پس از مدتی در زیر شکنجه های درخیمان غاری از مهر جلادیه شهادت رسید، گرامی باد شهادت خا طره سرخ رفیق مومنی با زکا رگران و زحمتکشان ایران نمی تواند بدون ذکری از ایدئولوژی رفیق مومنی باشد و واقع قضا ما از سرگذشت رفیق مومنی بزرگداشت آن جنبه های بسیار مثبت و انقلابی از ایدئولوژی اوست. در حالیکه رویونیستها اپورتونیستها، یعنی بورژوازی و خرده بورژوازی درون جنبش بزرگ خود را بیگانه شناخته و نام انقلابیون بزرگ خود را بیگانه شناخته و نام ذکری از اعتقادات آنها بیآورند. این خائنین میکوشند از انقلابیون بزرگ بتهای بی زبانی بسازند و آنها را عقایدات انقلابی آنها را از مضمون انقلابی تهی ساخته مبتدل نمایند. آنها برای فریب توده ها این انقلابیون را به خود منتسب میکنند، اما هرگز جرئت ندارند، گوشه ای از اعتقادات آنها را برای توده ها بازگو نمایند آنها در حقیقت دشمنان طبقاتی این انقلابیون هستند آنها دشمن اعتقادات و ایدئولوژی این انقلابیون که آنها را نیز از نه در راه آن ایدئولوژی جان باختند هستند. رویونیستهای خائن اکثریت بخود جرئت داده و رفیق مومنی را شهید خود! اعلام کرده اند این خائنین اکثریت جرئت دارند، گوشه ای از مبارزات رفیق مومنی را بر علیه رویونیسم خروشجفی منعکس سازند آنها که اکنون خود مبلغ رویونیسم خروشجفی هستند چگونه میتوانند رفیق را بخود منتسب سازند که از بیگانگان طرح احیای سرمایه داری در شوروی، در جنبش کمونیستی ایران بود خائنین اکثریت مزورانه در حالیکه به کمونیستها که در حین مرزبندی با رویونیسم جهان با رویونیسم خروشجفی و سوسال امپریالیسم

میهن پرستان دروغین و مزدوران امپریالیسم را افشا کنیم

با او جگر میبارزات توده های زحمتکش بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم، پس مانده های مزدور رژیم شاهنشاهی و مرتجعین وابسته به داروستانه بخشنا رخا شن برای سو - استفاده از آن را بیتی توده ها نسبت به رژیم حاکم و به انحراف کشانیدن مبارزات زحمتکشان به تلاشهای مذسوحانه خود افزوده اند. مزدوران داروستانه های خائن اویسی جلا دوختن را استفاده از امکاناتی که امپریالیستهای غرب برایشان فراهم میسما بندوبسود جوئی از تبلیغات فریبکارانه را دیسوی و وابسته به امپریالیسم به توطئه علیه انقلاب خلقهای ایران میردا زند. این مرتجعین سلطنت طلب که دستا نشینکارشان به خون دهها هزار شهید راه آزادی و استقلال ایران رنگین است، مزورانه خیال میکنند که خلقهای مبارز ایران جنایت ها و خیانت های بیسما را آن را فراموش کرده اند. آنان با گذشت ۲ سال از سرنگونی رژیم منقورشا و سرقراری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مذسوحانه کوشش میسما بند که با فریب کاری و تبلیغات خائسانه و بزرگ کردن چهره های حنا بتکار خویش در میان مردم رخنه کنند.

این واقعیتی است که توده های زحمتکش در ادامه مبارزات شکوهمند خود بدستوری در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و بسه مبارزه بر میخیزند ولی این نیز واقعیت است که زحمتکشان ما هرگز حنا بتات رژیم شاه و مزدورانش را فراموش نمی کنند و در کنار مبارزه انقلابی بر علیه جمهوری اسلامی حساب باز -

بقیه در صفحه ۲۵

جنگ...

توانند از شکست بورژوازی "خودی" به وجود نیایند و صدای کامهای انقلاب را با طنین بیستسری احساس نکنند. اما تنها در کمونیست ها چنین احساس نسبت به سرنشت یک جنگ ارتجاعی برانگیخته خواهد شد. روبریونیست ها و بورژوازی نیستند بدون شک همصدای بورژوازی، با ظهور چنین شکستی، اشک خواهند ریخت و زوزه سر خواهند داد

منافع انقلاب میتوان اظهار کرد این است که تشدید این تعارضات، بطور کلی از توان و نیروی بورژوازی حاکم در سرکوب انقلاب میکا هدوسا ایجاد نشد در صفوف آن، امکان سرکوب متمرکز را از رژیم طلب میکند و در این میان جنبش توده ها شرایط مساعدی را برای گسترش و تعمیق خود میسما بند. نیروهای آگاه و بسوزده کمونیست ها میتوانند این آشفتنی در قدرت سیاسی را به بستری برای رشد و تعمیق مبارزات توده ها، گسترش فعالیت خود جهت کار آگاهرا نه در میان توده ها و تاملین بسود خود را آنها تبدیل کنند.

مینگار د. رفیق علاوه بر مرز بندی با انواع رنگارنگ روبریونیسم به افشای تروتسکیسم - ایدئولوژی خائسانه بورژوازی برداشته و در مقابل شبه تروتسکیستهای وطنی (وحسدت کمونیستی کنونی) به دفاع از رفیق استالین برداشته و در همین کتاب چهار ساله نشان میدهد که روبریونیسم خروشجفی و تروتسکیسم در حمله به رفیق استالین کدامسما ستهای ارتجاعی را دنبال میکنند. در ضمن رفیق مومنی با برخی از انحرافات رفیق استالین نیز مرز بندی می - نماید.

اگرچه رفیق مومنی از بسیاری جهات در جنبش کمونیستی ایران بیسرواست، اما مسما متاسفانه دارای انحرافات نه چندان کوچک است. رفیق مومنی آلوده به مثنی غیرولتری جریکی است و در همین کتاب چهار ساله آن کمونیستهای که شعار ریشسوی ایجاد حزب کمونیست را مطرح میکنند مخالفت میکند.

رفیق مومنی علیرغم تمامی دستاوردهای درخشانش در مبارزه علیه روبریونیسم، دچار انحرافات آزارشستی است و این انحرافات نه تنها موجب میشود که در ایجاد هدف مستقل - پرولتاریا خلل وارد آید، بلکه حتی زمینس را برای تقویت بعدی روبریونیسم در درون جنبش کمونیستی و از جمله سازمان جریکها فراهم میسما بند. این انحرافات به مثنی بسیار آلوده تر جزئی که شنیدیم اما متاسفانه به روبریونیسم خروشجفی است امکان میدهد که یک دوران سرما زمان فدائیان سوار شود و بسا از آن نیز با تعمیق روبریونیسم در درون فدائیان بخش اعظم این سازمان به منجلا ب روبریونیسم در غلط.

با اینهمه خاطر رفیق مومنی بعنوان یک تئورسین برجسته جنبش کمونیستی همیشه زنده است. آثار با ارزش او نه تنها در مبارزه علیه روبریونیسم خروشجفی بیسما زاست، بلکه آثاری که وی به زبان ساده برای کارگران در زمینه تاریخ و امپریالیسم تاریخی نگاشته است (با امضای مستعارم، سیدسرخ) در این زمینه نیز کم نظیر میسما شد خاطر رفیق مومنی را با تندی پیگیری بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و سرما به داری و با افشای کامل روبریونیسم، دشمن مومنی و مومنی ها، گرامی داریم.

بقیه از صفحه ۳۲ بن است...

میدهد به وبه حاضرین اعلام میکند که شما هم با بستیدن هم تا آخر خواهد ایستاد! (روزنامه - انقلاب اسلامی، دوشنبه ۱۸ اسفند). با این وصف، میتوان دریافت که دور جدید درگیری درونی رژیم، که از گذشته دانشگاه آغاز شده است، نه تنها فروکش نخواهد کرد، بلکه روزه فزونی خواهد گذاشت اینک سیر این تضادهای درگیریها برانجام به کجا خواهد انجامید، از پیش قابل پیش بینی نیست، لیکن آنچه که از موضع

و قربانی کردن منافع خلق هاسمی - بردار و در داخل نیز روبریونیستها شرط زندگی اشرفی تری برای خود فراهم میسما زند و زمینه را برای احیای کامل سرما به داری آماده می - نمایند... با این حساب روشن است که چه خطر عظیمی از جانب بورژوازی بوروکراتیک کشور - های سوسیالیستی، نظام سوسیالیستی آنان را تهدید میکند. خطری که توده های از بسدرسته این کشورها را میتوان بدون مقاومت، آرام آرام، بنیادهای سازد و دوباره به داسرما به داری ببندد، هما نگونه که شرکت در منافع استعماری روبریونیستهای خودی پرولتاریای انقلابی اروپا را تنها ساخت و لیسکیکتها، روزا لوکزا میورگها را از دور خارج نمود... (ص ۷۸ تا ۸۰ کتاب) رفیق مومنی در اثر دیگرش "شورش نه، قدمهای سنجیده در راه انقلاب" در مورد عملکرد روبریونیسم خروشجفی در شوروی چنین میگوید:

"روبریونیسم جدید... در ادواتا رویسود سوسالیسم را آهسته آهسته میخوردمی بوئانند و آنرا کم کم به سوسالیسم امپریالیسم تبدیل میکند که طبعاً به نیروهای انقلابی کشورهای دیگر هم فقط به صورت یک آلت دست خواهد نگرست و برای معامله و بندوبست آنها استفاده خواهد کرد" (نابکدازما ص ۱۴۵ کتاب)

آری خلقهای قهرمان ایران با میدیدند خائنین اکثریت برخون چه دلاورانی تکیه زده - اند و جانبا زبانی کدام رفقا را شیفه شهرت و اعتبار خود میخوانند قرار میدهند، گمانیکه صحبت از احیای سرما به داری در شوروی میکنند، از حاکمیت روبریونیسم بر حزب و بورژوازی دولتی بردولت شوروی میکنند و میگویند شوروی کم کم به سوسالیسم امپریالیسم تبدیل میگردد.

آری اینست ایدئولوژی فدائیان خلق پیش از حاکمیت مثنی لیبرال - ناردنیکی جزئی در سال ۵۵. تمام کسانی که اکنون می - کوشند تا گذشته را بخورند و گاسکارانه برخونش در دلاورین سازمان تکیه بزنند، باید در حال این - وقت قرار بگیرند، که تبعیت از شوروی و نا شیر گرفتن از روبریونیسم خروشجفی خیانت به آرمان شهیدان است و جنبش کسانی هرگز حق ندارند، آن دلاوران را بخود منتسب سازند.

رفیق مومنی تنها به مرز بندی قاطع با روبریونیسم خروشجفی و شوروی نمی پردازد، بلکه از پیشروان کمونیست حتی در سطح جهانی است که با تزارتجاعی به جهان مرز بندی میکند رفیق مومنی در واکنش طرح این تزارتجاعی یعنی در سال ۱۳۵۳، گزارش براسات در حزب کمونیست چین را افشا میکند و این انحراف را که موجب حرکت نسوی امپریالیسم امریکاست محکوم میسما زد. اثر برجسته رفیق، گزارش براسات در سیاست خارجی جمهوری خلق چین در حقیقت از اولین آثاری است که جنبش کمونیستی حتی در سطح جهان بر علیه تزارتجاعی به جهان

بن بست تضادهای درونی رژیم و تعرض نوین لیبرالها

حادثه روز پنج شنبه ۱۴ اسفند، در دانشگاه تهران را میتوان نقطه عطفی در روند تضادهای درونی رژیم و تنها جمعی که در عرصه قدرت به شما رأی آورد. در این روز بنی صدر با سخنرانی عوامی و فریبناهن و حرکات و افشاکرهای "حورا نه" خود بر علیه جناح رقیب با یک جدیدی را در مبارزات دو جناح رژیم و جنگ قدرت لیبرالها با جناح دیگر آغاز نمود.

با این حادثه و عوارض و آثار سیاسی آن در درون هیئت حاکمه از یک سو و کل جامعه از سوی دیگر، اکنون با قطعیت بیشتری میتوان بر این نکته پای فشرده درگیری های درونی هیئت حاکمه به بن بست نهایی خود نزدیک میشود و نیز جناح های رقیب در جهت حذف یکدیگر از قدرت حرکت میکنند. پس از این حادثه، مسوج تسلیماتی طرفین بر علیه یکدیگر چنان بسا لا گرفته است، که دیگر آشکارا طرف مقابل را مورد حمله قرار میدهند، روزها مدآرادگان علیه بنی صدر را "مدانقلابی" خطاب میکنند و او را کسی میدانند که اکنون عملاً در محور "مدانقلاب" قرار گرفته است بنی صدر نیز علناً "حزب" را "گروهی" می داند که "ستون فقراتش" را چاق قدرتی تشکیل میدهد. دو جناح اکنون این چنین بر سر صورت یکدیگر بکنجه میکنند و در برابر هم صف آرا شده اند. از تمام اینها بر علیه یکدیگر مسود میجویند و هر یک مطابق وضعیت خویش وسیله خاصی را برای عوام فریبی به نفع خود به زبان جناح رقیب در دست گرفته است.

واقعیت این است که در حادثه پنج شنبه، برای اولین بار دسته های چاق قدرتی از حزب جمهوری اسلامی، ابتکار عمل را در صحنه چاق قدرتی از دست دادند و بوسیله کسانی که در سخنرانی گرد آمده بودند، تحت فرمان بنی صدر تا رومار شدند و مورد ضرب و شتم متقابل در مقیاس وسیع قرار گرفتند. این مسئله، وسیله ای بدست "حزب" داد تا با مظلوم نمایی بی مانند "چاق قدرتی" را محکوم کند و بر "ظلمی" که بر هواداران سازمان یافته چاق قدرتی رفت، مرثیه خوانی کند. حزب جمهوری اسلامی که "ستون فقراتش" را چاق قدرتی و دسته های تروریست و سرکوب تشکیل میدهد، پس از ۲ سال بگانه تازی در عرصه چاق قدرتی و به خاک و خون کشاندن تظاهرات، مراسم و راهپیماییهای نیروهای انقلابی و بویژه انقلابیون کمونیست و حتی اخلال در مراسم و بیرون راهی لیبرالهای

یادداشت های سیاسی هفت گانه

فدا انقلابی، با کارنا همه ساهی از کشتار و ترور و شکنجه و... اکنون گه این چنین به وورشکنگی کشانده شده است، بر کارنا نه به تکفیر چاق قدرتی می برد از دوازده "ستونی" که در روز پنج شنبه بر آنان وارد شده است، بنا له مینماید. متقابلاً لیبرالها، این عوام فریبان را کار میگویند تا با اینها شدن در پس تعالیات دموکراتیک. توده های مردم، لیبرال میسم میان تپی و فسد انقلابی خویش را رنگ و جلاد هند و دستهای خون - آلود خویش را پنهان سازند، دستهای که به سه همراه جناح دیگر در چهار چوب کل رژیم، در طول این دو سال، کارگران و زحمتکشان را سرکوب کرده و خلق کرد را به خاک و خون کشیده و کمونیستها و انقلابیون را تیرباران نموده است. لیبرالها در همه این موارد، نه تنها هیچ سخن اعتراضی - آمیزی به لب نیاورده اند، بلکه خود مستقیماً در آن دست داشته اند. آزادی دلخواه لیبرالها، نه آزادیهای دموکراتیک برای توده های تحت ستم، بلکه به کف آوردن سهم بیشتر از قدرت سیاسی، گرفتن مهار قدرت و فرو نشاندن بحران سیاسی و اقتصادی موجود است. این چیزی است که بورژوا دموکرات های ما مانند مجاهدین خلق نمیتوانند و نمیخواهند آن را درک کنند.

پس از حادثه سفارت، حزب جمهوری اسلامی با تکیه بر ازار عوام فریبی نه شعاری با مصالحت فدا مبریا لیستی اش، به تدریج لیبرالها را از مواضع قدرت به عقب راند و در موضع مغلوب قرار داد. هر چه "حزب" ازارهای بیشتری از قدرت را به تصرف در میآورد، لیبرالها بهر چه مخالفت را زیر پوشش "آزادیخواهی" بیشتر بلند کردند و اکنون که حزب مهمترین نهاد های حکومتی را تحت تسلط خود در آورده است، فریاد لیبرالها از انحنا رطلمی و "از دست رفتن آزادیها" به هوا بلند شده است. لیبرالها دیگر نمیتوانند فقط با غرولندهای خود نظاره گر "تفاحم حزب" در عرصه قدرت و بیرون رانده شدن تدریجی خود باشند این است که فدا حمله خود را آغاز کرده اند و مبتنی بر آن چهار رنفره لیبرالها در روزهای گذشته، از نمودهای برجسته این تفاحم تویسین بوده و سخنرانی بنی صدر در دانشگاه و این فدا حمله و تنها جم متقابل را به نقطه اوج خود در طی این مدت میرساند. بنی صدر پس از این حادثه در پی تفاحم تسلیماتی جناح رقیب، فرمان "یاداری" بقیه در صفحه ۳۱

جنگ ارتجاعی ایران و عراق: بن بست برای رژیم جمهوری اسلامی

هفته گذشته، هیئتی مرکب از سران دولت های ارتجاعی چند کشور اسلامی، از جانب کنفرانس ارتجاعی "طائف" برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و برقراری صلح به ایران آمده و مذاکراتی را با سردمداران رژیم جمهوری اسلامی انجام دادند.

رژیم جمهوری اسلامی، پس از تسلیمات عوام فریبانه اتی پیرا مون کنفرانس ارتجاعی طائف، و عدم شرکت در آن که صرفاً بدلیل حضور مدامدراسین کنفرانس صورت گرفت و نه به دلیل ما هیئت ارتجاعی آن، این "هیئت" را به سرای "شیدن بیام ایران" پذیرفت و با آن به مذاکره نشست. در طول هفته گذشته "هیئت" "مربور" طی سفرهای متعدد، چند بار با سران رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق به مذاکره نشست و در انتهای این مذاکرات پیشنهادات خود را برای پایان دادن به جنگ اعلام نمود. نتایج حاصله از این مذاکرات و نیز اظهارات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و رژیم بعث عراق، قتل و بعد از مذاکرات و ارائه پیشنهادات "هیئت صلح" نشان میدهد که علیرغم تمایل هر دو رژیم، به خاتمه یافتن سریع جنگ، هیچ نشانی از توافق بر سر یک راه حل مشترک در مقطع کنونی وجود ندارد. بیانشه اخیر "شورای عالی دفاع" و نیز سخنان اخیر خامنه ای درباره پیشنهادات "هیئت صلح" از یک سو و سخنان مدامحسین در آخرین مذاکرات با هیئت مذکور بخوبی این چنین است. بر این نشان میدهد، رژیم ایران، خواهان خروج نیروهای نظامی عراق از سرزمین های اشغال شده ایران، و سپس اعلام آتش بس و مذاکره است. بعلاوه اینکه پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره را در مورد شرط العرب منتهای مذاکره قرار میدهد و تجدید بحث بر سر آن را قبول نمی کنند.

متقابلاً رژیم عراق، خواهان یک آتش بس و شروع مذاکرات، قتل از خروج نیروها بش از مناطق جنوبی و غربی ایران است. رژیم بعث همچنین خواهان گنجاندن مسئله شرط العرب و جزایر سه گانه در مذاکرات صلح میباشد. پیشنهادات "هیئت صلح" که پس از مذاکره با طرفین جنگ اعلام گردید، راه حل مرضی الطرفین متما بل به مواضع رژیم بعث را داد که مطابق آن، ابتدا با آتش بس صورت گیرد و مذاکرات آغاز شود و هفت روز بعد آتش بس تخلیه مناطق اشغال شده بقیه در صفحه ۲۷

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست